

نگین آفرینش (حکومت مهدوی و وظائف سطران)

نگین آفرینش

معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی



تهران خیابان ولی عصر (عج) زرتشت غربی سازمان تبلیغات اسلامی معاونت پژوهشی و آموزشی
دفتر برنامه‌ریزی و توسعه آموزش عالی
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.pajouhe.ir
تلفن: ۹-۸۸۸۹۶۲۲۸

مرکز تخصصی امامت و ولایت

نگین آفرینش

(حکومت مهدوی و وظایف منتظران)

تدوین و انتشار: مرکز تخصصی امامت و ولایت

حقوق نشر برای مرکز تخصصی امامت و ولایت محفوظ است.

درس اول:

ضرورت طرح مباحث مهدویت

و کلیات امامت

اهداف:

۱. اهمیت و ضرورت مباحث مهدویت
۲. آشنایی با ابعاد مختلف ضرورت طرح مباحث مهدویت
۳. شناخت جایگاه امامت و مهدویت در تفکر دینی

فوائد:

۱. توجه به اهمیت موضوع مهدویت و لزوم بررسی ابعاد مختلف آن
۲. احساس نیاز و وابستگی به امام
۳. شناخت اوصاف امام

مطالب آموزشی:

۱. ضرورت طرح مباحث مهدویت
۲. آشنایی با ابعاد ضرورت طرح
الف) اعتقادی
ب) اجتماعی
ج) سیاسی
د) تاریخی
ه) فرهنگی
۳. دلایل نیاز انسان به امام
۴. ویژگی‌های امام
الف) علم امام
ب) عصمت امام
ج) مدیریت اجتماعی امام
د) کمالات اخلاقی امام
۵. انتصابی بودن امام
بیان جامع از امام رضا(علیه السلام)

ضرورت طرح مباحث مهدویت

در هر بحثی پیش از پرداختن به مسائل آن، باید به ضرورت و بایستگی آن توجه کرد، تا با انگیزه قوی و توان کافی وارد آن شد.

از این رو در ابتدا چند پرسش را مطرح می‌کنیم:

۱. آیا مباحث مهدویت، کاربردی است و یا صرفاً تئوری و حاشیه‌ای است؟
 ۲. آیا بحث از مهدویت و مسائل آن نیاز بشر امروز است و می‌تواند به انتظارات او پاسخ دهد؟
 ۳. اعتقاد به مهدویت چه تحولی در زندگی انسان مسلمان ایجاد می‌کند؟ و ...
- موضوع موعود یا مصلح کل، نظریه و اندیشه‌ای نیست که در طول زمان در اذهان پدید آمده و برای تسکین دردها و ایده‌ای برای دل‌داری مظلومان باشد. بلکه هویت شیعه است که با توجه به آیات و روایات می‌توان به ضرورت آن پی برد.

در این نوشتار بر آنیم که به طور اختصار، در ابعاد مختلف به ضرورت طرح مهدویت بپردازیم:

یک. بعد اعتقادی

«اعتقاد» بنیان اصلی زندگی است؛ یعنی، آنچه را که انسان در میدان عمل انجام می‌دهد، بی‌تردید به ساختار اعتقادی او بر می‌گردد. از این رو اگر انسان دارای اعتقاد صحیح و مستحکم باشد، در صحنه عمل گرفتار لغزش و دو دلی نخواهد شد. مهمترین چیزی که به اعتقاد درست شکل می‌دهد، معرفت است.

با تحصیل معرفت می‌توان به این نتیجه رسید که؛ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تداوم بخش امامت ائمه هدی (علیهم السلام) می‌باشند، او واسطه فیض الهی، خاتم‌الاولیاء و مظهر رسول خدا است، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) طریق معرفت به آفریدگار است؛ چنان که در روایات، راه معرفت خدا و اوصاف او، شناخت اولیای خدا و امامان معصوم دانسته شده است. اینان مظهر اسمای الهی‌اند و شناخت درست آنان، می‌تواند طریق معرفت خدا باشد.

شیعه و سنی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل کرده‌اند: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»^۱ هر کس بمیرد و حال آنکه امام زمان خود را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است.»

در برخی از دعاها مأمور شده ایم تا خواهان توفیق معرفت امام باشیم:

«اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی.»^۲ ... خدایا حجت خود را به من شناسان، اگر حجت خود را به

من شناسانی، از دینم گمراه خواهم شد.»

آیا با وجود این همه آثار، نباید به شناخت امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرداخت و ابعاد وجود مقدس

حضرت ولی عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بهتر شناخت؟ چگونه می‌توانیم نسبت به او شناخت صحیح و درستی نداشته باشیم؟ در حالی که آن حضرت در عصر غیبت نیز، از فیض الهی خویش، مردم را محروم نمی‌کند، و همه ما مشمول فیوضات امامت او هستیم؟

دو. بعد اجتماعی

بشر از روزی که روی زمین قرار گرفت، پیوسته در آرزوی یک زندگی اجتماعی سعادت بخش بوده است. اگر این خواسته امکان تحقق خارجی نداشت، هرگز چنین آرزو و امیدی در نهاد وی نقش نمی‌بست؛ همان طور که اگر غذا یا آبی نبود، تشنگی و گرسنگی هم نبود...

«مهدویت»، فکر و اندیشه‌ای است که آثار اجتماعی فراوانی دارد، مهمترین آنها، از بین بردن یأس و ناامیدی از پیکره اجتماع است. مهدویت؛ یعنی، امیدواری به آینده‌ای روشن و پیامی رهایی‌بخش به بشر سرخورده و ستم دیده و اینکه روزی یک مرد الهی خواهد آمد و آنچه مردم بدان امید دارند، تحقق خواهد بخشید.

یک مسلمان، باور قطعی دارد که تنها نظام اجتماعی که می‌تواند به خواسته‌های مشروع او به طور کامل پاسخ دهد و نظامی را براساس حق و عدالت شکل دهد، نظام زیبای حکومتی اسلام است که شکل کامل آن در عصر ظهور ولی عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) تحقق خواهد یافت. این، یعنی امید، نشاط و زندگی. این اندیشه آن قدر روشن است که حتی برخی از مستشرقان (نظیر ماربین فیلسوف آلمانی) هم بدان تصریح کرده است: «از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهم که همیشه [می‌تواند] موجب امیدواری و رستگاری [باشد] همانا اعتقاد به وجود حجّت عصر و انتظار ظهور او است.»

بنابراین اعتقاد به وجود مقدس مهدی موعود(عجل الله تعالی فرجه الشریف) امید را در دل‌ها زنده می‌کند. انسانی که معتقد به این اصل است، نا امید نمی‌شود، چون می‌داند یک پایان روشن حتمی وجود دارد... سعی می‌کند که خودش را به آن برساند^۳ و از حرکت نمی‌ایستد بلکه سعی در تحقق بخشیدن آن دارد و از این رو در برابر سختی‌ها و ناملایمات تن به شکست نمی‌دهد. این بزرگترین ره آورد اجتماعی برای بشر در پرتو اعتقاد به مهدویت است.

سه. بعد سیاسی

تاریخ پیوسته شاهد شکست مکتب‌ها و حکومت‌های مختلف در صحنه جهانی بوده است. سالیان دراز دو ایده غالب - کاپیتالیسم نماینده اندیشه لیبرال دموکراسی غرب و کمونیسم نماینده سوسیالیسم - با سلاح‌های اتمی و ... جهان را تهدید کردند و این آشکارترین دلیل بر ناکارآمدی برنامه‌ها و ایده‌های آنها است.

این دو تفکر سالیان متمادی، افکار و اندیشه سیاسی جهان معاصر را تحت الشعاع خود قرار داده بود. ولی در طول سالیان گذشته یکی سقوط کرده و دیگری در حال سقوط است زیرا به راحتی می‌توان چالش‌های موجود در اندیشه لیبرال دموکراسی غرب را مشاهده کرد. آنچه از بحران‌های اخلاقی، معرفتی، روانی و تکنولوژی و ... در آن پدید آمد، همه نشان آن دارد که این امپراطوری، در انتظار یک شکست سنگین است.

حال تکلیف این بشر وامانده و سرگشته از ناکامی‌ها و شعارهای بی‌عمل و نظاره گر سراب‌ها چیست؟ بشر امروزی تشنه یک طرح و نگاه جدید در عرصه سیاسی جهان است. به واقع بشر امروز در یک عطش فوق‌العاده به سر می‌برد، و آنچه می‌تواند او را سیراب کند، فقط طرح مدینه فاضله مهدوی است.

نظریه مهدویت، یک اندیشه جهانی است و این اندیشه برای جهان و اداره آن طرح و برنامه دارد. از این رو تنها برنامه‌ای که می‌تواند پاسخگوی بشر معاصر باشد، این اندیشه است، مهدویت در عرصه حکومت دارای اهداف بلند و ارزشی است، و حتی می‌تواند این فکر برای حکومت دینی، یک طرح راهبردی باشد. اگر مهدویت به خوبی تبیین شود، حرکت‌های اصلاحی در سراسر جهان جان می‌گیرد، چنان که انقلاب اسلامی ایران به عنوان زمینه و بستری مناسب برای انقلاب بزرگ امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شکل گرفت.

چهار. بعد تاریخی

مهدویت در راستای مسأله امامت و در امتداد نبوت و خاتمیت است، از این رو در مرحله‌ای حساس از تاریخ آغاز شده و تا امروز ادامه یافته است و تا آخرین لحظه حیات دنیوی بشر نیز باقی خواهد بود. بنابراین چگونگی «امامت» از امام علی (علیه السلام) تا ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و عکس‌العمل مسلمانان درباره امامت (بطور عام) و مهدویت (بطور خاص) و نیز حوادث تاریخی در این زمینه می‌تواند از موضوعات مهم و حساس تاریخ اسلام به شمار آید.

مسأله مهدویت در طول تاریخ مطرح بوده است، روایات شیعه و سنی مملو از بشارات پیامبر گرامی به آمدن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. موعود باوری در طول حیات تاریخی اسلام منشأ آثار فراوان بوده است. جالب اینجا که بسیاری از حرکت‌های اصلاحی در تاریخ و عصر حاضر متأثر از اندیشه مهدویت بوده است؛ (مثل فاطمیان در مصر، مهدی سودانی در سودان و ...) حرکت اصلاحی موعود باوری آن چنان در جامعه اسلامی تأثیر شگرف گذاشت که برخی از دسیسه‌گران با استفاده ابزاری از واژه مهدی، و ادعای مهدویت عده‌ای از مردم را در جوامع اسلامی به خود مشغول کردند.

پنج. بعد فرهنگی

یکی از وظایف ما مسلمانان، زمینه‌سازی و گسترش فرهنگ مهدویت و جلوگیری از تأخیر در ظهور آن حضرت است. کار در بعد فرهنگی در عرصه مهدویت به چند محور نیاز دارد:

۱. تبیین استراتژی انتظار

استراتژی انتظار؛ یعنی کلان‌نگری و به کارگیری همه نیروها و توانایی‌ها برای تحقق ظهور حضرت، این امر تحقق نمی‌یابد مگر اینکه در این عرصه از هر گونه برنامه منفعلانه دوری کرده و خود را به یک برنامه فعال و پرتحرک واداشته تا با سازمان دهی همه نیروها و توان موجود به اهداف مورد نظر دست یابیم. برای تحرک لازم در این زمینه باید آینده‌نگری داشت؛ زیرا بدون تبیین روشن آینده نمی‌توان برنامه درستی تدوین کرد. همچنین باید از تمام ظرفیت‌های موجود در جامعه استفاده کرد تا انتظار به معنای واقعی کلمه شکل بگیرد، در نتیجه راه از بیراهه شناخته شود و گرفتار انتظار منفی و ایستا نشویم.

۲. آسیب شناسی

باید تلاش کرد نقاط آسیب‌پذیر را شناخت و سعی در حل این آسیب‌ها داشت: به عنوان نمونه، نباید با طرح افراطی ملاقات با امام زمان (علیه السلام)، اساس مهدویت را در ملاقات خلاصه کرد، چرا که با عدم تحقق ملاقات، عده‌ای دچار یأس و ناامیدی می‌شوند و ... و یا به طرح یک طرفه قهر و غضب امام پرداخت. همچنین بایستی مراقب باشیم، مفهوم انتظار، تحریف نشود و اندیشه‌های نادرست (مانند ظلم‌پذیری و ...) در

جامعه حاکم نگردد.

۳. دشمن شناسی

دشمن از هر حربه‌ای استفاده می‌کند تا جلوی رشد تفکر مهدویت را در جامعه اسلامی بگیرد و یا آن را تحریف کند. با توجه به آنچه گفته شد (ثمرات مهدویت و ...)، اگر دشمن این کار را نکند باید تعجب کرد؛ زیرا ماهیت دشمنی همین است! باید کوشید با شناخت صحیح مباحث مهدویت، جلوی هر گونه تخریب و تحریف در آن را گرفت.

مفهوم و جایگاه امامت

پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) مهمترین بحثی که در جامعه نوپای اسلامی مطرح شد موضوع خلافت و جانشینی رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) بود. گروهی بر اساس آراء بعضی بزرگان صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، خلافت ابوبکر را پذیرفتند و گروه دیگر معتقد شدند که جانشین پیامبر بنا بر تعیین آن حضرت، امام علی (علیه السلام) است. در زمان‌های بعد دسته اول به عامّه (اهل سنت و جماعت) و گروه دوم به خاصّه (شیع) معروف گردیدند.

نکته قابل توجه اینکه اختلاف شیعه و سنی تنها در شخص جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نیست؛ بلکه در دیدگاه هر یک، «امام» معنی و مفهوم و جایگاه ویژه‌ای دارد که این دو مذهب را از یکدیگر متمایز می‌کند. برای روشن شدن موضوع، معنای امام و امامت را بررسی می‌کنیم تا تفاوت دیدگاه‌ها آشکار گردد. «امامت» در لغت به معنی پیشوایی و رهبری است و «امام» کسی است که سرپرستی یک گروه را در مسیری مشخص به عهده می‌گیرد. و در اصطلاح علم دین، امامت به گونه‌های مختلف تفسیر شده است.

به نظر اهل سنت، امامت حاکمیتی دنیوی (و نه منصبی الهی) است که از رهگذر آن جامعه مسلمین سرپرستی و اداره می‌گردد و از آنجا که هر جمعیتی نیاز به پیشوا و بزرگی دارند جامعه مسلمین نیز، پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) باید برای خود رهبری برگزیند و چون برای این گزینش راه و رسم ویژه‌ای در دین ترسیم نشده است، انتخاب جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌تواند از راههای مختلف همچون رجوع به آراء اکثریت مردم یا بزرگان آنها یا وصیت خلیفه پیشین و یا حتی کودتا و غلبه نظامی باشد.

ولی شیعه که امامت را ادامه نبوت و امام را حجت خدا در میان خلق و واسطه فیض او به مخلوقات می‌داند معتقد است که «امام» تنها به تعیین الهی است که از زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، پیام آور وحی، معرفی می‌گردد. این ایده به خاطر جایگاه رفیع و بلند امامت در تفکر شیعی است که امام را نه تنها سرپرست و مدیر جامعه مسلمین که بیان کننده احکام الهی و مفسر قرآن کریم و راهبر راه سعادت می‌داند. به بیان دیگر در فرهنگ شیعه، امام، مرجع امور مردم در دو بخش دین و دنیاست نه آنگونه که اهل سنت معتقدند که تنها وظیفه خلیفه، حکومت داری و اداره دنیای مردم باشد.

نیاز به امام

پس از روشن شدن دیدگاهها، بجاست به این سؤال پاسخ دهیم که با وجود قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) چه نیازی به امام و رهبر دینی - آنگونه که شیعه معتقد است - وجود دارد؟
برای ضرورت وجود امام، دلیل‌های فراوانی بیان شده است ولی ما تنها به یک بیان ساده، اکتفا می‌کنیم:

همان دلیلی که نیاز به پیامبر را بیان می‌کند، بیانگر نیاز مردم به «امام» نیز است. زیرا از سویی، اسلام آخرین دین و حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) آخرین پیامبر خداست، بنابراین، اسلام باید پاسخگوی تمام نیازهای بشر تا قیامت باشد. از سوی دیگر، قرآن کریم، اصول و کلیات احکام و معارف الهی را بیان کرده است و تبیین و توضیح آن به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) واگذار شده است.^۴ ولی روشن است که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به عنوان رهبر مسلمین، مطابق نیازها و ظرفیت جامعه اسلامی زمان خود به بیان آیات الهی پرداخته است و لازم است برای او جانشینان لایقی باشد که همچون او متصل به دریای بیکران علم خدا باشند تا آنچه را پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، تبیین فرموده است، بیان کنند و نیازهای جامعه مسلمین را در هر زمان، پاسخ گویند.

در روایتی که شیعه و سنی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل کرده‌اند آمده است:

«أَنْتِ تَارِكٌ فَيْكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي؛ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي أَبَدًا...»^۵

به راستی که من دو چیز گرانبها در میان شما باقی می‌گذارم: قرآن و اهل‌بیتم، تا وقتی به این دو چنگ بزنید هرگز پس از من گمراه نخواهید شد.»

طبق این حدیث، هیچ زمانی خالی از حضور عترت پیامبر در کنار قرآن نخواهد بود. همچنین امامان (علیهم السلام)، نگهبان میراث به جا مانده از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و نیز مبین و مفسر حقیقی قرآن کریم هستند تا دین خدا دستخوش تحریف غرض ورزان و دشمنان قرار نگیرد و این سرچشمه زلال تا قیامت، پاک و پاکیزه باقی ماند.

بعلاوه «امام» به عنوان انسان کامل، الگوی جامعی در همه ابعاد انسانی است و بشر نیاز جدی به چنین نمونه‌ای دارد که با دستگیری و هدایت او، آنگونه که در خور کمال انسانی اوست تربیت گردد و در پرتو راهنمایی‌های این مربی آسمانی از انحراف‌ها و دام‌های نفس سرکش خود و شیطان‌های بیرونی محفوظ بماند.

از مطالب بالا روشن شد که نیاز مردم به امام یک نیاز حیاتی است و برخی از وظایف امام به شرح زیر است:

- رهبری و اداره امور جامعه (تشکیل حکومت)

- حفظ دین و آئین پیامبر از تحریف و بیان صحیح قرآن؛

- تزکیه نفوس و هدایت معنوی مردم؛^۶

ویژگی‌های امام

جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) که ضامن تداوم حیات دین و نیز پاسخگوی نیازهای بشر است شخصیت ممتازی است که به تناسب جایگاه والای پیشوایی و رهبری، ویژگی‌هایی دارد که مهمترین آنها عبارتند از: تقوا و پرهیزگاری و برخورداری از ملکه عصمت به گونه‌ای که کوچکترین گناهی از او سر نمی‌زند. علم و دانش که از علم پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) سرچشمه گرفته است و متصل به علم الهی است. بنابراین پاسخگوی همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، دینی و دنیوی است.

آراستگی به فضائل و سجایای اخلاقی در بالاترین درجات؛

توان اداره جامعه بشری و مدیریت صحیح آن بر اساس آموزه‌های دینی؛

با توجه به صفات یاد شده برای امام، بدیهی است که انتخاب چنین فردی از توان و دانش مردم بیرون است و تنها خداوند است که به سبب علم بی نهایت خود می‌تواند پیشوایان و جانشینان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را برگزیند. بنابراین از مهمترین ویژگی‌های امام، منصوب بودن او از سوی خداست.

با توجه به اهمیت این ویژگی ها، به اختصار درباره هر یک توضیح می دهیم:

علم امام

امام که سمت پیشوایی و رهبری مردم را به عهده دارد؛ لازم است دین را در تمامی زوایای خود بشناسد و به قوانین آن آگاهی کامل داشته باشد و نیز با دانستن تفسیر آیات قرآن و احاطه کامل به سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به تبیین معارف دین پرداخته و به همه سؤالات مردم در موضوعات مختلف پاسخ دهد و آنها را به بهترین شیوه راهنمایی کند. بدیهی است که چنین مرجع علمی می تواند مورد اعتماد و تکیه گاه توده ها قرار گیرد و چنین پشتوانه علمی تنها به واسطه اتصال به علم الهی می تواند وجود داشته باشد به همین دلیل است که شیعه معتقد است علم امامان و جانشینان واقعی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) برگرفته از علم بیکران خدایی است.

امام علی (علیه السلام) درباره علامت های امام بر حق می فرماید:

«امام آگاه ترین فرد است به حلال و حرام خدا و احکام گوناگون و اوامر و نواهی او و هر آنچه مردم نیازمند هستند.»^۷

عصمت امام

یکی از صفات مهم امام و شرایط اساسی امامت، «عصمت» است و آن ملکه ای است که از علم به حقایق و اراده ای قوی به وجود می آید و امام به سبب برخورداری از این دو، از ارتکاب هر گناه و خطایی خودداری می کند. امام هم در شناخت و تبیین معارف دینی و هم در عمل به آنها و هم در تشخیص مصالح و مفاسد جامعه اسلامی، معصوم از لغزش می باشد.

برای عصمت امام، دلائل عقلی و نقلی (از قرآن و روایات)، وجود دارد. مهمترین دلیل های عقلی عبارتند از:

الف. حفظ دین و راه و رسم دینداری، در گرو عصمت امام است. چون امام مسئولیت حفظ دین از تحریف و هدایت دینی مردم را به عهده دارد و نه تنها سخن او که رفتار او و تأیید و عدم تأییدش نسبت به عمل دیگران، در رفتار جامعه تأثیر می گذارد. پس باید در فهم دین و عمل به آن از هر لغزشی محفوظ باشد تا پیروان خود را به گونه صحیح، هدایت کند.

ب. یکی از دلائل نیاز جامعه به امام این است که مردم در شناخت دین و اجرای آن، مصون از خطا نیستند. حال اگر پیشوای مردم نیز چنین باشد، چگونه می تواند مورد اعتماد کامل آنها قرار گیرد؟! به بیان دیگر اگر امام معصوم نباشد، مردم در پیروی از او و انجام همه دستوراتش، دچار تردید خواهند شد.^۸

آیاتی از قرآن نیز بر لزوم عصمت امام دلالت دارد که یکی از آنها آیه ۱۲۴ سوره بقره است. در این آیه شریفه آمده است که پس از مقام نبوت، خداوند مقام والای امامت را نیز به حضرت ابراهیم (علیه السلام) عطا فرمود. آنگاه حضرت ابراهیم از خداوند درخواست کرد که مقام امامت را در نسل او نیز قرار دهد.

خداوند فرمود:

«عهد من (امامت) به ستمکاران و ظالمان نمی رسد». یعنی منصب امامت مخصوص آن دسته از ذریه ابراهیم (علیه السلام) است که ظالم نباشند.

حال با توجه به اینکه قرآن کریم، شرک به خدا را ظلم بزرگ دانسته و نیز هر گونه تجاوز از دستورات الهی (= گناه) را ظلم به نفس شمرده است، هر کس در برهه ای از زندگی خود، مرتکب گناهی شده، مصداق ظالم بوده و

شایسته مقام امامت نخواهد بود.

به بیان دیگر، بدون شک حضرت ابراهیم (علیه السلام) «امامت» را برای آن دسته از ذریه خود که در تمام عمر گناه کار بوده و یا در آغاز نیکوکار بوده و سپس بدکار شده اند، درخواست نکرده است. بنابراین دو دسته باقی می ماند:

۱. آنان که در آغاز، گناه کار بوده و سپس توبه کرده و نیکوکار شده اند.

۲. آنها که هیچ گاه مرتکب گناهی نشده اند.

خداوند در کلام خود، دسته اول را استثنا کرده است. نتیجه اینکه مقام «امامت» تنها به دسته دوم اختصاص دارد.

مدیریت اجتماعی امام

از آن جا که انسان، موجودی اجتماعی است و اجتماع بر روح و روان و رفتار او تأثیر فراوانی دارد لازم است برای تربیت صحیح و رشد او به سوی قرب الهی، زمینه های اجتماعی مناسب پدید آید و این در سایه تشکیل یک حکومت الهی، ممکن خواهد بود. بنابراین امام و پیشوای مردم باید توان اداره امور جامعه را دارا بوده و با استفاده از تعالیم قرآن و سنت نبوی (صلی الله علیه و آله وسلم) و بهره گیری از عناصر کار آمد، حکومتی اسلامی را پی ریزی کند.

آراستگی امام به کمالات اخلاقی

امام که پیشوا و راهبر جامعه است باید از همه بدی ها و رذائل اخلاقی دور بوده و در مقابل، همه کمالات اخلاقی را در عالی ترین حد آن دارا باشد زیرا او به عنوان انسان کامل بهترین الگو برای پیروان خود به شمار می رود. امام رضا (علیه السلام) فرمود: «برای امام (علیه السلام) نشانه هایی است: او داناترین،... پرهیزگارتترین، بردبارترین، شجاع ترین، سخاوتمندترین و عابدترین مردم است»^۹.

بعلاوه او در مقام جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، در پی تعلیم و تربیت انسان هاست. بنابراین خود باید پیش از همگان و بیشتر از مردمان، به اخلاق الهی آراسته باشد.

امام علی (علیه السلام) می فرماید:

کسی که [به امر خدا] خود را امام مردم قرار داده است بر اوست که پیش از تعلیم دیگران به تعلیم خود همت گمارد و باید دیگران را به وسیله رفتار خود تربیت کند پیش از آنکه با گفتار تربیت کند.^{۱۰}

نصب امام از سوی خدا

از دیدگاه شیعه، امام و جانشین پیامبر تنها به دستور خدا و انتخاب او انجام می گیرد و پیامبر، امام پس از خود را معرفی می کند. بنابراین هیچ فرد یا گروهی حق دخالت در این امر را ندارند.

ضرورت نصب امام از سوی خداوند دلیل هایی دارد از جمله:

الف. به فرموده قرآن، حاکم مطلق بر همه چیز خداوند است و همه باید تنها از او اطاعت کنند. بدیهی است این حاکمیت می تواند از سوی خداوند به هر کسی - مطابق شایستگی و مصلحت - داده شود. بنابراین، همان گونه که پیامبر به وسیله خدا انتخاب می گردد، امام نیز به تعیین الهی، بر مردم ولایت می یابد.

ب. پیش از این برای امام، ویژگی هایی را از قبیل عصمت و علم و... بیان کردیم. روشن است که یافتن و شناختن کسی که دارای این صفات - آن هم در عالی ترین درجه - باشد تنها به وسیله خداوند که دانای به آشکار و نهان

انسانهاست، امکان پذیر است. همان گونه که خداوند در قرآن کریم به ابراهیم می‌فرماید: من تو را به مقام امامت مردم قرار دادم.^{۱۱}

بیانی جامع و زیبا از زبان عصمت

در پایان این گفتار مناسب است که بخشی از بیان زیبای پیشوای هشتم، حضرت رضا(علیه السلام) را که درباره مقام امام و ویژگی های اوست بیاوریم:

«آنها [که در امر امامت اختلاف کردند و گمان کردند که امامت امری انتخابی است] نادانی کردند... مگر مردم، مقام و منزلت امامت در میان امت را می‌دانند تا روا باشد که به اختیار و انتخاب ایشان واگذار شود؟! همانا امامت، قدرش والاتر و شأنش بزرگ‌تر و منزلتش عالی‌تر و مکانش رفیع‌تر و عمقش ژرف‌تر از آنست که مردم با عقل خود به آن برسند یا با آرای خود آن را دریابند...

همانا امامت، مقامی است که خدای عزوجل، بعد از رتبه نبوت و خلت (مقام خلیل الاهی) در مرتبه سوم به ابراهیم(علیه السلام) اختصاص داد... امامت، خلافت خدا و خلافت رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) و مقام امیرالمؤمنین(علیه السلام) و میراث حسن و حسین(علیهما السلام) است. به راستی که امامت، زمام دین و مایه نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنان است... کامل شدن نماز، روزه، حج و جهاد و... نیز حفظ مرزها به سبب امام [و پذیرفتن ولایت] است. امام، حلال خدا را حلال و حرام او را حرام می‌کند [و مطابق حکم واقعی پروردگار، حکم می‌کند] و حدود الهی را به پا می‌دارد و از دین خدا حمایت کرده و با حکمت و موعظه نیکو و دلیل رسا به راه پروردگار دعوت می‌کند.

امام مانند خورشید طلوع کننده است که نورش عالم را فرا می‌گیرد و خودش در افق است به گونه‌ای که دست‌ها و دیدگان به او نرسد. امام، ماه تابان، چراغ فروزان، نور درخشان و ستاره راهنما در شدت تاریکی‌ها و در راههای شهرها و کویرها و در گرداب دریاها [و نجات دهنده از انواع فتنه‌ها و نادانی‌ها] است...

امام انیس همراه و پدر مهربان و برادر تنی و مادر نیکوکار به فرزند کوچک و پناهگاه بندگان در مصیبت‌های بزرگ است. امام کسی است که از گناهان پاک و از عیب‌ها برکنار است. او به دانش مخصوص و به خویشتن داری و حلم نشانه دار است... امام، یگانه روزگار خویش است و کسی به (ساحت) او نزدیک نمی‌شود و هیچ دانشمندی با او برابر نمی‌گردد. نه کسی جای او را می‌گیرد و نه برای او مثل و مانندی یافت می‌شود... پس کیست که بتواند امام را بشناسد و یا انتخاب امام برای او ممکن باشد؟! هیهات هیهات!^{۱۲} در اینجا خرده‌ها گم گشته و عقل‌ها سرگردان و حیران گردیده است. [در اینجا] دیده‌ها بی‌نور، بزرگان کوچک؛ حکیمان متحیر... و سخن دانان در مانده‌اند از اینکه بتوانند یکی از شوون یا فضیلت‌های امام را توصیف کنند و آنان همگی به عجز و ناتوانی اعتراف می‌کنند!!...»^{۱۳}

خلاصهٔ درس

- با توجه به جایگاه اصیل مهدویت، تبیین معارف مهدوی و بررسی ابعاد آن، یک امری مهم و ضروری است.
- با عنایت به حدیث « من مات... » شناخت امام عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) یک ضرورت است.
- طبق مفاد حدیث « ثقلین » قرآن و عترت ملازم هم و جدایی ناپذیر از یکدیگرند.
- اعتقاد به امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) به عنوان امام حی و حاضر، یک اعتقاد مستحکم و خدشه ناپذیر است.
- توجه به شبهات مطرح پیرامون موضوعات مهدویت، امری لازم است.
- تفاوت اساسی دیدگاه شیعه و سنی در باب امامت بر این است که در اعتقاد شیعه، امامت منصب الهی و جزء اصول دین است اما از نظر اهل سنت امامت یک مقام دنیوی و امر عرفی است.
- امام(علیه السلام) آراسته به کمالات مانند: علم، عصمت، مدیریت و دیگر ارزش‌های الهی و صفات عالی انسانی است.

پرسش‌های درس

۱. ابعاد مختلف ضرورت طرح مباحث مهدویت را توضیح دهید؟
۲. تفاوت بنیادین دیدگاه شیعه با اهل سنت در باب امامت و خلافت را بیان کنید؟
۳. فلسفه و دلیل نیاز انسان به امام را شرح دهید؟
۴. با توجه به ویژگی‌های مقام امامت، لزوم انتصابی بودن امام (علیه السلام) چگونه قابل اثبات است؟
۵. منشأ پیدایش ملکه عصمت را معرفی و دلائل اثبات عصمت امام (علیه السلام) را به اختصار توضیح دهید؟

سوالات پژوهشی

۱. اهمیت و جایگاه معرفت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را تبیین نمایید؟
۲. ارتباط حدیث ثقلین با امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را تشریح کنید؟
۳. اضطرار به حجّت را تبیین کنید؟
۴. ضرورت طرح معارف مهدویت از بعد فرهنگی را بیان کنید؟

معرفی منابع جهت مطالعه و پژوهش

۱. بحار الانوار - ج ۲۳ - باب وجوب معرفة الامام
۲. کافی - ج ۱ - کتاب الحجّة باب معرفة الامام
۳. ضرورت طرح مباحث مهدویت - روح الله شاکری
۴. فصلنامه انتظار - شماره ۱ - مقاله مبانی اعتقادی مهدویت
۵. امامت و مهدویت - آیت الله صافی گلپایگانی
۶. منتخب الاثر - آیت الله صافی گلپایگانی

۱. شیخ صدوق، *کمال الدین و تمام النعمه*، ج ۲، ص ۴۰۹، ج ۹ و قریب به این مضمون رک: *صحیح بخاری*، ج ۵، ص ۱۳، *صحیح مسلم* ج ۶، ص ۲۱ و ۲۲. ابن ابی الحدید، *شرح نهج البلاغه*، ج ۹، ص ۱۵۵.
۲. *اصول کافی*، ج ۱، ص ۳۳۷ و *کمال الدین*، ج ۲، ص ۳۴۳
۳. *مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت*، سید هادی خسروشاهی، ص ۷۷ (به نقل) از *رولیسویل بزرگ یا سیاست الحسینیه*، فصل ۷، صص ۴۹ و ۵۰، تحت عنوان: فلسفه مذهب شیعه.
۴. قرآن کریم خطاب به پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: «ما ذکر [قرآن] را بر تو فرستادیم تا آنچه را بر مردم نازل شده است برای ایشان بیان کنی»؛ سوره نحل، آیه ۴۴.
۵. *بحارالانوار*، ج ۲، ص ۱۰۰.
۶. گفتنی است که «تشکیل حکومت» توسط امام معصوم وابسته به زمینه‌ها و شرایط آن است ولی سایر وظایف، حتی در زمان غیبت، انجام می‌گیرد اگرچه در زمان ظهور امام و حضور آشکارش در میان مردم، ملموس و عینی است. نکته دیگر اینکه آنچه در این بخش گفته شد نیاز مردم به امام در حیات معنوی آنهاست و اما نیاز مجموعه عالم به «وجود امام» در بحث «فوائد امام غایب» خواهد آمد.
۷. *میزان الحکمه*، ج ۱، ص ۸۶۱.
۸. به علاوه اگر امام مضمون از خطا نباشد باید به دنبال امام دیگری بود تا نیاز مردم را پاسخ دهد و اگر او نیز محفوظ از خطا نباشد امام دیگری لازم است و این رشته همچنان تا بی نهایت ادامه خواهد یافت و چنین امری از نظر فلسفی باطل است.
۹. *معانی الاخبار*، ج ۴، ص ۱۰۲.
۱۰. *میزان الحکمه*، باب ۱۴۷، ص ۸۵۰.
۱۱. سوره بقره، آیه ۱۲۴.
۱۲. این کلمه در عربی به معنی دور شمردن و بعید دانستن یک کار استفاده می‌شود.
۱۳. *کافی*، ج ۱، باب ۱۵، ص ۲۵۵.

درس دوم:

امام مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در یک نگاه

اهداف:

معرفی اجمالی امام مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فواید:

۱. آشنائی با نام، کنیه و القاب حضرت

۲. چگونگی ولادت

۳. آشنایی با اوصاف و ویژگی‌های حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) مطالب آموزشی:

۱. مقدمه:

الف) نگاهی به تاریخچه و شخصیت مادر امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ب) تاریخ و

محل ولادت امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ج) چگونگی ولادت امام زمان (عجل الله

تعالى فرجه الشريف) ۲. نام، القاب و کنیه‌های امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ۳. شمائل

و خصوصیات امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) - خصوصیات جسمی

- خصوصیات روحی

۴. دوره‌های زندگی امام مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) (دوران اختفا، غیبت، ظهور)

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در یک نگاه

آخرین امام شیعیان و دوازدهمین جانشین رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در سیپده دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری [۸۶۸ میلادی] در سامراء یکی از شهرهای عراق، دیده به جهان گشود.

پدر گرامی او، پیشوای یازدهم شیعیان حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) و مادر بزرگوار آن حضرت، بانویی شایسته به نام «نرجس» بود که درباره ملیّت او روایات، مختلف است. مطابق روایتی، آن حضرت دختر «یشوع» پسر امپراتور روم بوده و مادرش از نسل «شمعون» وصی حضرت عیسی (علیه السلام) است. برابر این روایت نرجس در پی خوابی شگفت مسلمان شد و به هدایت امام عسکری (علیه السلام) خود را در میان سپاه روم که عازم نبرد با مسلمانان بودند قرار داد و همراه جمعی دیگر به اسارت لشکر اسلام در آمد. امام هادی (علیه السلام) کسی را فرستاد که او را خریداری کرد و به سامراء آورد.^۱

روایات دیگری نیز نقل شده است^۲ ولی آنچه مهم و قابل توجه است اینکه حضرت نرجس (علیها السلام) مدتی در خانه حکیمه خاتون - از خواهران بزرگوار امام هادی (علیه السلام) - بوده و تحت تعلیم و تربیت ایشان قرار گرفته است و مورد احترام فراوان حکیمه (علیها السلام) بوده است.

حضرت نرجس (علیها السلام) آن بانویی است که سالها پیش در کلام پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم)^۳ و امیرالمؤمنین (علیه السلام)^۴ و امام صادق (علیه السلام) مورد ستایش قرار گرفته و از او به عنوان بهترین کنیزان و سرور آنان یاد شده است.

گفتنی است که مادر امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به نامهای دیگری مانند سوسن، ریحانه، ملیکه و صیقیل (صقیل) نیز خوانده می شد.

نام، کنیه و القاب

نام و کنیه^۱ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همان نام و کنیه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) است و در برخی از روایات از بردن نام ایشان تا هنگام ظهور، نهی شده است.

لقبهای مشهور آن حضرت عبارتند از: مهدی، قائم، منتظر، بقیه الله، حجّت، خلف صالح، منصور، صاحب الامر، صاحب الزمان و ولی عصر که معروف ترین آنها «مهدی» است.

هر یک از این لقب ها، بیانگر پیام ویژه ای درباره آن بزرگوار است.

آن امام خوبیها را «مهدی» گفته اند زیرا که هدایت شده ای است که مردم را به سوی حق می خواند و «قائم» خوانده اند چون برای حق، قیام خواهد کرد و «منتظر» نامیده اند زیرا که همگان در انتظار مقدم اویند و «بقیه الله» لقب داده اند چرا که باقیمانده حجّت های خدا و آخرین ذخیره الهی است.

«حجّت» به معنی گواه خدا بر خلق و «خلف صالح» به معنی جانشین شایسته برای اولیاء خداست. او «منصور» است چون از سوی پروردگار یاری می‌شود و «صاحب الأمر» است چون امر ایجاد حکومت عدل الهی به عهده اوست. «صاحب الزمان و ولی عصر» نیز به معنی آنست که او حاکم و فرمانروای یگانه زمان است.

چگونگی ولادت

در روایات فراوان، از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل شده است که مردی از خاندان او به نام «مهدی» قیام خواهد کرد و بنیان ستم را واژگون خواهد ساخت. فرمانروایان ستمگر عباسی با اطلاع از این روایات در پی آن بودند که در همان ابتدای ولادت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) او را به قتل رسانند. بنابراین از زمان امام جواد (علیه السلام)، زندگی امامان معصوم (علیه السلام) با محدودیت‌های بیشتری همراه گشت و در زمان امام حسن عسکری (علیه السلام) به اوج خود رسید به گونه‌ای که کمترین رفت و آمد به خانه آن بزرگوار از نظر دستگاه حکومت، مخفی نبود. پیداست در چنین شرایطی باید تولّد آخرین حجّت حق و موعود الهی در پنهانی و به دور از چشم دیگران می‌بود. به همین دلیل حتی نزدیکان امام یازدهم از جریان ولادت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بی‌اطلاع بودند و تا چند ساعت پیش از تولّد نیز، نشانه‌های بارداری در نرجس خاتون مادر بزرگوار امام دوازدهم، دیده نشد.

حکیمه خاتون، دختر گرامی امام جواد (علیه السلام)، جریان ولادت را چنین حکایت کرده است:

امام حسن عسکری (علیه السلام) به دنبال من فرستاد و فرمود: «ای عمّه! امشب افطار نزد ما باش! چرا که شب نیمه شعبان است و خداوند در این شب [آخرین] حجّت خود بر روی زمین را آشکار خواهد کرد. پرسیدم: مادر او کیست؟ فرمود: نرجس! گفتم: فدای شما شوم! نشانه بارداری در او پیدا نیست! فرمود: سخن همان است که گفتم! پس [بر نرجس] وارد شدم و سلام کردم و نشستم. او پیش آمد تا کفش‌هایم را بیرون آورد و به من گفت: بانوی من حال شما چگونه است؟ گفتم: بلکه تو بانوی من و بانوی خاندان منی! سخن مرا نپذیرفت و گفت: عمّه جان چه می‌فرمایید! گفتم: دخترم، امشب خداوند متعال به تو پسری عطا می‌فرماید که سرور دنیا و آخرت خواهد بود. پس خجالت کشید و حیا کرد.

حکیمه گوید: پس از نماز عشاء، افطار کردم و در بستر خود آرامیدم و هنگام نیمه شب برای انجام نماز [شب] برخاستم و آن را به جای آوردم در حالی که نرجس [به آرامی] خوابیده بود بدون آنکه اتفاقی برایش روی دهد. پس از انجام تعقیبات [نماز] خوابیدم. سپس هراسان بیدار شدم و حال آن که او همچنان در خواب بود. لحظاتی بعد برخاست و نماز [شب] گزارد و خوابید.

حکیمه ادامه می‌دهد: بیرون آمدم و در جستجوی فجر [سپیده] به آسمان نگریستم. پس فجر اوّل^۷ را مشاهده کردم و نرجس همچنان در خواب بود. پس به شک افتادم! ناگاه امام حسن عسکری (علیه السلام) از جایگاه خود ندا برآورد: ای عمّه شتاب مکن! امر [ولادت] نزدیک است. نشستم و به قرائت سوره‌های «سجده» و «یس» مشغول شدم که نرجس با اضطراب بیدار شد. به سرعت نزد او رفتم و گفتم: «اسم الله علیک»^۸ [نام خدا بر تو باد] آیا چیزی احساس می‌کنی؟ گفت: آری ای عمّه! گفتم: بر خود مسلط باش و دلت را استوار دار که این همان است که با تو گفتم. در این هنگام ضعفی من و نرجس را فرا گرفت. پس به صدای سرورم [نوزاد تولّد یافته] به خود آمدم و جامه را از روی او برداشتم و او را در حال سجده دیدم! در آغوشش گرفتم و او را کاملاً پاکیزه یافتم!

در این هنگام امام عسکری (علیه السلام) مرا ندا داد: «ای عمّه! پسر من را نزد من بیاور! او را نزد وی بردم... در آغوشش گرفتم و فرمود: پسر من سخن بگو! پس لب به سخن گشود و فرمود: "اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا رسول الله". سپس بر امیرالمؤمنین و امامان (علیهم السلام) درود فرستاد تا به نام پدرش رسید و از سخن گفتن باز ایستاد. امام عسکری (علیه السلام) فرمود: ای عمّه او را به نزد مادرش ببر تا بر او سلام کند....

حکیمه گوید: فردای آن روز به نزد امام یازدهم رفتم و بر حضرت سلام کردم و پرده را کنار زدم تا مولایم (امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را ببینم ولی او را ندیدم از این روز پدر بزرگوارش پرسیدم: فدای شما شوم! برای مولای من چه اتفاقی روی داده است؟ آن حضرت پاسخ دادند: ای عمّه! او را به آن کسی (خدایی) سپردم که مادر موسی، موسی (علیه السلام) را به او سپرد.

حکیمه گوید: چون روز هفتم فرا رسید آمدم و سلام کردم و نشستم. امام فرمود: فرزندم را نزد من آور! من سرورم را آوردم... امام فرمود: فرزندم! سخن بگو! نوزاد [لب بگشود و] پس از گواهی به یگانگی خداوند و درود بر پیامبر اکرم و پدران بزرگوارش این آیات را تلاوت فرمود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نَمُكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نَبْرِئَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»^{۱۰}؛

«به نام خداوند بخشنده مهربان. و ما اراده کردیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم و حکومتشان را در زمین پا برجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریانش، آنچه را از آنها [= بنی اسرائیل] بیم داشتند نشان دهیم.»

شمایل و خصوصیات

در روایات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) شمایل و اوصاف حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

آن بزرگوار چهره اش جوان و گندمگون، پیشانی اش بلند و تابنده، ابروانش هلالی و کشیده، چشمانش سیاه و درشت، بینی اش کشیده و زیبا و دندان هایش براق و گشاده است. بر گونه راست آن امام، خالی مشکین و در میان شانه اش اثری چون اثر نبوت دیده می‌شود و اندام مبارکش متناسب و دلرباست.

بعضی از ویژگی‌های آن وجود شریف که در سخنان معصومین علیهم السلام بیان گردیده، از این قرار است:

او اهل عبادت و شب زنده داری، زهد و ساده زیستی، صبر و بردباری، عدالت و نیکوکاری است. آن حضرت سرآمد همگان در علم و دانش و وجود نازنینش چشمه سار برکت و پاکی است. او اهل قیام و جهاد، رهبر جهانی، انقلابی بزرگ، منجی نهایی و مصلح موعود بشریت است. آن وجود نورانی از تبار رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و از اولاد فاطمه زهرا (علیها السلام) و نهمین فرزند از نسل سیدالشهداء (علیه السلام) است که به هنگام ظهور بر کعبه تکیه زند و پرچم پیامبر را در دست گیرد و با قیام خود دین خدا را زنده و احکام خداوند را در سراسر گیتی جاری کند و جهان را پر از مهربانی و داد گرداند پس از آن که پر از جور و بیداد شده باشد.^{۱۱}

زندگی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شامل سه دوره پرفراز و نشیب است:

۱. دوره اختفا: زندگی پنهانی آن حضرت از آغاز ولادت تا زمان شهادت امام عسکری (علیه السلام) است.
۲. دوران غیبت: از هنگام شهادت امام یازدهم (علیه السلام) شروع گردیده تا هر زمان که به اراده خداوند ظهور کند، ادامه خواهد یافت.
۳. عصر ظهور: پس از طی شدن دوران غیبت و به خواست پروردگار جهان، امام دوازدهم (علیه السلام) ظهور

خواهد کرد و دنیا را سرشار از خوبی‌ها و زیبایی‌ها خواهد نمود. هیچ کس زمان ظهور آن موعود منتظر را نمی‌داند و از امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) روایت شده، آنها که برای ظهور، زمانی را تعیین کنند، دروغگو هستند.^{۱۲}

خلاصه درس

- ۱. امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرزند امام عسکری (علیه السلام) و از مادری به نام نرجس در صبحگاه جمعه روز ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در سامرا چشم به جهان گشود.
- ۲. نام و کنیه حضرت، همانند رسول خدا است و لقب معروف حضرت «مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)» است.
- ۳. بنا به حکمت الهی دوران حمل امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نامحسوس و قضیه ولادت حضرت از چشم دیگران مخفی بوده است.
- ۴. شمائل ظاهری و اوصاف و خصوصیات جسمی حضرت در روایات ذکر شده است.
- ۵. دوران زندگی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شامل دوره پنج ساله اختفاء، دوره هفتاد ساله غیبت صغری و دوره طولانی غیبت کبری است.

معرفی منابع جهت مطالعه و پژوهش

۱. الغيبة - شیخ طوسی
۲. تاریخ غیبت صغرا - سید محمد صدر
۳. منتخب الاثر - آیت الله صافی گلپایگانی
۴. درسنامه مهدویت - خدامراد سلیمیان - ج ۱
۵. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - جاسم حسین
۶. کمال الدین - شیخ صدوق - ج ۲.
۷. تاریخ عصر غیبت - پورسید آقایی و...
۸. فصلنامه انتظار - شماره ۱ و ۲
۹. امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از ولادت تا ظهور - محمد کاظم قزوینی

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۱، ح ۱، ص ۱۳۲.
۲. یحار الانوار، ج ۵، ح ۲۹، ص ۲۲، و ح ۱۴، ص ۱۱.
۳. همان، ج ۵۰، ح ۷، ص ۲۱.
۴. القیبة طوسی، ح ۴۷۸، ص ۴۷۰.
۵. کمال الدین، ج ۲، باب ۳۳، ح ۳۱، ص ۲۱.
۶. اسمی است که با لفظ «اب» یا «ام» شروع می شود مانند: اباعبدالله و امّ البنین.
۷. مقصود سفیدی است که اندکی پیش از اذان صبح در افق دیده می شود.
۸. این جمله کنایه از این است که بلا از تو دور باد.
۹. سوره قصص، آیات ۵ و ۶.
۱۰. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۲، ح ۱، ص ۱۴۳.
۱۱. منتخب الاثر، فصل دوم، از ص ۲۳۹ تا ۳۸۳.
۱۲. احتجاج، ج ۲، ش ۳۴۴، ص ۵۴۲.

درس سوم

دوران اختفا و پنهان زیستن حضرت

اهداف:

- توجه به تلاشهای امام عسکری (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای معرفی فرزندش
- شناخت راهکارهای معرفی آخرین حجّت خدا به شیعیان

فواید:

- اثبات ولادت حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- مشخص شدن امام دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۳. تثبیت اعتقاد شیعیان
- آشنائی با دوران کودکی و زندگی اختفائی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مطالب آموزشی:
- معرفی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شیعیان
- معجزات و کرامات امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۳. پاسخگویی به سؤالات شیعیان
- دریافت هدایای مادی و وجوهات شرعی
- نماز بر جنازه پدر بزرگوارش

از ولادت موعود تا شهادت امام عسکری (علیه السلام)

این دوره از زندگی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در بردارنده نکات بسیار مهمی است که به بخشی از آنها اشاره می‌شود:

معرفی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شیعیان

از آن جا که ولادت امام دوازدهم (علیه السلام) به صورت پنهانی انجام گرفت بیم آن بود که شیعیان در شناخت آخرین حجّت پروردگار به اشتباه و گمراهی گرفتار آیند. امام عسکری (علیه السلام) وظیفه داشت تا فرزند خود را به گروهی از بزرگان شیعه و افراد مورد اعتماد معرفی کند تا آنان نیز خبر ولادت او را به دیگر پیروان اهل بیت (علیهم السلام) برسانند و بدین ترتیب ضمن معرفی آن بزرگوار، تهدیدی نیز متوجّه وجود آن آخرین سفیر حق نگردد.

«احمد بن اسحاق» که از بزرگان شیعه و پیروان ویژه امام یازدهم (علیه السلام) است می‌گوید:

خدمت امام عسکری (علیه السلام) شرفیاب شدم و می‌خواستم در مورد امام پس از او سؤال کنم؛ ولی پیش از آن که سخنی بگویم فرمود: «ای احمد! همانا خدای متعال از آن زمان که آدم را آفریده، زمین را از حجّت خود خالی نگذاشته است و تا قیامت نیز چنین نخواهد کرد! به واسطه حجّت خدا، بلا از اهل زمین برداشته می‌شود و [به برکت وجود او] باران باریده و بهره‌های زمینی بیرون می‌آید.»

عرض کردم: ای پسر رسول خدا! امام و جانشین پس از شما کیست؟!

آن حضرت با شتاب به درون خانه رفت و بازگشت در حالی که پسری سه ساله که رویش همانند ماه تمام می‌درخشید بر دوش خویش داشت و فرمود: «ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خدای متعال و حجّت‌های او گرامی نبودی، این پسر را به تو نشان نمی‌دادم! همانا او هم نام و هم کنیه رسول خداست و کسی است که زمین را از عدل و داد پر می‌کند همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد.»

گفتم: سرور من! آیا نشانه‌ای هست که قلبم به آن آرام گردد؟!

[در این هنگام] آن کودک، لب به سخن گشود و به زبان عربی روان گفت:

«أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ... مَنْ بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ فَهُوَ بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ... مَنْ بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ فَهُوَ بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ... مَنْ بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ فَهُوَ بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ...»

بن اسحاق، پس از این که با چشم خود می‌بینی در پی نشانه مباش!!

احمد بن اسحاق گوید: پس [از شنیدن این سخنان] با شادمانی از خانه امام (علیه السلام) بیرون شدم...^۱

همچنین محمد بن عثمان^۲ و چند تن دیگر از بزرگان شیعه نقل می‌کنند:

چهل نفر از شیعیان نزد امام یازدهم گرد آمدیم. آن حضرت، فرزندش را به ما نشان داد و فرمود: «پس از من، این امام شما و جانشین من است. از او فرمان برید و بعد از من در دین خود پراکنده نشوید که هلاک خواهید شد و [

بدانید که [پس از امروز او را نخواهید دید...]^۳

گفتنی است که یکی از برنامه‌های دینی و سنت‌های سفارش شده، عقیقه کردن و ولیمه دادن برای نوزاد است و آن کشتن گوسفند و طعام دادن به گروهی از مردم است که برای سلامتی و طول عمر فرزند تأثیر فراوان دارد. امام حسن عسکری (علیه السلام) بارها برای فرزندش عقیقه کرد^۴ تا ضمن عمل به این سنت نیکوی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) گروه‌های بسیاری از شیعیان را از ولادت امام دوازدهم آگاه سازد.

محمد بن ابراهیم گوید:

امام عسکری (علیه السلام) برای یکی از شیعیان خود، گوسفند سر بریده‌ای فرستاد و فرمود: «این از عقیقه فرزندم «محمد» است.»^۵

معجزات و کرامات

یکی از فرازهای خواندنی زندگی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در سال‌های نخستین تولد و پیش از دوران غیبت، معجزه‌ها و کرامت‌هایی است که به وسیله آن حضرت، انجام گرفته است و معمولاً این بخش از حیات آن آیت بزرگ الهی، مورد غفلت واقع شده است.

ما تنها یک نمونه از آن‌ها را می‌آوریم:

ابراهیم بن احمد نیشابوری گوید:

زمانی که عمرو بن عوف، [که فرمانروایی ستمگر بود و به کشتن شیعیان، علاقه فراوان داشت.] قصد کشتن مرا کرد به شدت بیمناک شدم و وحشت همه وجودم را فرا گرفت. پس با خاندان و دوستان خود خداحافظی کرده و رو به جانب خانه امام حسن عسکری (علیه السلام) کردم تا با ایشان نیز وداع کنم و در نظر داشتم که پس از آن بگریزم. چون به خانه امام وارد شدم، در کنار امام حسن عسکری (علیه السلام) پسری دیدم که رویش مانند شب چهاردهم می‌درخشید به گونه‌ای که از نور سیمای او حیران گشتم و نزدیک بود آنچه را در خاطر داشتم [یعنی ترس از کشته شدن و تصمیم به فرار] فراموش کنم.

[در این هنگام آن کودک] به من گفت: «ای ابراهیم، نیازی به گریختن نیست! به زودی خدای متعال، شرّ او را از تو دور خواهد کرد!»

حیرتم بیشتر شد، به امام عسکری (علیه السلام) گفتم: فدای شما شوم! این پسر کیست که از درون من خبر می‌دهد؟! امام عسکری (علیه السلام) فرمود: او فرزند من و جانشین پس از من است....

ابراهیم گوید: بیرون آمدم در حالی که به لطف خداوند امیدوار بودم و به آنچه از امام دوازدهم، شنیده بودم، اعتماد داشتم. چندی بعد، عمویم مرا به کشته شدن عمرو بن عوف، بشارت داد.^۶

پاسخ گویی به سؤالات

آخرین ستاره درخشان آسمان امامت، در همان سال‌های آغاز زندگی، به سؤالات شیعیان در موارد گوناگون، پاسخ‌های محکم و قانع کننده می‌داد و دلگرمی و آرامش خاطر آنان را فراهم می‌کرد. برای نمونه روایتی را به اختصار نقل می‌کنیم:

سعد بن عبدالله قمی از بزرگان شیعه به همراه احمد بن اسحاق قمی و کیل امام حسن عسکری (علیه السلام) برای طرح سؤالات و دریافت پاسخ آن‌ها به محضر امام یازدهم شرفیاب می‌شود. او جریان این دیدار را چنین نقل کرده

است:

چون خواستم سؤال کنم، امام عسکری (علیه السلام) به فرزندش اشاره کرد و فرمود: «از نور چشمم سؤال کن!» در این هنگام کودک رو به من کرده فرمود: «هر چه می خواهی سؤال کن!... پرسیدم: مقصود از «کهیصص» [از حروف مقطعه قرآن] چیست؟ فرمود: این حروف از خبرهای غیبی است. خداوند بنده [و پیامبر] خود زکریا را از آن آگاه ساخته و سپس آن را برای محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) باز گفته است. داستان از این قرار است که زکریا (علیه السلام) از پروردگارش خواست تا نام‌های پنج تن [آل عبا] را به او بیاموزد. خداوند متعال جبرئیل (علیه السلام) را بر او فرستاد و آن نام‌ها را به او یاد داد. زکریا چون [نام‌های مقدس] محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و علی و فاطمه و حسن (علیهم السلام) را بر زبان می آورد اندوه و گرفتاریش برطرف می شد و وقتی حسین (علیه السلام) را یاد می کرد، بغض گلویش را می گرفت و مبهوت می شد. روزی گفت: بارالها چرا وقتی آن چهار نفر را یاد می کنم از اندوه‌ها و نگرانی هایم راحت شده و دل آرام می شوم و چون حسین (علیه السلام) را به یاد می آورم، اشکم جاری و ناله ام بلند می شود؟! خداوند او را از داستان حسین (علیه السلام) آگاه کرد و فرمود: «کهیصص» [رمز این داستان است]. «کاف» رمز کربلا و «هائ» رمز هلاکت خاندان [او] و «یاء» کنایه از نام «یزید» که جفاکننده نسبت به حسین (علیه السلام) است می باشد و «عین» اشاره به عطش و تشنگی او دارد و «صاد» نشانه صبر و استقامت امام حسین (علیه السلام) است...»

گفتم: ای مولای من! چرا مردم از برگزیدن امام برای خود منع شده اند؟

فرمود: «[مقصود تو برگزیدن] امام مصلح است یا امام مُفسد؟» گفتم: امام مصلح [که جامعه را اصلاح کند]. فرمود: «با توجه به اینکه هیچکس از درون دیگری آگاه نیست که به صلاح و درستی می اندیشد یا به فساد و تباهی، آیا احتمال ندارد که برگزیده مردم، مُفسد (و اهل تبهکاری) باشد؟» گفتم: آری، امکان دارد. فرمود: «علت، همین است.»^{۸۷}

گفتنی است که در ادامه روایت، امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) علت دیگری نیز بیان کرده اند و به سؤالات دیگر هم پاسخ فرموده اند که برای رعایت اختصار از بیان آن‌ها خودداری شد.

دریافت هدایای مادی

یکی از برنامه‌های شیعیان، فرستادن هدایای مادی و واجبات مالی برای امامان معصوم (علیه السلام) بوده است و آن بزرگواران پس از پذیرفتن آن‌ها، از نیازمندان جامعه رفع نیاز می کردند.

ابن اسحاق یکی از وکیل‌های امام حسن عسکری (علیه السلام) می گوید:

«اموالی از شیعیان را به محضر امام یازدهم (علیه السلام) بردم تا به آن حضرت تقدیم کنم. در آن حال فرزند خردسال حضرت با چهره‌ای که مانند ماه تمام می درخشید در کنار امام حضور داشت. امام عسکری (علیه السلام) رو به فرزند خود کرده فرمود: «فرزندم هدایای شیعیان و دوستانت را باز کن!» کودک فرمود: «ای مولای من! آیا رواست دست پاک [خود] را به هدایای ناپاک و اموال پلیدی که حلال و حرام آن به یکدیگر آمیخته است دراز کنم؟!»

امام عسکری (علیه السلام) فرمود: «ای ابن اسحاق، آن چه در میان اینان است بیرون آور تا حلال و حرام آن را جدا کند!!» پس اولین کیسه را بیرون آوردم. کودک گفت: «این کیسه از فلان شخص از فلان محله شهر قم است [و نام او و نام محله اش را فرمود] که در آن شصت و دو اشرفی است. چهل و پنج اشرفی از آن، بهای فروش زمین سنگلاخی است که صاحبش آن را از پدر خود، ارث برده است و چهارده دینار آن بهای نه جامه است که فروخته و سه دینارش وجه اجاره دکان‌ها است.»

امام عسکری (علیه السلام) فرمود: «فرزند عزیزم! راست گفتمی. اکنون این مرد را راهنمایی کن که کدام [از این اموال] حرام است؟!» کودک با دقت تمام، سگه‌های حرام را مشخص کرد و علت حرام بودن آنها را به روشنی بیان کرد!

سپس کیسه دیگری بیرون آوردم. آن کودک پس از بیان نام و نشان و محل سکونت صاحب آن، فرمود: «در آن کیسه پنجاه اشرفی است که دست زدن بدان برای ما روا نیست.» سپس علت ناپاکی آن اموال را یک به یک بیان کرد! آن گاه امام عسکری (علیه السلام) فرمود: «پسر جانم راست گفتمی!» سپس رو به احمد بن اسحاق کرد و فرمود: «همه را به صاحبش برگردان یا سفارش کن که آنها را به صاحبانش برسانند و ما را نیازی به آن نیست...»^۹

نماز بر جنازه پدر

آخرین فراز از زندگی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دوران اختفا و پیش از شروع غیبت، نماز خواندن آن حضرت بر جنازه پاک پدر بزرگوارش است.

ابوالآذیان خدمتکار امام یازدهم (علیه السلام) در این باره می گوید:

«امام حسن عسکری (علیه السلام) در آخرین روزهای عمر شریف خود، نامه هایی را به من داد و فرمود: اینها را به شهر مدائن برسان؛ پس از پانزده روز به سامراء بازخواهی گشت و از خانه من ناله و افغان خواهی شنید و [بدن] مرا در محل غسل خواهی دید.» گفتم: ای سرور من! چون چنین روی دهد، امام و جانشین شما که خواهد بود؟ فرمود: «هر کس پاسخ نامه‌های مرا از تو بخواهد، امام پس از من خواهد بود.» گفتم: نشانه دیگری بفرمایید! فرمود: «کسی که بر من نماز بخواند، امام پس از من خواهد بود.» گفتم: نشانه دیگری بفرمائید! فرمود: «کسی که از آن چه در کیسه است خبر دهد، امام پس از من خواهد بود.» [ولی] هیبت و شکوه امام مانع از آن شد که پیرسم در آن کیسه چیست!

نامه‌ها را به مدائن بردم و جواب آنها را گرفتم و همان گونه که فرموده بود روز پانزدهم وارد سامراء شدم و در آن حال فریاد ناله و افغان از سرای آن حضرت شنیدم و [بدن] امام عسکری (علیه السلام) را در محل غسل یافتم. در آن حال جعفر، برادر آن حضرت را دیدم که بر در خانه امام ایستاده است و جمعی از شیعیان، وی را [در مرگ برادر] تسلیت و [بر امامتش] تبریک می گفتند!! با خود گفتم: اگر این [جعفر] امام است که امامت، تباه می شود؛ زیرا او را می شناختم که اهل شراب و قماربازی و تارزنی است! [ولی چون در پی نشانه‌ها بودم] پیش رفتم و [مانند دیگران] تبریک و تسلیت گفتم ولی او درباره هیچ چیز [از جمله جواب نامه‌ها] از من سؤالی نکرد. در آن حال عقید [یکی از خدمتکاران از خانه] بیرون آمد و [خطاب به جعفر] گفت: ای سرور من، برادرت [امام عسکری (علیه السلام)] کفن شده است، برخیز و بر او نماز گزار!! من به همراه جعفر و جمعی از شیعیان داخل خانه شدم و امام یازدهم (علیه السلام) را کفن شده بر تابوت دیدم. جعفر پیش رفت تا بر برادرش نماز گزارد ولی چون خواست تکبیر بگوید کودک گندم گون با گیسوانی مجعد و دندان‌های پیوسته بیرون آمد و لباس جعفر را گرفت و گفت: «ای عمو! عقب برو که من به نماز گزاردن بر پدرم سزاوارترم!» پس جعفر با چهره‌ای رنگ پریده و زرد، عقب رفت! آن کودک پیش آمد و بر بدن امام (علیه السلام) نماز گزارد. پس از آن [به من] فرمود: «جواب نامه هایی را که به همراه داری به من بده!» نامه‌ها را به او دادم. و با خود گفتم این دو نشانه [از نشانه‌های امامت این کودک است]. و جریان کیسه، باقی مانده است. نزد جعفر رفتم و او را دیدم که آه می کشید! یکی از شیعیان از او پرسید این کودک کیست؟

جعفر گفت: به خدا سوگند هرگز او را ندیده و نمی‌شناسم.»

ابوالادیان ادامه می‌دهد:

«ما نشسته بودیم که گروهی از اهل قم آمدند و از امام حسن عسکری (علیه السلام) سراغ گرفتند و چون از شهادت آن حضرت باخبر شدند گفتند: به چه کسی تسلیم بگوئیم؟ مردم به جعفر اشاره کردند. آن‌ها بر او سلام کردند و تبریک و تسلیت گفتند. سپس خطاب به جعفر گفتند: همراه ما نامه‌ها و اموالی است. بگو نامه‌ها از کیست؟ و اموال چقدر است؟!»

جعفر برآشفته و از جا برخاست و گفت: آیا از ما علم غیب می‌خواهید؟! در این حال خدمتکار [از اندرون] بیرون آمد و گفت: نامه‌های فلانی و فلانی همراه شماست [و نام و نشانی صاحبان نامه‌ها را گفت] و نیز کیسه‌ای با شماست که در آن هزار دینار است که نقش ده دینار آن محو شده است! آن‌ها نامه‌ها و اموال را به او دادند و گفتند: آن که تو را برای گرفتن این‌ها فرستاده امام است...»^{۱۰}

خلاصه درس

- امام عسکری(علیه السلام) با توجه به مخفی بودن ولادت فرزندش، وی را به افراد مورد اعتماد و گروهی از بزرگان شیعه، معرفی و نشان داد تا مردم درشناخت آخرین امام(علیه السلام) دچار حیرت و گمراهی نگردند.
- امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) در سنین کودکی به پرسش‌های کلامی و اعتقادی سعد بن عبدالله پاسخ دادند.
- حضرت بنا به سفارش پدر، هدایای ارسالی شیعیان توسط احمد بن اسحاق را دریافت و با معرفی صاحبان اموال، حلال و حرام بودن آن را از هم تفکیک و اموال حرام را به صاحبان اصلی آنان ارجاع دادند.
- بعد از شهادت امام عسکری(علیه السلام)، امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) خود بر جنازه پدر نماز گذارد.

معرفی منابع جهت مطالعه و پژوهش

۱. کمال‌الدین - شیخ صدوق - ج ۲
۲. تاریخ عصر غیبت - مسعود پورسیدآقایی و...
۳. دادگستر جهان - ابراهیم امینی
۴. امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از ولادت تا ظهور - محمدکاظم قزوینی
۵. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - جاسم حسین
۶. حیات فکری امامان شیعه - رسول جعفریان
۷. تاریخ تشیع از آغاز تا پایان غیبت صغری - غلامحسین محرمی
۸. تاریخ غیبت صغری - سیدمحمد صدر

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۳۸، ح ۱، ص ۸۰.
۲. او دومین نائب خاص امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دوره غیبت صغری است که در بخش غیبت، شرح حال او خواهد آمد.
۳. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۳، ح ۲، ص ۱۶۲.
۴. همان، باب ۴۲.
۵. همان، ص ۱۵۸.
۶. اثبات الهداة، ج ۳، فصل ۷، ص ۷۰۰.
۷. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۳، ح ۲۱، ص ۱۹۰.
۸. توضیح این سخن در فصل اول کتاب در بخش منصوب بودن امام از سوی خدا، گذشت.
۹. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۳، ح ۲۱، ص ۱۹۰.
۱۰. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۳، ح ۲، ص ۲۲۳.

درس چهارم

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آینه قرآن و

روایات

اهداف:

- معرفی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از منظر قرآن
- تبیین جایگاه مهدویت در روایات اهل بیت (علیهم السلام).

فوائد:

- شناخت دلائل قرآنی موضوع مهدویت
- آشنائی با روایات مهدویت
- تعمیق اعتقاد قلبی مردم نسبت به حضرت

مطالب آموزشی:

- بررسی آیات مهدویت
- امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در کلام معصومین (علیهم السلام)

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آینه قرآن و روایات

الف. قرآن

قرآن کریم، چشمه زلال ناب ترین معارف الهی و ماندگارترین حکمت‌ها و دانش‌های مورد نیاز بشر است. کتابی است سراسر راستی و درستی که خبرهای گذشته و آینده جهان را بیان کرده است و هیچ حقیقتی را فروگذار نکرده است. البته روشن است که حجم بسیار گسترده حقایق عالم در ژرفای آیات الهی نهفته است و تنها آن‌ها که به عمق معانی آن دست یابند به آن واقعیات پی خواهند برد و آنان اهل قرآن و مفسران حقیقی آن یعنی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و خاندان پاک او هستند.

قیام و انقلاب آخرین سفیر الهی از بزرگترین حقایق جهان است که در آیات فراوانی از قرآن کریم به آن اشاره شده و روایات بسیاری در تفسیر آن آیات نقل گردیده است که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

در سوره انبیاء آیه ۱۰۵ آمده است:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛

«همانا در زبور پس از ذکر [تورات] نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.»

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«مقصود از بندگان شایسته‌ای که زمین را به ارث می‌برند، امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یاران او هستند.»^۱

همچنین در بخشی از آیه ۸۶ از سوره هود آمده است:

﴿... بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾؛

«بقیه الله برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید.»

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«وقتی [امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)] ظهور کند بر دیوار کعبه تکیه زند و اولین سخنی که بر زبان جاری کند این آیه است. سپس می‌فرماید: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ» من «بقیه الله» در زمین و جانشین او و حجّت او بر شما هستم. پس هر کسی بخواهد بر او سلام کند گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ».^۲

و در سوره حدید آیه ۱۷ فرموده است:

﴿اِغْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾؛

«بدانید خداوند زمین را پس از مرگ آن زنده می‌کند. ما آیات [خود] را برای شما بیان کردیم، باشد که بیندیشید.»

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

مراد این است که خداوند زمین را به واسطه عدالت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دوران ظهورش زنده خواهد کرد پس از آن که به سبب ستم سردمداران گمراهی مرده باشد.^۳

و نیز در سوره قصص آیه ۵ می‌فرماید:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾؛

«و ما اراده می‌کنیم بر مستضعفان زمین، منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] و وارثان زمین قرار دهیم.»

امام علی (علیه السلام) فرمود:

«مقصود [از مستضعفان] خاندان پیامبرند. خداوند پس از تلاش و رنجشان، «مهدی» این دودمان را برمی‌انگیزد و

آنان را به اوج شکوه و عزت و اقتدار می‌رساند و دشمنانشان را به سختی ذلیل می‌سازد.»^۴

از نمونه‌های بالا روشن می‌شود که برای برداشت حقایق از قرآن، تنها نباید به ظاهر آیات بسنده کرد؛ بلکه بسیاری از واقعیت‌های عالم در درون آیات قرآن نهفته است^۵ که اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان مفسران واقعی قرآن، بیان کننده آن هستند. بنابراین اگرچه آیاتی از قرآن، در ظاهر مربوط به یک رویداد در زمان و مکان خاصی است ولی مانع از آن نیست که در زمان‌های بعد و برای آیندگان، مصداق پیدا کند و درباره آنان نیز جاری گردد و همین رمز جاودانگی قرآن برای همه نسل‌هاست.

بر این اساس، با اینکه آیه ۵ سوره قصص درباره قوم بنی اسرائیل نازل شده و جریان پیروزی آنها بر فرعونیان را بیان می‌کند ولی در روایات متعدّد این آیه بر قیام امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و روزگار ظهور او منطبق گردیده است و دقت در متن آیه هم نشان می‌دهد که حاکمیت مستضعفان بر مستکبران، یک سنت و اراده الهی است که اختصاص به زمان و مکان و افراد خاصی ندارد.

ب. روایات

موضوع امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از موضوعاتی است که روایات بسیاری درباره آن در اختیار ماست به گونه‌ای که درباره مراحل مختلف زندگی آن حضرت همچون ولادت، دوران کودکی، غیبت صغری و کبری، علائم ظهور و روزگار ظهور و حکومت جهانی، به طور جداگانه احادیثی از پیشوایان دینی موجود است. چنانکه درباره خصوصیات ظاهری و اخلاقی آن بزرگوار، ویژگی‌های دوران غیبت او و فضیلت و پاداش منتظران ظهورش مجموعه ارزشمندی از روایات داریم و جالب اینکه بسیاری از این روایات هم در کتاب‌های شیعه و هم در آثار اهل سنت نقل شده است. برخی از این احادیث «متواتر»^۶ است.

گفتنی است که یکی از ویژگی‌های قابل توجه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن است که همه معصومان (علیهم السلام) درباره آن حضرت سخنان نغزی ایراد فرموده‌اند که مجموعه‌ای از معارف آگاهی بخش را فراهم کرده است و از اهمیت فوق العاده قیام و انقلاب آن پرچمدار عدالت حکایت می‌کند. مناسب است در اینجا از هر یک از آن پیشوایان بزرگ روایتی را نقل کنیم:

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

خوشا به حال آن که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را ببیند و خوشا حال آن که او را دوست بدارد و خوشا حال

کسی که امامت او را باور داشته باشد.^۷

امام علی (علیه السلام) فرمود:

«منتظر فرج [آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم)] باشید و از رحمت خدا ناامید نگردید به راستی که محبوبترین

کارها نزد خداوند بزرگ، انتظار فرج است.»^۸

در لوح فاطمه زهرا(علیها السلام)^۹ آمده است:

«... سپس به خاطر رحمت بر جهانیان سلسله اوصیاء را به وجود فرزند امام حسن عسکری(علیه السلام) تکمیل خواهم کرد؛ کسی که کمال موسی و شکوه عیسی و صبر ایوب را داراست...»^{۱۰}

امام حسن مجتبی(علیه السلام) در ضمن روایتی، پس از بیان برخی از مشکلات زمان بعد از رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«خداوند در آخر الزمان مردی را برمی انگیزد... و او را به وسیله فرشتگان خود پشتیبانی می کند و یارانش را حفظ می کند... و او را بر تمامی ساکنان زمین چیره می سازد... او زمین را از عدالت و روشنایی و دلیل آشکار پر می سازد... خوشا حال آن که روزگار او را ببیند و سخن او را بشنود.»^{۱۱}

امام حسین(علیه السلام) فرمود:

«... خداوند به وسیله او [امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف)] زمین را زنده می کند پس از آن که مرده باشد و به وسیله او آئین حق را بر تمامی دین ها پیروز گرداند هر چند مشرکان را خوش نیاید. برای او غیبتی است که گروهی در آن از دین باز می گردند و گروهی دیگر بر دین استوار می مانند... همانا آن که در غیبت او بر اذیت ها و تکذیب ها شکیبایی کند؛ مانند کسی است که پیش روی رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) با شمشیر جهاد کرده باشد.»^{۱۲}

امام سجاد(علیه السلام) فرمود:

«کسی که در دوران غیبت قائم ما بر دوستی ما ثابت قدم باشد خداوند پاداش هزار شهید از شهدای بدر و احد به او عنایت فرماید.»^{۱۳}

امام باقر(علیه السلام) فرمود:

«زمانی بر مردم می آید که امامشان غایب شود پس خوشا حال آن ها که در آن زمان بر امر [ولایت] ما ثابت بمانند...»^{۱۴}

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

«برای قائم(عجل الله تعالی فرجه الشریف) دو غیبت است یکی از آنها کوتاه مدت و دیگری بلند مدت است.»^{۱۵}

امام کاظم(علیه السلام) فرمود:

«امام [مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف)] از دیدگان مردم پنهان می شود ولی یاد او از دل های مؤمنان فراموش نمی شود.»^{۱۶}

امام رضا(علیه السلام) فرمود:

«وقتی [امام مهدی] قیام کند زمین به نور [وجود] او روشن گردد و آن بزرگوار، ترازوی عدالت را در میان مردم قرار دهد؛ پس کسی به دیگری ستم نخواهد کرد.»^{۱۷}

امام جواد(علیه السلام) فرمود:

«قائم ما آن کسی است که [مردم] باید در زمان غیبت، انتظار ظهور او را داشته باشند و چون قیام کرد به فرمان او گردن نهند.»^{۱۸}

امام هادی (علیه السلام) فرمود:

«امام پس از من فرزندم حسن و پس از او فرزندش «قائم» است آن که زمین را پر از عدل و داد کند چنان که پر از ستم و جور شده باشد.»^{۱۹}

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمود:

«سپاس خدای را که مرا از دنیا نبرد تا آن که جانشین مرا به من نشان داد. او از نظر آفرینش و اخلاق، شبیه ترین مردم به رسول خداست...»^{۲۰}

خلاصه درس

- موضوع حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آیات متعددی بیان گردیده و خداوند هم این امر را در آخر الزمان وعده داده است.
- در احادیث منقول از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و دیگر معصومین (علیه السلام) امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دوره‌های زندگی، نشانه‌های ظهور، چگونگی قیام، ویژگی‌های حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و دستاوردهای بی نظیر آن، تفصیلاً معرفی گردیده است.

معرفی منابع جهت مطالعه و پژوهش

۱. معجم احادیث امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - ج ۵
۲. امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در قرآن - مهدی یوسفیان
۳. درسنامه مهدویت - خدامراد سلیمیان - ج ۱
۴. من هو المهدی - ابوطالب تجلیل تبریزی
۵. در انتظار ققنوس - سید ثامر العمیدی - ترجمه: علی زاده
۶. فصلنامه انتظار - شماره ۱۹ - ویژه نامه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در قرآن
۷. سیمای مهدویت در قرآن - محمدجواد مولوی نیا

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۵۲.
۲. کمال الدین، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶، ص ۶۰۳.
۳. الغیبة نعمانی، ص ۳۲.
۴. الغیبة طوسی، ح ۱۴۳، ص ۱۸۴.
۵. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در این باره فرموده‌اند: «ما فی القرآن آیه الا و لها ظهر و بطن یعنی در قرآن آیه‌ای نیست مگر اینکه ظاهر و باطنی (درونی) دارد.» (بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۹۴)
۶. متواتر به روایاتی گفته می‌شود که تعداد راویان آن به حدی زیاد است که توافق آنها بر دروغ، ممکن نیست. و این چنین روایات، در درجه بالای اعتبار است.
۷. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹.
۸. همان، ص ۱۲۳.
۹. در روایت مذکور آمده که جابر انصاری می‌گوید: در زمان رسول خدا ﷺ برای تهنیت ولادت امام حسین (علیه السلام) نزد حضرت فاطمه (علیها السلام) رفتم. در دست ایشان لوح (صفحه) سبز رنگی دیدم و در آن نوشته ای نورانی مانند آفتاب دیدم. گفتم، این لوح چیست؟ فرمود: «این لوح را خداوند به رسولش هدیه کرده و در آن اسم پدر و شوهر و دو فرزندم و نامهای جانشینان فرزندانم ثبت شده. رسول خدا آن را به من عطا فرموده تا بدان مسرور گردم.»
۱۰. کمال الدین، ج ۱، باب ۲۸، ح ۱، ص ۵۶۹.
۱۱. احتجاج، ج ۲، ص ۷۰.
۱۲. کمال الدین، ج ۱، باب ۳۰، ح ۳، ص ۵۸۴.
۱۳. همان، ج ۱، باب ۳۱، ص ۵۹۲.
۱۴. همان، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۵، ص ۶۰۲.
۱۵. الغیبة نعمانی، باب ۱۰، فصل ۴، ح ۵، ص ۱۷۶.
۱۶. همان، باب ۳۴، ح ۶، ص ۵۷.
۱۷. همان، باب ۳۵، ح ۵، ص ۶۰.
۱۸. همان، باب ۳۶، ح ۱، ص ۷۰.
۱۹. الغیبة نعمانی، باب ۳۷، ح ۱۰، ص ۷۹.
۲۰. همان، باب ۳۷، ح ۷، ص ۱۱۸.

درس پنجم

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در نگاه اهل

سنت

اهداف:

۱. آشنایی با دیدگاه اهل سنت در مورد امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۲. تبیین جایگاه موضوع مهدویت در منابع اهل سنت

فوائد:

۱. اثبات متواتر بودن موضوع مهدویت در روایات
۲. آگاهی به اتفاق نظر بسیاری از علمای اهل سنت با شیعه در مورد امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مطالب آموزشی:
۱. امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در منابع روایی اهل سنت
۲. دیدگاههای علمای اهل سنت در مورد امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۳. آثار تدوین شده از سوی علمای اهل سنت در مورد امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) در نگاه دیگران

خوشتو آن باشد که سر دلبران

گفته آید در حدیث دیگران

موضوع امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و قیام و انقلاب جهانی او نه تنها در کتاب‌های شیعه بلکه در فرهنگ اعتقادی سایر فرقه‌های اسلامی نیز بیان گردیده و درباره آن به طور گسترده گفتگو شده است. آنان نیز به وجود و ظهور مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) که از دودمان پاک پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) و از فرزندان حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام)^۱ است معتقدند برای آشکار شدن میزان باور اهل سنت به مهدی موعود(عجل الله تعالی فرجه الشریف) باید به آثار دانشمندان بزرگ ایشان مراجعه کرد. بسیاری از مفسران سنتی در کتاب‌های تفسیری خود تصریح کرده‌اند که بعضی از آیات قرآن به ظهور حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخر الزمان اشاره دارد مانند فخر رازی^۲ و قرطبی^۳.

همچنین اکثر محدثان ایشان، احادیث مربوط به امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در کتاب‌های خود آورده‌اند که در میان آنها، معتبرترین کتاب‌های اهل سنت وجود دارد مانند «صحاح ستّه»^۴ و «مسند احمد بن حنبل پیشوای مذهب حنبلی».

بعضی دیگر از دانشمندان اهل سنت در گذشته و حال، کتاب‌هایی مستقل در موضوع امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) نوشته‌اند مثل ابونعیم اصفهانی در مجموعه الأربعین (چهل حدیث) و سیوطی در کتاب «العرف الوردی فی اخبار المهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف)».

نکته قابل توجه اینکه، بعضی از علمای اهل سنت در مقام دفاع از عقیده مهدویت و ردّ منکران این عقیده، کتاب و مقاله نوشته‌اند و با بیانات علمی و شواهد روائی، جریان امام مهدی را از امور قطعی و غیرقابل انکار دانسته‌اند همچون «محمد صدیق مغربی» که در ردّ گفتار «ابن خلدون» کتابی نگاشته و به سختی از او انتقاد کرده است.^۵ اینها نمونه‌هایی از موضع اهل سنت در برابر مسئله مهدویت است.

در پایان این بخش از میان صدها روایت، تنها دو روایت نقل می‌کنیم که در کتاب‌های مشهور و مورد اعتماد اهل سنت آمده است:

پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«اگر از [عمر] دنیا تنها یک روز مانده باشد حتماً خداوند آن روز را طولانی کند تا آنکه مردی از خاندان مرا در

آن برانگیزد که هم نام من است.»^۶

و نیز آن حضرت فرمود:

«مردی از خاندان من قیام می‌کند که در نام و سیرت شبیه من است. او [جهان را] پر از عدل و داد خواهد کرد

همانگونه که از ظلم و ستم لبریز گشته باشد.»^۷

گفتنی است که اعتقاد به ظهور مصلح و منجی که در پایان دنیا ظهور کرده و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد یک اعتقاد جهانی و همگانی است و پیروان راستین همه ادیان آسمانی بر اساس تعالیم کتاب‌های دینی خود منتظر قیام آن موعود بزرگ هستند. در کتاب‌های مقدّس زبور، تورات، انجیل و نیز کتاب‌های هندوها و زرتشتیان و برهمنیان به ظهور منجی بزرگ جهان اشاره شده است. البته هر ملتی برای او لقبی مخصوص گفته‌اند. زرتشتیان او را

به نام «سوشیانس» یعنی نجات دهنده جهان و مسیحیان به نام «مسیح موعود» و یهود به نام «سرور میکائیلی» می‌شناسند.

بخشی از عبارات «جاماسب نامه» از کتاب‌های مقدّس زرتشت چنین است:

«پیغمبر عرب، آخر پیغمبران باشد که در میان کوه‌های مکه پیدا شود... و با بندگان خود چیز خورد و به روش بندگان نشیند... و دین او اشرف ادیان باشد و کتاب او باطل کند همه کتاب‌ها را... و از فرزندان دختر پیغمبر که خورشید جهان و شاه زمان نام دارد، کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان، که جانشین آخر آن پیغمبر باشد... و دولت او تا به قیامت متصل باشد...»^۸

خلاصه درس

- همه فرق اسلامی در اصل اعتقاد به ظهور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به عنوان آخرین نجات بخش از دودمان پیامبر صلی الله علیه وآله، اتفاق دارند.
- احادیث مربوط به امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در منابع معتبر اهل سنت مثل صحاح ششگانه، مسند احمد و... نیز نقل شده است.
- تعداد زیادی از علمای اهل سنت، کتاب‌ها مستقلی در خصوص روایات امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و زندگی آن حضرت تألیف نموده اند و نیز برخی از دانشمندان آنان در دفاع از روایات مهدویت و رد منکران آن کتابها و مقالات علمی و تحقیقی نوشته‌اند.

معرفی منابع جهت مطالعه و پژوهش

۱. الامام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) عنداهل السنة - مهدي فقيه ايماني
۲. در انتظار ققنوس - سيدثامر العميدي - مترجم: علي زاده
۳. امام مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در احاديث شيعه و سني - جمعي از نويسندگان
۴. درسنامه مهدويت - خدامراد سليميان - ج ۱
۵. امام مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) و دانشمندان عامه - علي دواني
۶. انتظار از ديدگاه مذاهب اربعه - سعيد آذرشين فام - مهدي اكبرنژاد
۷. اتفاق در مهدي موعود - علي اكبر قريشي
۸. همراه با مهدي منتظر - مهدي فتلاوي - ترجمه دكتور بيژن كرمي

۱. المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷.

۲. التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۴۰.

۳. تفسیر القراطبی، ج ۸، ص ۱۲۱.

۴. یعنی صحیحهای شش گانه. صحاح سته، عنوان عمومی شش مجموعه بزرگ، از کتب حدیث است که در نزد اهل سنت، موثق ترین کتابهای حدیث هستند و عبارتند از: «صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابوداود، سنن ابن ماجه، سنن نسائی، جامع ترمذی». اهل سنت، احادیث نقل شده در این کتابها را، «صحیح» دانسته و سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می دانند و پس از قرآن کریم، آنها را معتبرترین کتاب می خوانند.

۱. «ابن خلدون» جامعه شناس بزرگ اهل سنت است و به پاره ای از روایات امام مهدی (علیه السلام) اشکال کرده و آنها را ضعیف شمرده است و با وجود اینکه بعضی از روایات مربوط به حضرت مهدی (علیه السلام) را صحیح دانسته در مسئله مهدویت تشکیک کرده است. «محمد صدیق مغربی» در کتابی با عنوان «ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون» سخنان او را رد کرده است.

همچنین «عبدالمحسن بن حمد العباد» در مقاله ای تحت عنوان «الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحه الوارده فی المهدی» به شبهات ابن خلدون پاسخ گفته است.

۶. سنن ابوداود، ج ۲، ح ۴۲۸۲، ص ۱۰۶.

۷. معجم کبیر، ج ۱۰، ح ۱۰۲۲۹، ص ۸۳.

۸. ادیان و مهدویت، ص ۲۱.

درس ششم

غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و علل آن

اهداف:

۱. آشنائی با غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۲. آشنائی با حکمت‌ها و علل غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۳. آشنائی با دوره‌های مختلف غیبت

فوائد:

۱. شناخت برخی دلایل محرومیت از حضور ظاهری امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۲. انگیزه برای تلاش جهت زمینه سازی ظهور حضرت ۳. آشنائی با دوره‌های غیبت حضرت

مطالب آموزشی:

۱. مفهوم شناسی غیبت
۲. پیشینه غیبت
۳. علل غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - تأدیب مردم
 - امتحان و آزمایش
 - حفظ جان امام
 - سری از اسرار الهی
۳. دوره‌های کوتاه مدت و بلند مدت غیبت

غیبت

پس از اینکه با شخصیت منجی بزرگ عالم و تحقّق بخش آرمان آدم (علیه السلام) تا خاتم (صلی الله علیه و آله وسلم) و آخرین ذخیره الهی حضرت حجة بن الحسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آشنا شدیم، اکنون درباره غیبت آن یگانه دوران که بخش مهمی از زندگی آن حضرت است سخن می‌گوییم.

مفهوم غیبت

اولین نکته قابل طرح آن است که غیبت به معنی «پوشیده بودن از دیدگان» است نه حاضر نبودن. بنابراین در این بخش، سخن از دوره‌ای است که امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از چشمان مردمان غایب است و آنها او را نمی‌بینند و این در حالی است که آن بزرگوار در بین مردم حضور دارد و در کنار ایشان زندگی می‌کند. این حقیقت در روایات امامان معصوم به عبارات گوناگون بیان گردیده است.

امام علی (علیه السلام) فرمود:

«سوگند به خدای علی، حجّت خدا در میان مردم هست و در راهها (کوچه و بازار) گام برمی‌دارد؛ به خانه‌های آنها سر می‌زند؛ در شرق و غرب زمین رفت و آمد می‌کند؛ گفتار مردم را می‌شنود و برایشان سلام می‌کند؛ می‌بیند و دیده نمی‌شود تا وقت [معین] و وعده [الهی]»^۱

البته نوع دیگری از غیبت نیز برای آن حضرت بیان شده است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«در صاحب این امر سنت‌هایی از انبیاء وجود دارد... اما سنت او از یوسف (علیه السلام)، پنهان بودن است. خداوند بین او و مردم حجابی قرار می‌دهد [به گونه ای که] مردم او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند»^۲

بنابراین درباره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) غیبت به دو گونه روی می‌دهد: آن بزرگوار در مواردی از دیدگان پنهان است و در مواردی دیگر دیده می‌شود ولی شناخته نمی‌گردد اما در هر حال در میان مردم حضور دارد.

پیشینه غیبت

غیبت و نهان زیستی، پدیده‌ای نیست که برای اولین بار و تنها درباره آخرین حجّت پروردگار روی داده باشد بلکه از روایات فراوان استفاده می‌شود که تعدادی از پیامبران بزرگ الهی، بخشی از زندگی خود را در پنهانی و غیبت بوده‌اند و این امر به جهت حکمت و مصلحت خدایی بوده و نه یک خواسته شخصی و یا مصلحت خانوادگی. بنابراین غیبت یکی از سنت‌های^۳ الهی است که در زندگی پیامبرانی همچون ادريس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی، شعیب، الیاس، سلیمان، دانیال و عیسی (علیهم السلام) جریان یافته است و هر یک از آن سفیران الهی

به تناسب شرایط سالهایی را در غیبت بسر برده‌اند.^۴

به همین دلیل است که در روایات از غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به عنوان یکی از سنت‌های پیامبران یاد شده است و یکی از دلایل غیبت آن حضرت، اجرا شدن سنت انبیاء (علیهم السلام) در زندگی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شمرده شده است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«به راستی که برای [امام] قائم از ما غیبتی است که مدت آن طولانی خواهد بود. راوی گوید: دلیل این غیبت چیست ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)؟»
حضرت می‌فرماید:

«خداوند می‌خواهد سنت‌های انبیاء در غیبت هایشان درباره آن حضرت روی دهد.»^۵

از سخن فوق این نکته نیز آشکار می‌شود که سخن از غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سال‌ها پیش از ولادت آن بزرگوار، مطرح بوده است و پیشوایان اسلامی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) تا امام عسکری (علیه السلام) از غیبت آن حضرت و بعضی از خصوصیات آن و آنچه در زمان غیبت اتفاق خواهد افتاد، خبر داده‌اند و نیز وظایفی را برای مردم مؤمن در آن زمان بیان داشته‌اند.^۶
پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده‌اند:

«مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از فرزندان من است... برای او غیبتی است و حیرتی [پیشانی] تا آنگاه که مردمان از دین‌های خود گمراه شوند پس در آن زمان می‌آید مانند شهاب ثاقب [ستاره‌ای روشن و تابان]؛ پس زمین را از عدل و داد پر می‌کند همانگونه که از ظلم و ستم آکنده باشد.»^۷

فلسفه غیبت

به راستی چرا امام و حجت خدا در پس پرده غیبت قرار گرفته است و کدام علت سبب گردید تا مردم از برکات ظهور او محروم گردند؟

درباره این موضوع سخنان فراوانی گفته شده و روایات فراوانی نیز در دست است ولی پیش از پاسخ گفتن به سؤال فوق لازم است به نکته‌ای اساسی اشاره کنیم:

ما ایمان داریم که خداوند عالم هیچ کار کوچک و بزرگی را جز بر اساس حکمت و مصلحت انجام نمی‌دهد خواه این مصلحت‌ها را بشناسیم یا خیر. و نیز همه رویدادهای خرد و کلان جهان با تدبیر پروردگار و به اراده او انجام می‌پذیرد که یکی از مهمترین آنها، حادثه غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. بنابراین غیبت آن سرور نیز مطابق حکمت و مصلحت است اگرچه ما فلسفه آن را ندانیم.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«بی تردید برای صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) غیبتی است که هر اهل باطلی در آن به شک می‌افتد.»

راوی از علت غیبت سؤال کرد. حضرت فرمود:

«غیبت به سبب امری است که اجازه نداریم آن را برای شما بیان کنیم... غیبت، سرّی از اسرار الهی است ولی چون می‌دانیم که خداوند بزرگ حکیم است می‌پذیریم که همه کارهای او [براساس] حکمت است و اگرچه علت

آن کارها برای ما معلوم نباشد.^۸

البته چه بسا انسانی که همه افعال خداوند را حکیمانه می‌داند و در برابر آنها سر تسلیم فرود می‌آورد، به دنبال دانستن راز و رمز بعضی از رویدادهای عالم باشد تا به سبب علم به فلسفه یک پدیده، آرامش نفس و اطمینان قلبی بیشتری یابد. بنابراین به بحث و بررسی پیرامون حکمت‌ها و آثار غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌پردازیم و به روایات مربوط به آن اشاره می‌کنیم:

تأدیب مردم

وقتی امت نسبت به پیامبر و امام قدر نشناسند و وظایف خود را در برابر او انجام ندهند بلکه اوامر او را نافرمانی کنند، رواست که خداوند، پیشوای ایشان را از آنها جدا کند تا به خود آیند و در روزگار غیبت او، ارزش و برکت وجود او را دریابند و در این صورت، غیبت امام به مصلحت امت است گرچه آنها ندانند و درک نکنند. امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«وقتی خداوند همراهی و همنشینی ما را برای قومی خوش ندارد ما را از میان آنها برگیرد.»^۹

استقلال و نبودن پیمان دیگران

آنها که به دنبال ایجاد یک تحوّل و انقلاب هستند به ناچار در ابتدای قیام با بعضی از مخالفان، عهد و پیمانی می‌بندند تا بتوانند اهداف خود را دنبال کنند، ولی مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن مصلح بزرگی است که در راه برپایی انقلاب و حکومت عدل جهانی با هیچ قدرت ستمگری سازش نخواهد کرد زیرا که مطابق روایات فراوان او مأمور به مبارزه قاطع و آشکار با همه ظالمان است. به همین جهت تا آماده شدن شرایط انقلاب، در غیبت می‌رود تا مجبور نباشد که با دشمنان خدا عهد و پیمانی ببندد.

در روایتی از امام رضا (علیه السلام) علت غیبت اینگونه بیان گردیده است:

«برای اینکه آن زمان که با شمشیر قیام می‌کند، کسی بر عهده او [امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)] بیعتی نداشته باشد.»^{۱۰}

آزمایش مردم

امتحان کردن مردم یکی از سنت‌های خداوند است. او بندگان خود را به اسباب گوناگون می‌آزماید تا میزان استواریشان در مسیر حق روشن شود. البته نتیجه امتحان برای خداوند معلوم است ولی در کوره آزمایشها این بندگان هستند که ساخته می‌شوند و به جوهر وجود خود پی می‌برند.

امام کاظم (علیه السلام) فرمود:

«هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد، مواظب دین خود باشید تا کسی شما را از آن بیرون نکند برای صاحب این امر (= امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) غیبتی خواهد بود که گروهی از پیروان او از اعتقاد خود دست بر می‌دارند و این غیبت، آزمونی است که خداوند با آن بندگان را امتحان می‌کند.»^{۱۱}

حفظ جان امام

یکی از عواملی که سبب کناره‌گیری پیامبران از قوم خود می‌شد، حفظ جان خویش بود. آنها برای اینکه بتوانند در فرصتی دیگر رسالت خود را به انجام رسانند در شرایطی که مورد تهدید قرار می‌گرفتند مخفی می‌شدند

همانگونه که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) از مکه بیرون رفت و در غار پنهان شد. البته همه اینها به دستور و اراده خداوند است.

درباره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و علت غیبت او نیز در روایات متعدد چنین امری بیان شده است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«امام منتظر، پیش از قیام خود، مدتی از چشم‌ها غایب خواهد شد. از علت آن سؤال شد. حضرت فرمود: بر جان خویش بیمناک است.»^{۱۲}

هر چند شهادت آرزوی مردان خداست ولی شهادتی مطلوب است که در میدان انجام وظیفه الهی و به صلاح جامعه و دین خدا باشد. اما آنگاه که کشته شدن فرد به معنی به هدر رفتن و از دست رفتن اهداف باشد، ترس از قتل، امری عقلی و پسندیده است. کشته شدن امام دوازدهم که آخرین ذخیره الهی است به معنی فرو ریختن کعبه آمل و آرزوی تمام انبیاء و اولیاء (علیهم السلام) و تحقق نیافتن وعده پروردگار در تشکیل حکومت عدل جهانی است. گفتنی است که در روایات نکته‌های دیگری نیز درباره علت غیبت امام دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان گردیده است که برای رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌شود ولی آنچه مهم است اینکه همانگونه که پیش از این گذشت؛ «غیبت»، سرّی از اسرار الهی است و علت اصلی و اساسی آن پس از ظهور آشکار خواهد شد و آنچه بیان شد عواملی است که در غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تأثیر گذار بوده است.

انواع غیبت

با توجه به مطالب گذشته، غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) امری لازم و ضروری بود ولی از آنجا که همه حرکت‌ها و اقدام‌های پیشوایان بزرگ ما، در راستای تقویت پایه‌های ایمان و اعتقاد مردم بود و بیم آن بود که غیبت آخرین حجّت الهی، آسیب‌های جدّی و غیر قابل جبران به دیانت مسلمین وارد آورد، دوران غیبت با روندی حساب شده و برنامه ریزی دقیق آغاز گردیده و ادامه پیدا کرد.

سال‌ها پیش از ولادت امام دوازدهم، سخن از غیبت آن بزرگوار و ضرورت آن بر سر زبان‌ها افتاد و نقل محافل ائمه معصومین (علیهم السلام) و اصحاب ایشان شد. همچنین روش ارتباط امام هادی و امام عسکری (علیهما السلام) با شیعیان در قالبی جدید و به شکل محدودتری انجام گرفت و پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) رفته رفته آموختند که در بسیاری از نیازهای مادی و معنوی، مجبور به شرفیابی به محضر امام حاضر نیستند بلکه می‌توانند با مراجعه به کسانی که از سوی امامان به عنوان وکیل و فرد مورد اعتماد معرفی شده‌اند، به وظایف خود عمل کنند. با شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) و آغاز دوره غیبت حضرت حجه بن الحسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باز هم رابطه امام و امت به کلی قطع نشد بلکه مردم به وسیله نائبان خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با مولا و مقتدای خویش در ارتباط بودند و در همین دوره بود که شیعیان به رفت و آمد و ارتباط گسترده‌تر با عالمان دینی، خو گرفتند و دانستند که در شرایط غیبت امام نیز راه شناخت وظایف دینی به روی آن‌ها بسته نیست. در این بستر مناسب بود که غیبت طولانی حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اتفاق افتاد و ارتباطی که بین امام و شیعیان در زمان‌های گذشته معمول و رایج بود، قطع گردید.

اینک درباره ویژگی‌های دو دوره کوتاه و بلند غیبت، مطالبی را خواهیم آورد.

غیبت کوتاه مدّت

با شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) در سال ۲۶۰ هجری قمری، دوران امامت امام دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آغاز شد و از همین زمان، غیبت کوتاه مدّت آن گرامی که به «غیبت صغری» معروف است شروع شد و تا سال ۳۲۹ هجری قمری - نزدیک به ۷۰ سال - ادامه یافت.

مهم ترین ویژگی دوره غیبت صغری آن است که مردم از طریق نایبان خاصّ با امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در ارتباط بودند و به وسیله آنها پیام‌های آن حضرت را دریافت می کردند و پاسخ سؤالات خود را می گرفتند.^{۱۳} گاهی نیز به واسطه نایبان امام، توفیق شرفیابی به حضور امام خویش را می یافتند.

نایبان خاصّ امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که همگی از علما و بزرگان شیعه و برگزیدگان امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بودند، چهار تن هستند که به ترتیب زمان نیابت خود عبارتند از:

۱. عثمان بن سعید عمّری؛ وی از آغاز غیبت امام، عهده دار نیابت آن حضرت شد و در سال ۲۶۷ هجری قمری در گذشت. او وکیل امام هادی و امام عسکری (علیهما السلام) نیز بوده است.

۲. محمد بن عثمان عمّری؛ او فرزند نایب اوّل است که پس از درگذشت پدر به مقام نیابت رسید و در سال ۳۰۵ هجری قمری وفات کرد.

۳. حسین بن روح نوبختی؛ او پس از ۲۱ سال نیابت، در سال ۳۲۶ هجری قمری بدرود حیات گفت.

۴. علی بن محمد سمّری؛ وی در سال ۳۲۹ هجری قمری از دنیا رفت و با مرگ او دوران غیبت صغری پایان گرفت.

نایبان خاص همگی توسط امام عسکری (علیه السلام) و امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انتخاب گردیده و به مردم معرفی می شدند. شیخ طوسی رحمته الله در کتاب الغیبه خود روایت کرده است که روزی چهل نفر از شیعیان به همراه عثمان بن سعید (نایب اول) به حضور امام عسکری (علیه السلام) رسیدند. امام (علیه السلام)، فرزند خود را به آنها نشان داد و فرمود:

پس از من، این (کودک) امام شماس است. از او اطاعت کنید... بدانید که پس از امروز او را نخواهید دید تا عمر او به کمال برسد. پس (در غیبت او) آنچه عثمان [بن سعید] می گوید بپذیرید و از او فرمان برید که او جانشین امام شماس است و کارها به دست اوست.^{۱۴}

در روایتی دیگر امام عسکری (علیه السلام) به نیابت محمد بن عثمان (نایب دوم) از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز تصریح فرموده است.

شیخ طوسی می نویسد:

«عثمان بن سعید» به دستور حضرت عسکری (علیه السلام)، اموالی را که جمعی از شیعیان یمن آورده بودند، تحویل گرفت. گروهی که شاهد ماجرا بودند به امام گفتند، به خدا قسم عثمان از بهترین شیعیان شماس است ولی با این کار، جایگاه او نزد شما، برای ما روشن تر شد.

امام عسکری (علیه السلام) فرمود: بله، گواه باشید که عثمان بن سعید عمّری وکیل من است و پسرش «محمد» نیز وکیل پسر «مهدی» خواهد بود.^{۱۵}

اینها مربوط به دوران قبل از غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود و در طول غیبت صغری نیز هر

یک از نائبان، پیش از مرگ خود، نائب بعدی را که از سوی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انتخاب شده بود به مردم معرفی می کردند.

این مردان بزرگ به سبب برخورداری از صفات و ویژگی‌هایی، برای نیابت خاص ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شایستگی یافتند. امانتداری، پاکدامنی، عدالت در گفتار و رفتار، رازداری و پنهان کاری و پوشاندن اسرار اهل بیت (علیهم السلام) در شرایط ویژه دوره امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از خصوصیات مهم آنها بود. ایشان مورد اعتماد و اطمینان امام (علیه السلام) و پرورش یافتگان مکتب خاندان پاک پیامبر بودند. بعضی از آنان از سن یازده سالگی تحت تربیت امامان (علیهم السلام) قرار گرفتند و علم را در کنار ایمانی قوی در وجود خویش به کمال رسانیدند. نام نیک آنها بر سر زبان‌ها بود و صبر و بردباری و تحمل مشکلات و مقاومت در برابر سختی‌ها چنان با وجودشان عجین شده بود که در سخت‌ترین شرایط نیز از امام خود اطاعت کامل داشتند و در کنار همه این صفات زیبا، از توان مدیریت و رهبری شیعیان برخوردار بودند و با فهم و آگاهی کامل و درک حساسیت زمان و بهره‌گیری از امکانات موجود، جامعه شیعه را در صراط مستقیم الهی هدایت کردند و آنان را از گذرگاه غیبت صغری به سلامت عبور دادند.

مطالعه دقیق دوره غیبت صغری و نقش مهم نواب اربعه در ایجاد ارتباط بین امت و امام به خوبی اهمیت این دوره از حیات امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نشان می‌دهد. وجود این ارتباط‌ها و نیز راه یافتن برخی از شیعیان به محضر امام خویش در طول دوران غیبت صغری تأثیر فراوانی در اثبات ولادت امام دوازدهم و آخرین حجت پروردگار داشت و این دستاورد مهم درست در زمانی بود که دشمنان می‌کوشیدند تا شیعیان را نسبت به تولد فرزندی برای امام عسکری (علیه السلام) دچار شک و تردید نمایند. به علاوه این دوره، زمینه و بستر مناسبی برای شروع غیبت کبری بود که در آن دوران مردم از داشتن هر گونه ارتباط با امام خود توسط افرادی معین، محروم می‌شدند ولی با آرامش خاطر و اطمینان به وجود و حضور امام و بهره‌مندی از برکات او، به روزگار غیبت کامل حضرت، پا نهادند.

غیبت بلند مدت

در آخرین روزهای عمر نائب چهارم در نامه‌ای از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خطاب به او چنین آمده بود:

«بسم الله الرحمن الرحيم ای علی بن محمد سمری، خداوند در مصیبت وفات تو، به برادران دینی ات، پاداش بزرگ کرامت فرماید؛ چرا که تو تا شش روز دیگر به سرای باقی خواهی رفت. از این رو به کارهایت رسیدگی کن و درباره جانشین پس از خود به کسی وصیت مکن! زیرا که دوره غیبت کامل [و طولانی] فرا رسیده است و از این پس ظهوری [برای من] نخواهد بود مگر پس از فرمان الهی و آن پس از گذشت مدتی دراز خواهد بود که دلها را سختی و قساوت فراگیرد و زمین از ظلم و ستم پر گردد...»^{۱۶}

بنابراین با وفات آخرین نائب خاص امام دوازدهم در سال ۳۲۹ هجری قمری، دوره غیبت طولانی که به «غیبت کبری» معروف است، آغاز شد و این دوران همچنان ادامه دارد تا روزی که به خواست خداوند ابرهای غیبت، کنار رود و جهان از پرتو مستقیم خورشید فروزان ولایت، بهره‌مند گردد.

همانگونه که گذشت در دوره غیبت صغری، شیعیان به وسیله نائبان خاص با امام خود رابطه داشتند و با تکالیف

الهی خود آشنا می‌شدند ولی در دوران غیبت کبری این نوع ارتباط قطع گردیده و مردم مؤمن برای شناخت وظایف دینی خود تنها به نائبان عام آن حضرت که همان عالمان دینی وارسته و مراجع بزرگ تقلید هستند مراجعه می‌کنند و این جریان، مسیر روشنی است که امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خود در نامه‌ای به یکی از چهره‌های مورد اعتماد شیعه، ترسیم فرمود. در فرازی از این نامه که توسط دومین نائب خاص امام ابلاغ شد چنین آمده است:

«وَأَمَّا الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ...»^{۱۷} و اما در مورد رویدادهایی که [در آینده] رخ خواهد داد [و برای شناخت وظیفه الهی خود در شرایط گوناگون] به راویان حدیث ما [= فقها] رجوع کنید. زیرا آنها حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدا بر آنان هستم...»

این راهکار جدید برای پاسخ‌گویی به پرسشهای دینی و مهم‌تر از آن شناخت وظیفه فردی و اجتماعی شیعیان در دوره غیبت کامل امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گویای این واقعیت است که نظام مترقی امامت و رهبری در فرهنگ شیعه، نظامی پویا و زنده است که در شرایط مختلف، امر هدایت و رهبری مردم را به استوارترین روش، انجام داده است و در هیچ دوره‌ای پیروان مکتب را بدون یک سرچشمه هدایتگر رها نکرده است بلکه سررشته امور آنها را در زوایای مختلف زندگی فردی و جمعی به دست با کفایت عالمان دین شناس و پرهیزگار که امانتدار دین و دنیای مردم هستند، سپرده است تا کشتی جامعه اسلامی را در دریای پر تلاطم و طوفانی جهان و سیاست‌های سیاست‌بازان استعمار از افتادن در گرداب حوادث حفظ کرده و مرزهای اعتقادی شیعیان را پاسداری کنند.

امام هادی (علیه السلام) در بیان نقش علمای دینی در زمان غیبت فرمود:

«اگر نبودند علمایی که پس از غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مردم را به سوی آن حضرت بخوانند و آنها را به سوی امامشان هدایت کنند و با حجت‌ها و دلیل‌های محکم الهی از دین او [که دین خداست] حمایت کنند و اگر نبودند آن عالمان هوشیار که بندگان خدا را از دام‌های شیطان و شیطان صفتان و از [دشمنی‌های] دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) نجات می‌دهند، هیچ کس نمی‌ماند مگر اینکه از دین خدا بیرون می‌رفت!! ولی ایشان هستند که سررشته دل‌ها [و افکار و عقاید] شیعیان را با استواری در دست دارند آنچنان که کشتی بان، سگان کشتی را به دست می‌گیرد. آن عالمان، برترین [بندگان] نزد خداوند متعال هستند.»^{۱۸}

نکته‌ای که قابل توجه است شرایط و خصوصیتی است که رهبری جامعه باید دارا باشد. زیرا که سپردن اختیار امور مردم در دین و دنیا به فرد یا افرادی که عهده دار این مسئولیت بزرگ می‌شوند باید همراه با دقت نظر و تشخیص صحیح و دقیق باشد. به همین جهت پیشوایان معصوم (علیهم السلام)، ویژگیهای فوق العاده‌ای را برای مرجع دینی و بالاتر از آن، مقام ولایت امر مسلمین که به «ولی فقیه» معروف است، بیان کرده‌اند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«از میان فقها و عالمان دین آنکس که [در برابر هر گناه کوچک یا بزرگ] خود نگهدار بوده و نگهبان دین و آیین [و اعتقادات خود و مردم] باشد و با خواسته‌ها و تمایلات شخصی خود مخالفت کرده و از دستورات مولا [و امام عصر] خود اطاعت کند، بر مردم است که از او پیروی کنند. و بعضی از فقهای شیعه چنین هستند نه همه آنان.»^{۱۹}

خلاصه درس

- غیبت امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) به معنای حاضر نبودن نیست بلکه به معنای پوشیده بودن از نگاه و توجه دیگران است
- غیبت و پنهان زیستی اختصاص به امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) ندارد بلکه تعدادی از پیامبران گذشته نیز دارای غیبت بوده‌اند.
- عواملی مثل: حفظ جان حضرت، آزمایش مردم، تادیب مردم، عدم بیعت و... در روایات از جمله دلائل غیبت حضرت ذکر شده است.
- امام عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارای دو نوع غیبت است. الف) غیبت صغرا از سال ۲۶۰هـ تا ۳۲۹هـ ب) غیبت کبری از سال ۳۲۹هـ تا زمان ظهور
- بر اساس توصیه امام عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) در زمان غیبت کبری، فقهاء جامع شرایط، زمام امور دینی جامعه را بر عهده دارند

پرسش‌های درس

۱. مفهوم و پیشینه غیبت را توضیح دهید؟
۲. سه عامل از عوامل غیبت امام عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) را با استناد به روایات شرح دهید؟
۳. محمد بن عثمان عمری نایب و وکیل خاص چند امام(علیه السلام) بود و چند سال این مقام را بر عهده داشت؟
۴. امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) مرجعیت دینی فقها در زمان غیبت کبری را چگونه تبیین فرموده است؟
۵. امام هادی(علیه السلام) اهمیت و نقش علمای شیعه در حراست از ایمان مردم در دوران غیبت را به چه چیز تشبیه کرده است؟

سوالات پژوهشی

۱. علت تحقق غیبت در مورد امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) و عدم تحقق آن در سایر ائمه(علیهم السلام) با توجه به وجود خطر برای تمام ائمه(علیهم السلام) را تبیین کنید؟
۲. دیدگاه صحیح در مورد نحوه غیبت امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بیان نمایید؟
۳. نواب اربعه امام دوازدهم(عجل الله تعالی فرجه الشریف) را معرفی نمایید؟

معرفی منابع جهت مطالعه و پژوهش

۱. الغیبة - شیخ طوسی
۲. الغیبة - نعمانی
۳. خورشید مغرب - محمدرضا حکیمی
۴. تاریخ غیبت صفرا - سیدمحمد صدر
۵. امامت و مهدویت - آیت الله صافی گلپایگانی
۶. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم(عجل الله تعالی فرجه الشریف) - جاسم حسین
۷. سیمای آفتاب - حبیب الله طاهری
۸. تاریخ عصر غیبت - پورسیدآقایی و...
۹. سازمان وکالت - محمدرضا جباری

۱. الغيبة نعمانی، باب ۱۰، ح ۳، ص ۱۴۶.
۲. کمال الدین، ج ۲، باب ۳۳، ح ۴۶، ص ۲۸.
۳. قرآن کریم در سوره‌های متعددی از جمله غافر، آیه ۵۸؛ فتح، آیه ۲۳ و اسراء، آیه ۷۷ سخن از سنت الهی مطرح کرده است و از مجموع اینها استفاده می‌شود که مقصود از سنت الهی قوانین ثابت و اساسی الهی است که هرگز دگرگونی در آن روی نمی‌دهد. این قوانین هم بر اقوام گذشته حاکم بوده است و هم بر اقوام امروز و آینده حکومت خواهد کرد. (تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۳۵، با تلخیص)
۴. کمال الدین، ج ۱، باب اول تا هفتم، ص ۲۵۴ تا ۳۰۰.
۵. بحارالانوار، ج ۵۲، ح ۳، ص ۹۰.
۶. ک به منتخب الاثر، فصل دوم، باب های ۲۶ تا ۲۹، صص ۳۱۲ تا ۳۴۰.
۷. کمال الدین، ج ۱، باب ۲۵، ح ۴، ص ۵۳۶.
۸. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۴، ح ۱۱، ص ۲۰۴.
۹. علل الشرایع، ص ۲۴۴، باب ۱۷۹.
۱۰. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۴، ح ۴، ص ۲۳۲.
۱۱. الغيبة طوسی، فصل ۵، ح ۲۸۴، ص ۲۳۷.
۱۲. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۴، ح ۷، ص ۲۳۳.
۱۳. متن نامه‌ها - که به توقیعات مشهور است - در کتاب های علمای شیعه موجود است (برای نمونه بحارالانوار، ج ۵۳، باب ۳۱، ص ۱۵۰ - ۱۹۷).
۱۴. الغيبة طوسی، فصل ۶، ح ۳۱۹، ص ۳۵۷.
۱۵. همان، فصل ۶، ح ۳۱۷، ص ۳۵۵.
۱۶. الغيبة طوسی، فصل ۶، ح ۳۶۵، ص ۳۹۵.
۱۷. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۵، ح ۳، ص ۲۳۶.
۱۸. احتجاج، ج ۱، ح ۱۱، ص ۱۵.
۱۹. احتجاج، ج ۲، ص ۵۱۱.

درس هفتم

فوائد امام غائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف) اهداف:

- افزایش معرفت و بینش مردم نسبت به امام غائب
- توجه به جایگاه و وظائف امام (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در عالم هستی

فوائد:

- تقویت اعتقاد و باور مردم به حضرت (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ۲. آگاهی نسبت به شئون امام (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ۳. تلاش برای تقرب و بهره مندی از عنایات حضرت

مطالب آموزشی:

- جایگاه محوری امام در نظام هستی
- امیدبخشی و امنیت بخشی
- پایداری مکتب و حفظ کیان شیعه
- حفظ علوم و اسرار الهی
- هدایت باطنی و تهذیب نفوس

فوائد امام غایب

صدها سال است که جامعه بشری از فیض ظهور حجت خدا محروم گردیده و امت اسلامی از درک محضر رهبری آسمانی و پیشوایی معصوم، بی بهره مانده است. به راستی وجود او در غیبت و زندگی او در پنهانی و دور از دسترس همگان چه آثاری برای جهان و جهانیان دارد؟ آیا نمی شد در نزدیکی های دوران ظهور متولد شود و شاهد روزگار سخت غیبت خویش از شیعیان نباشد؟

این سؤال و مانند آن از نبود شناخت نسبت به جایگاه امام و حجت الهی سرچشمه می گیرد. به راستی جایگاه امام در مجموعه هستی چگونه است؟ آیا همه آثار وجودی او به آشکار بودن او وابسته است؟ آیا او تنها برای رهبری و پیشوایی مردمان است یا وجود او برای همه موجودات دارای اثر و برکت است؟

امام محور هستی

از نظر شیعه و براساس تعالیم دینی، امام، واسطه فیض رسانی پروردگار به همه پدیده های جهان آفرینش است. او در نظام هستی محور و مدار است و بی وجود او عالم و آدم، جن و ملک و حیوان و جمادی نمی ماند. از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ حضرت فرمود: «اگر زمین بدون امام بماند هر آینه اهل خود را فرو می برد.»^۱

اینکه او در رساندن پیام های خدا به مردم و راهنمایی آنها به سوی کمال انسانی، واسطه است و هر فیض و لطفی در این بخش به سبب وجود او به همگان می رسد، امری روشن و بدیهی است. زیرا از ابتدا خداوند متعال از طریق پیامبران و سپس جانشینان آنها قافله بشری را هدایت کرده است. ولی از کلمات معصومین (علیهم السلام) استفاده می شود که وجود امامان در گستره عالم به عنوان واسطه ای برای رسیدن هر نعمت و فیضی از ناحیه پروردگار به هر موجود کوچک و بزرگی است. به بیان آشکارتر همه موجودات، آنچه از فیوضات و عطایای الهی دریافت می کنند از کانال امام می گیرند. هم اصل وجودشان به واسطه امام است و هم نعمت ها و بهره های دیگری که در طول حیات خود دارا هستند.

در فرازی از زیارت جامعه کبیره که یک دوره امام شناسی است اینگونه آمده است:

«بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتَمُ وَبِكُمْ يَنْزِلُ الْغَيْثَ وَبِكُمْ يَمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بَإِذْنِهِ»^۲

[ای امامان بزرگ] خداوند به سبب شما [عالم را] آغاز کرد و به سبب شما [فیز آن را] پایان می دهد و به [سبب وجود] شما باران را فرو می فرستد و به [برکت وجود] شما آسمان را نگهداشته است از اینکه بر زمین فرود آید، جز به اراده او».

بنابراین آثار وجودی امام تنها به ظهور و آشکاری او خلاصه نمی شود بلکه وجود او در عالم - حتی در غیبت و نهان زیستی - سرچشمه حیات همه موجودات و مخلوقات الهی است و خدا خود اینگونه خواسته است که او که

موجود برتر و کاملتر است واسطه دریافت و رساندن فیوضات و داده‌های الهی به سایر پدیده‌ها باشد و در این عرصه فرقی بین غیبت و ظهور او نیست. آری همگان از آثار وجود امام بهره می‌گیرند و غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در این جهت خللی ایجاد نمی‌کند. جالب اینکه وقتی از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) درباره نحوه بهره‌مندی از آن حضرت در دوره غیبت، سؤال می‌شود می‌فرماید:

«وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِى فِى غَيْبَتِى فَكَأَنَّ الْإِنْتِفَاعَ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ؛

بهره‌مندی از من در روزگار غیبت، مانند سود بردن از خورشید است آن‌گاه که به وسیله ابرها از چشم‌ها پوشیده است.»

تشبیه امام به آفتاب و تشبیه غیبت او به قرار گرفتن خورشید در پس ابر، نکته‌های فراوانی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

خورشید در منظومه شمسی مرکزیت دارد و کرات و سیارات به دور او حرکت می‌کنند چنان که وجود گرامی امام عصر مرکز نظام هستی است.

بِقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَبِمَمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَبِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ؛

به سبب بودن او دنیا باقی است و به برکت وجود او، عالم روزی می‌خورند و به خاطر وجود او زمین و آسمان، استوار مانده است.

آفتاب، لحظه‌ای از نورافشانی دریغ نمی‌کند و هر کس به اندازه ارتباطی که با خورشید دارد از نور آن بهره می‌گیرد. چنان که وجود ولی عصر واسطه دریافت همه نعمت‌های مادی و معنوی است که از ناحیه پروردگار جهان به بندگان می‌رسد ولی هر کس به اندازه رابطه خود با آن منبع کمالات، بهره‌مند می‌گردد.

اگر این آفتاب پشت ابر هم نباشد، شدت سرما و تاریکی، زمین را غیر قابل سکونت خواهد کرد. چنانکه اگر عالم از وجود امام - گرچه در پشت پرده غیبت - محروم بماند سختی‌ها و نابسامانی‌ها و هجوم انواع بلاها ادامه زندگی را غیر ممکن می‌سازد.

آن حضرت در نامه‌ای به شیخ مفید خطاب به شیعیان خود می‌فرماید:

«إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَتْ بِكُمْ اللَّوَاءُ وَاصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ؛

ما هرگز شما را به حال خود رها نکرده ایم و هرگز شما را از یاد نبرده ایم و اگر نبود (عنايات پیوسته ما) حتماً سختی‌ها و بلاهای فراوانی به شما می‌رسید و دشمنان شما را نابود می‌کردند.»

بنابراین آفتاب وجود امام بر عالم وجود می‌تابد و به همه هستی فیض می‌رساند و در این میان برای بشریت و به ویژه جامعه مسلمین و امت شیعه و معتقد به او برکات و خیرات بیشتری دارد که به نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم:

امید بخشی

از سرمایه‌های مهم زندگی، امید است. امید مایه حیات و نشاط و پویایی است. امید عامل حرکت و اقدام است. وجود امام در عالم، موجب امید به آینده‌ای روشن و سراسر شور و اشتیاق است. شیعه، پیوسته و در طول تاریخ هزار و چهارصدساله، به انواع بلاها و سختی‌ها گرفتار شده است و آن چه به عنوان نیروئی بزرگ و پشتوانه‌ای استوار، او را به ایستادگی و تسلیم نشدن و حرکت و تلاش، واداشته است؛ امید به آینده سبز مؤمنین و دین باوران بوده است. آینده‌ای که خیالی و افسانه‌ای نیست؛ آینده‌ای که نزدیک است و می‌تواند نزدیک‌تر باشد. زیرا آن که باید رهبری قیام را به عهده گیرد زنده است و هر لحظه پا به رکاب؛ و این من و تو و ما هستیم که باید آماده باشیم.

پایداری مکتب

هر جامعه‌ای برای حفظ تشکیلات خود و ادامه راه تا رسیدن به مقصد مورد نظر، نیاز به وجود رهبری آگاه دارد تا اجتماع، تحت نظر و فرماندهی او در مسیر صحیح، حرکت کند. وجود رهبر، پشتوانه بزرگی برای افراد است تا در یک سازماندهی منظم، دستاوردهای قبلی را حفظ کنند و به تقویت برنامه‌های آینده، همت گمارند. رهبر زنده و فعال، گرچه در میان جمعیت و افراد خود نباشد از ترسیم خطوط اصلی و ارائه راهکارهای کلی، کوتاهی نمی‌کند و به واسطه‌های گوناگون، نسبت به راههای انحرافی، هشدار می‌دهد.

امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گرچه در غیبت است ولی وجود او عامل جدی برای حفظ مکتب شیعه است. او با آگاهی کامل از توطئه‌های دشمنان، به شیوه‌های مختلف، مرزهای فکری شیعیان را پاسداری می‌کند و آن گاه که دشمن فریبکار با وسیله‌ها و ابزارهای گوناگون، اصول مکتب و اعتقادات مردم را نشانه می‌گیرد، با هدایت و ارشاد عالمان و برگزیدگان، راههای نفوذ او را می‌بندد.

برای نمونه، عنایت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شیعیان بحرین را از زبان علامه مجلسی^۶ می‌شنویم:

در روزگار گذشته، فرمانروایی ناصبی بر بحرین حکومت می‌کرد، که وزیرش در دشمنی با شیعیان آن جا، گوی سبقت را از او ربوده بود. روزی وزیر بر فرمانروا وارد شد و اناری را به دست او داد، که به صورت طبیعی این واژه‌ها بر پوست آن نقش بسته بود: «لا اله الا الله، محمد رسول الله و ابوبکر و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول الله». فرمانروا از دیدن آن بسیار در شگفت شد و به وزیر گفت: این، نشانه‌ای آشکار و دلیلی نیرومند بر بطلان مذهب تشیع است. نظر تو درباره ی شیعیان بحرین چیست؟ وزیر پاسخ داد: به باور من، باید آنان را حاضر کنیم و این نشانه را به ایشان ارایه دهیم. اگر آن را پذیرفتند که از مذهب خود دست می‌کشند و گرنه آنان را میان گزینش سه چیز مخیر می‌کنیم؛ پاسخی قانع کننده بیاورند یا جزیه^۷ بدهند و یا این که مردان شان را می‌کشیم زنان و فرزندان شان را اسیر می‌کنیم و اموال شان را به غنیمت می‌بریم.

فرمانروا، رأی او را پذیرفت و دانشمندان شیعه را نزد خود فراخواند. آن گاه انار را به ایشان نشان داد و گفت: اگر در این باره دلیلی روشن بیاورید، شما را می‌کشم و زنان و فرزندان تان را اسیر می‌کنم یا این که باید جزیه بدهید. دانشمندان شیعه، سه روز از او مهلت خواستند. آنان پس از گفت‌وگوی فراوان به این نتیجه رسیدند که از میان خود، ده نفر از صالحان و پرهیزگاران بحرین را برگزینند. آن گاه از میان این ده نفر نیز سه نفر را برگزیدند و به یکی از آن سه نفر گفتند: تو امشب به سوی صحرا برو و به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) استغاثه کن و از او، راه رهایی از این مصیبت را بپرس؛ زیرا او، امام و صاحب ماست.

آن مرد چنین کرد، ولی موفق به زیارت حضرت نشد. شب دوم نیز نفر دوم را فرستادند. او نیز پاسخی دریافت نکرد. شب آخر، نفر سوم را که محمد بن عیسی نام داشت فرستادند. او به صحرا رفت و با گریه و زاری از حضرت، درخواست کمک کرد. چون آخر شب شد، شنید مردی خطاب به او می‌گوید: ای محمد بن عیسی! چرا تو را به این حال می‌بینم و چرا به سوی بیابان بیرون آمده‌ای؟ محمد بن عیسی از آن مرد خواست که او را به حال خود واگذارد. او فرمود: ای محمد بن عیسی! منم صاحب الزمان. حاجت خود را بازگو! محمد بن عیسی گفت: اگر تو صاحب الزمانی، داستان مرا می‌دانی و به گفتن من نیاز نیست. فرمود: راست می‌گویی. تو به دلیل آن مصیبتی که بر شما وارد شده است، به این جا آمده‌ای.

عرض کرد: آری، شما می دانید چه بر ما رسیده است و شما امام و پناه ما هستید. پس آن حضرت فرمود: ای محمدبن عیسی! در خانه ی آن وزیر - لعنة الله عليه - درخت اناری است. هنگامی که درخت تازه انار آورده بود، او از گل، قالبی به شکل انار ساخت. آن را نصف کرد و در میان آن، این جملات را نوشت. سپس قالب را بر روی انار که کوچک بود، گذاشت و آن را بست. چون انار در میان آن قالب بزرگ شد، آن واژه ها بر روی آن نقش بست! فردا نزد فرمانروا می روی و به او می گویی که من پاسخ تو را در خانه ی وزیر می دهم. چون به خانه ی وزیر رفتید، پیش از وزیر به فلان اتاق برو! کیسه ی سفیدی خواهی یافت که قالب گلی در آن است. آن را به فرمانروا نشان ده. نشانه ی دیگر این که به فرمانروا بگو: که معجزه ی دیگر ما این است که چون انار را دو نیم کنید، جز دود و خاکستر چیزی در آن نیست!

محمدبن عیسی از این سخنان بسیار شادمان شد و به نزد شیعیان بازگشت. روز دیگر، آنان پیش فرمانروا رفتند و هر آن چه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرموده بود، آشکار گشت.

فرمانروای بحرین با دیدن این معجزه به تشیع گروید و دستور داد وزیر حيله گر را به قتل رساندند.^۸

خودسازی

قرآن کریم می فرماید:

﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾^۹

[ای پیامبر به مردم] بگو عمل کنید [ولی بدانید] که خداوند و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و مؤمنان، کارهای شما را می بینند.

در روایات آمده است که مراد از «مؤمنون» در این آیه شریفه، امامان معصوم (علیهم السلام) هستند.^{۱۰} بنابراین، اعمال مردم به نظر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می رسد. و آن بزرگوار از پس پرده غیبت، شاهد و ناظر کارها است. این حقیقت اثر تربیتی بزرگی دارد و شیعیان را به اصلاح کارهای خود وامی دارد و از این که در برابر حجت خدا و امام خوبی ها به زشتی ها و گناهان آلوده شوند باز می دارد. البته به هر اندازه توجه انسان به آن معدن صفا و پاکی، بیشتر باشد، آئینه دل و جاننش، صفای بیشتری می یابد و این روشنی و زلالی در گفتار و رفتار او آشکارتر می گردد.

پناهگاه علمی و فکری

پیشوایان معصوم (علیهم السلام)، معلّمان و مربیان اصلی جامعه هستند و مردم، همواره از سرچشمه زلال معارف ناب آن بزرگواران بهره ها برده اند. در زمان غیبت نیز، اگرچه دسترسی مستقیم و استفاده همه جانبه از محضر امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ممکن نیست ولی آن معدن علوم الهی به راههای مختلف، گره از مشکلات علمی و فکری شیعیان باز می کند. در دوره غیبت صغری، بسیاری از سؤالات مردم و علما، از طریق نامه های امام که به توقیعات مشهور است پاسخ داده می شد.^{۱۱}

امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جواب نامه اسحاق بن یعقوب و سؤال های او، نوشته است:

«خداوند تو را هدایت کند و ثابت قدم بدارد؛ اما اینکه درباره منکران از خاندان و عموزادگان ما سؤال کردی، بدان که بین خدا و هیچ کس خویشاوندی نیست و کسی که مرا انکار کند از من نیست و عاقبت او همانند سرانجام پسر نوح است... و اما اموال تان را تا پاکیزه نکنید قبول نمی کنیم...»

و اما اموالی که برای ما فرستادی از آن رو می پذیریم که پاکیزه و طاهر است... و کسی که اموال ما را حلال شمرده و آن را بخورد همانا آتش خورده است... و چگونگی استفاده از من، مانند بهره مندی از خورشید پشت ابر

است و من امان مردم روی زمین هستم همانطوری که ستارگان امان اهل آسمانها هستند. و از اموری که سودی برایتان ندارد پرسش نکنید و خود را در آموختن آنچه از شما نخواستند به زحمت نیفکنید و برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که همان، فرج شماست، سلام بر توای اسحاق بن یعقوب و سلام بر هر کسی که پیرو هدایت است.^{۱۲} پس از غیبت صغری هم بارها علمای شیعه، مشکلات علمی و فکری خود را با امام خویش مطرح کرده و پاسخ آن را دریافت نموده‌اند.

میر علام یکی از شاگردان مقدس اردبیلی^{۱۳} چنین می گوید:

نیمه شبی در نجف اشرف در صحن مطهر حضرت علی (علیه السلام) بودم ناگاه شخصی را دیدم که به سمت حرم می‌رود، به سوی او رفتم چون نزدیک شدم؛ دیدم که شیخ و استادم ملا احمد مقدس اردبیلی (قدس سره) است. خود را از او پنهان کردم.

نزدیک حرم مطهر شد در حالی که در بسته بود؛ ناگاه دیدم در گشوده شد و داخل حرم گردیدم! و پس از مدتی کوتاه از حرم خارج شد، و به سمت کوفه متوجه گردیدم.

به دنبال او روانه شدم به طوری که مرا نمی‌دید تا آن که داخل مسجد کوفه گردیدم و در نزد محرابی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در آن ضربت زده‌اند قرار گرفت و مدتی در آنجا درنگ کرد. سپس برگشت و از مسجد بیرون رفت و به سمت نجف متوجه گردیدم من همچنان دنبال او بودم تا آنکه به مسجد حنانه رسیدم؛ ناگاه بدون اختیار سرفه ام گرفت چون صدای مرا شنید برگشت نگاهی به من کرد و مرا شناخت. فرمود: میر علام هستی؟ گفتم: آری! گفت: اینجا چه می‌کنی؟ گفتم: از آن زمان که داخل حرم حضرت علی (علیه السلام) شدم تا حال با شما هستم. شما را به حق این قبر قسم می‌دهم که سر این واقعه را که امشب از شما مشاهده کردم به من خبر دهید! فرمود: به شرط آن که تا من زنده هستم آن را به کسی نگویی! چون به او اطمینان دادم فرمود: گاهی که برخی مسائل بر من مشکل می‌شود برای حل آن به امیرالمؤمنین (علیه السلام) متوسل می‌شوم. امشب نیز مسئله‌ای برای من مشکل شد و در آن فکر می‌کردم؛ ناگاه به دلم افتاد که باز به خدمت آن حضرت روم و سؤال کنم.

چون به حرم مطهر رسیدم چنان که دیدی در بسته بر روی من گشوده شد. پس داخل شده به خدا نالیدم که جواب آن را از آن حضرت دریابم ناگاه از قبر مطهر ندایی شنیدم که فرمود: به مسجد کوفه برو و از قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سؤال کن زیرا که او امام زمان توست. پس به نزد محراب [مسجد کوفه] آمدم و از آن بزرگوار سؤال کرده جواب شنیدم و اکنون به منزل خود می‌روم.^{۱۴}

هدایت باطنی و نفوذ روحانی

امام و حجّت خدا وظیفه رهبری و هدایت مردم را به عهده دارد و در تلاش است افرادی را که آماده دریافت نور هدایت او هستند، راهنمایی کند. برای انجام این مأموریت الهی، گاهی آشکارا و بی پرده، با انسان‌ها ارتباط برقرار می‌کند و با گفتار و کردار زندگی ساز خود، راه سعادت و بهروزی آن‌ها را نشان می‌دهد و زمانی دیگر با استفاده از قدرت ولایت خود که نیروی غیبی و الهی است در درون قلب‌ها اثر می‌گذارد و با توجهی ویژه و عنایتی خاص، دل‌های آماده را، مایل به خوبی‌ها و زیبایی‌ها می‌کند و راه رشد و کمال آن‌ها را هموار می‌سازد. در این بخش، نیازی به حضور ظاهری امام و ارتباط مستقیم با او نیست بلکه هدایت‌ها از راه‌های درونی و ارتباطات قلبی انجام می‌گیرد. امام علی (علیه السلام) در بیان این بخش از فعالیت‌های امام می‌فرماید:

خداوند، جز این نیست که باید حجّتی از سوی تو در زمین باشد تا خلق را به سوی آئین تو رهنمون گردد... و اگر وجود ظاهری او از مردم پنهان باشد ولی بی شک تعالیم و آداب او در دل‌های مؤمنین پراکنده است و آن‌ها براساس آن عمل می‌کنند.^{۱۵}

امام غایب از طریق همین هدایت‌ها به کار نیروسازی برای قیام و انقلاب جهانی، همت می‌گمارد. و آن‌ها که شایستگی‌های لازم را دارا باشند تحت تربیت ویژه امام، برای حضور در رکاب آن حضرت آماده می‌شوند و این یکی از برنامه‌های امام غایب است که به برکت وجود او انجام می‌شود.

ایمنی از بلاها

بدون تردید، امنیت از اصلی‌ترین سرمایه‌های زندگی است. پدید آمدن حوادث گوناگون در عالم، همواره زندگی و حیات طبیعی موجودات را در معرض نابودی قرار داده است و کنترل آفت‌ها و بلاها اگرچه با فراهم آوردن وسائل مادی ممکن است ولی عوامل معنوی نیز در آن تأثیر فراوانی دارد. در روایات پیشوایان ما، وجود امام و حجّت الهی، در مجموعه جهان آفرینش، به عنوان عامل امنیت زمین و اهل آن شمرده شده است.

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خود فرموده است:

وَ اِنِّي لَآمَانٌ لِّأَهْلِ الْأَرْضِ...؛

من موجب ایمنی (از بلاها) برای ساکنان زمین هستم.^{۱۶}

وجود امام، مانع از آن است که مردم به سبب انواع گناهان و مفسداتی که انجام می‌دهند به عذاب‌های سخت الهی گرفتار آیند و طومار حیات زمین و اهل آن در هم پیچیده شود.

قرآن کریم در این باره، خطاب به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ...﴾

«ای رسول ما تا زمانی که تو در میان ایشان (مسلمانان) هستی، خداوند هرگز آن‌ها را به عذاب (عمومی) گرفتار نخواهد

کرد.»^{۱۷}

حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که مظهر رحمت و مهر پروردگار است نیز به عنایت خاص خود بلاهای بزرگ را به ویژه از جامعه شیعیان و فرد فرد آن‌ها دور می‌کند؛ گرچه در بسیاری از موارد، شیعیان به لطف و کرامت او توجه نداشته باشند و دست یاری‌گر او را در بالای سر خود نشانند!

آن گرامی در مقام معرفی خود فرموده است:

«أَنَا خَاتِمُ الْأَوْصِيَاءِ وَ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ مِنْ أَهْلِي وَ شِيعَتِي؛

من آخرین جانشین پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) هستم و خدای تعالی به [سبب وجود] من بلاها را از خاندان و شیعیانم دور

می‌کند.»^{۱۸}

در جریان شکل‌گیری انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و سال‌های پرتلاش دفاع مقدّس، بارها لطف و محبت آن امام بزرگوار بر سر ملت و مملکت سایه افکند و نظام اسلامی و ملت مسلمان و مهدوی را از گردنه توطئه‌های سنگین دشمن، عبور داد! شکسته شدن حکومت نظامی شاه در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ به فرمان امام خمینی (علیه السلام) حادثه سقوط هلی‌کوپترهای نظامی آمریکا در سال ۱۳۵۹ در صحرای طبس، کشف کودتای نافرجام نوژه در ۲۱ تیرماه ۱۳۶۱ و ناکامی دشمنان در جنگ هشت ساله و دهها نمونه دیگر شواهد گویایی است.

باران رحمت

موعود بزرگ جهانیان و قبله آمال مسلمانان و محبوب دل‌های شیعیان، همواره بر حال مردم نظر دارد و غیبت آن خورشید مهربانی، مانع از آن نیست که پرتو زندگی بخش و نشاط آفرین خود را بر جان‌های مشتاق بتاباند و آن‌ها را بر خوان کرم و بزرگواری خویش، مهمان کند. آن ماه منیر دوستی و مهرورزی، پیوسته غمخوار شیعیان و دستگیر مددجویان آستان حضرتش بوده است. گاهی بر بالین بیماران حاضر گردیده و دست شفا بخش خویش را مرهم زخم‌های آن‌ها قرار داده است و زمانی دیگر، به گم شدگان در بیابان‌ها عنایت فرموده و واماندگان در وادی تنهایی و بی کسی را یار و یاور و راهنما گشته است و در لحظه‌های سرد ناامیدی، دل‌های منتظر را گرمی امید، بخشیده است. او که باران رحمت الهی است، در همه حال، بر کویر تفتیده جان‌ها باریده و با دعای خود برای شیعیان، سبزی و خرمی را برای آن‌ها به ارمغان آورده است. آن سجاده نشین آستان حضرت دوست، دست‌های خواهش را گشوده و برای من و تو این چنین خواسته است:

«یا نُورَ النُّورِ یا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ یا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي وَلِشِيعَتِي مِنَ الضِّيقِ فَرَجاً وَمِنَ الْهَمِّ مَخْرَجاً وَأَوْسِعْ لَنَا الْمَنْهَجَ وَأَطْلِقْ لَنَا مِنْ عُنْدِكَ مَا يَفْرُجُ وَأَفْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمٌ»^{۱۹}

ای روشنایی نور، ای تدبیر کننده کارها، ای زنده کننده مردگان، بر محمد و خاندان او درود فرست و برای من و شیعیانم در تنگناها گشایشی قرار ده و از غم و اندوه راه چاره‌ای باز کن و راه [هدایت] را بر ما وسعت بخش و راهی که در آن گشایش ما است به روی ما بگشا و آنچنان که تو شایسته آن هستی با ما رفتار کن ای کریم.»

آنچه گفته شد بیانگر آن است که از آثار وجود امام - گرچه در غیبت به سر برد - امکان ارتباط و اتصال به اوست و آن‌ها که لیاقت و شایستگی داشته‌اند لذت همنشینی و همنوایی آن یار بی همتا را چشیده‌اند.

خلاصه درس

- امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) محور هستی، و واسطه همه فیوضات الهی به دیگران است
- اعتقاد به ظهور و آمدن حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) روح امید و نشاط و پویائی را در جامعه می‌دمد.
- امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نسبت به جریان امور مسلمین اشراف دارد و از مکتب شیعه پاسداری می‌کند.
- با توجه به اشراف حضرت بر کارها و عرض اعمال مردم به حضور حضرت، این اعتقاد اثر تربیتی جدی در اصلاح و خودسازی مردم دارد
- امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پناهگاه علمی و فکری شیعیان و حق طلبان است در موارد زیادی بزرگان شیعه پاسخ‌های علمی خود را از طریق حضرت دریافت نموده‌اند و نیز هدایت باطنی، ایمنی از بلاها و نزول باران رحمت از برکات وجودی آن حضرت است.

معرفی منابع جهت مطالعه و پژوهش

۱. سیمای آفتاب - حبیب‌الله طاهری
۲. دادگستر جهان - ابراهیم امینی
۳. تاریخ عصر غیبت - پورسیدآقایی و...
۴. منتخب الانوار المضيئه - نیلی نجفی

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۰۱.
۲. *مفاتیح الجنان*، زیارت جامعه کبیره. توضیح اینکه این زیارت از امام هادی (علیه السلام) نقل شده است و از نظر سند و عبارات، عالی است و پیوسته مورد عنایت خاص عالمان شیعه بوده است.
۳. *احتجاج*، ج ۲، ش ۳۴۴، ص ۵۴۲.
۴. *مفاتیح الجنان*، دعای عدیله.
۵. *احتجاج*، ج ۲، ش ۳۵۹، ص ۵۹۸.
۶. او از علمای بزرگ شیعه عصر صفوی است که آثار فراوانی از خود بجا گذاشته، معروفترین آنها کتاب *بحارالانوار* است که مجموعه‌ای گرانسنگ از کلمات اهل بیت (علیهم السلام) است که در ۱۱۰ جلد تنظیم شده است. وی در سال ۱۱۱۱ ق وفات یافت و در مسجد جامع اصفهان دفن شد.
۷. پولی که غیر مسلمانانی که در پناه حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، در برابر تأمین امنیت و برخورداری از امکانات به دولت اسلامی می‌پردازند.
۸. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۷۸.
۹. سوره توبه، آیه ۱۰۵.
۱۰. کافی، ج ۱، باب *عرض الاعمال*، ص ۱۷۱.
۱۱. رک: *کمال الدین*، ج ۲، باب ۴۵، صص ۲۳۵ - ۲۸۶.
۱۲. *همان*، ج ۴، ص ۲۳۷.
۱۳. او از علمای بزرگ شیعه در قرن دهم هجری بود که در تقوا و فضایل اخلاقی نمونه و مثال زدنی است و بنا بر نقل علامه مجلسی، بارها محضر امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشرف گردیده و از وی آثار ارزشمندی هم بجای ماندند حدائق الشیعه و... مزار او در حرم امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌باشد.
۱۴. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۷۴.
۱۵. *اثبات الهداة*، ج ۳، ح ۱۱۲، ص ۴۶۳.
۱۶. *کمال الدین*، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴، ص ۲۳۹.
۱۷. سوره انفال، آیه ۳۳.
۱۸. *کمال الدین*، ج ۲، باب ۴۳، ح ۱۲، ص ۱۷۱.
۱۹. *منتخب الاثر*، فصل ۱۰، باب ۷، ش ۶، ص ۶۵۸.

ملاقات و طول عمر حضرت (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

اهداف:

۱. آشنائی با نحوه ارتباط شیعیان با حضرت در عصر غیبت
۲. انواع ملاقات با حضرت (حالت اضطرار، حالت عادی)
۳. آشنائی با دلایل طول عمر امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فواید:
 ۱. شناخت صحیح در مورد مسأله ارتباط و ملاقات
 ۲. رفع استبعاد ظاهری طول عمر امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) مطالب آموزشی:
 ۱. تفاوت ارتباط حضرت با مردم در غیبت صغری با غیبت کبری
 ۲. استثنائی بودن وقوع ملاقات و تأکید بر غیبت حضرت
 ۳. شرایط مختلف ملاقات کنندگان
۴. نمونه‌های از وقوع ملاقات با امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ۵. اسرار طول عمر امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ۶. شواهد تاریخی طول عمر

دیدار یار

از سختی‌ها و تلخی‌ها دوره غیبت، دوری شیعیان از مولای خود و محروم ماندن از دیدار جمال آن یوسف بی‌همتا است. با شروع روزگار غیبت، منتظران ظهور، پیوسته در حسرت تماشای آن سرو بلند فضیلت سوخته‌اند و آه فراق از دل کشیده‌اند! البته در دوران غیبت صغری، شیعیان به وسیله نائبان خاص با امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ارتباط داشتند و بعضی از آنها به فیض حضور آن بزرگوار رسیدند چنان که در این باره روایات فراوانی وجود دارد ولی در دوره غیبت کبری که روزگار غیبت کامل امام است، رابطه یاد شده قطع گردید و امکان شرفیابی به محضر آن حضرت به شکل معمول و از طریق افرادی خاص، منتفی شد.

با این حال بسیاری از علما معتقدند که در این زمان نیز، ملاقات با آن ماه منیر امکان دارد و بارها اتفاق افتاده است. حکایت شرفیابی بزرگانی چون علامه بحر العلوم، مقدس اردبیلی، سیدین طاووس و مانند آنها معروف و مشهور است و در کتاب‌های بزرگان علما نقل گردیده است.^۱

اما لازم است که درباره بحث ملاقات با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به نکات زیر توجه شود: نکته اول اینکه، ملاقات با امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گاهی در حالت اضطرار و در ماندگی افراد روی می‌دهد و گاهی در حالت عادی و به دور از اضطرار. به بیان روشن‌تر گاهی ملاقات‌ها برای دستگیری امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از اشخاصی است که در وضعیتی گرفتار شده‌اند و احساس تنهایی و بی‌کسی به آنها دست داده است مثل جریان ملاقات بسیاری از افراد که در مکان‌های مختلف مانند سفر خانه خدا، راه را گم کرده‌اند و امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یا یکی از اصحاب آن حضرت، آنها را از سرگردانی نجات داده است و اکثر ملاقات‌ها از همین قبیل است.

ولی در مواردی ملاقات‌ها در غیر حالت اضطرار بوده است و ملاقات کننده به جهت مقام معنوی ویژه‌ای که داشته به حضور امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شرفیاب شده است.

با توجه به نکته فوق باید توجه داشت که ادعای ملاقات و دیدار آن حضرت از هر کسی پذیرفته نیست. نکته دوم اینکه، در طول مدت غیبت کبری و به ویژه در زمان ما، افرادی با ادعای ملاقات امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در پی جمع کردن مردم و کسب نام و نانی برای خود بوده‌اند و از این راه بسیاری را به گمراهی و انحراف در عقیده و عمل کشانیده‌اند؛ با توصیه خواندن بعضی دعاها و انجام برخی اعمال که بسیاری از آنها هیچ اصل و اساسی ندارد و با دعوت از مشتاقان دیدار، برای شرکت در جلسه‌هایی که محتوای قابل قبولی ندارد، وعده دیدار حجت خدا را می‌دهند و بدینگونه امر ملاقات با آن امام غایب را کاری سهل و در دسترس همگان جلوه می‌دهند در حالی که بدون تردید آن حضرت بر طبق اراده پروردگار در غیبت کامل قرار گرفته است

و جز برای افرادی انگشت شمار که تنها راه نجات آنها عنایت مستقیم آن مظهر لطف الهی است رخ نمی نماید. و نکته سوم اینکه جریان ملاقات تنها در صورتی ممکن است که امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مصلحت را در وقوع آن ببیند. بنابراین هرگاه با وجود همه شور و اشتیاق یک عاشق و تلاش او برای شرفیابی به محضر امام، ملاقاتی دست ندهد نباید گرفتار یأس و ناامیدی گردد و این را نشانه نبود لطف و عنایت امام بدانند همانگونه که آن کس که به فیض ملاقات با آن بزرگوار نائل شد، این دیدار نشانه آن نیست که در تقوا و فضیلت به کمال رسیده است.

جان سخن اینکه اگر چه دیدن جمال نورانی امام عصر و سخن گفتن با آن محبوب دلها سعادت بزرگ است اما امامان ما و به ویژه حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از شیعیان نخواسته اند که در پی دیدار امام زمان خود باشند و برای رسیدن به این مقصود، چله نشینی کرده و یا بیابان گردی پیشه کنند؛ بلکه در کلمات پیشوایان معصوم (علیهم السلام) سفارش فراوان شده است که شیعیان پیوسته به یاد آن حضرت بوده و برای فرج او دعا کنند و در جلب رضای او در گفتار و کردار بکوشند و در راستای اهداف بزرگ او قدم بر دارند تا هر چه زودتر زمینه ظهور آن امید بشریت فراهم گردد و عالم از فیض مستقیم او بهره مند شود.

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خود می فرماید:

«أَكثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»؛

برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید که همان فرج شماست».

در اینجا مناسب است جریان شیرین ملاقات مرحوم حاج علی بغدادی را که از خوبان روزگار خویش بوده است نقل کنیم ولی به جهت رعایت اختصار به بیان نکات مهم آن اکتفا می کنیم:

آن مرد شایسته و با تقوا، همیشه از بغداد به کاظمین می رفت و دو امام بزرگوار حضرت جواد و حضرت کاظم (علیهما السلام) را زیارت می کرد. او می گوید: مقداری خمس و حقوق مالی برعهده ام بود. به همین جهت به نجف اشرف رفتم و بیست تومان از آن را به عالم فقیه و پارسا شیخ انصاری رحمته الله و بیست تومان آن را هم به عالم فقیه شیخ محمد حسین کاظمی رحمته الله و بیست تومان هم به آیت الله شیخ محمد حسن شروقی رحمته الله دادم و تصمیم گرفتم که بیست تومان دیگر بدهی خود را پس از بازگشت به بغداد به آیه الله آل یاسین رحمته الله بپردازم. روز پنج شنبه به بغداد بازگشتم. نخست به سوی کاظمین رفتم و دو امام بزرگوار را زیارت کردم. پس از آن به منزل آیه الله آل یاسین رفتم و بخشی از باقی مانده بدهی شرعی خود را به او تقدیم کردم و از او اجازه گرفتم که باقی مانده آن را به تدریج به او یا کسی که او را مستحق بدانم بپردازم. ایشان اصرار کرد که نزد او بمانم اما به خاطر کارهای ضروری، عذر خواهی کرده و خداحافظی کردم و به سوی بغداد حرکت کردم. وقتی یک سوم راه را رفته بودم با سید بزرگوار و با وقاری روبرو شدم. او عمامه ای سبز بر سر داشت و بر گونه اش خالی مشکی آشکار بود و برای زیارت به سوی کاظمین می رفت. نزدیک من آمد و سلام کرد و به گرمی با من دست داد و مرا در آغوش کشید و به سینه چسباند و به من خوش آمد گفت و فرمود: خیر است، کجا می روی؟

گفتم: زیارت کرده و اینک عازم بغداد هستم. گفت، شب جمعه است برگرد به کاظمین (و امشب را در آنجا بمان) ! گفتم: نمی توانم! گفت، می توانی، برگرد تا گواهی دهم که از دوستان جدّم امیرالمؤمنین (علیه السلام) و از

دوستان ما هستی و شیخ نیز گواهی می دهد. خداوند می فرماید: «وَأَسْتَشْهَدُوا شَهِيدِينَ»^۳ [= دو نفر را شاهد بگیرید]. حاج علی بغدادی می گوید: من پیش از این از آیه الله آل یاسین خواسته بودم که برای من سندی بنویسد و در آن گواهی کند که من از شیعیان و دوستان اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) هستم تا آن نامه را در کفن خویش قرار دهم. از سید پرسیدم: از کجا مرا شناختی و چگونه این گواهی را می دهی؟! فرمود: چگونه انسان کسی را که حق او را به طور کامل می دهد نمی شناسد؟! گفتم: کدام حق؟! فرمود: همان حقوقی که به و کیل من دادی. گفتم: و کیل شما کیست؟ فرمود: شیخ محمد حسن! گفتم: آیا او و کیل شماست؟ فرمود: آری.

از گفتار او شگفت زده شدم. فکر کردم میان من و او، دوستی دیرینه ای است که من فراموش کرده ام زیرا در برخورد اول مرا به نام صدا زد! و گمان کردم از من توقع دارد که مبلغی از آن خمس که بر عهده دارم بدان جهت که از نسل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) است به او تقدیم کنم. بنابراین گفتم: از حقوق شما فرزندان پیامبر مقداری نزد من هست و اجازه گرفته ام که آن را مصرف کنم. تبسم کرد و گفت: آری! مقداری از حقوق ما را به و کلای ما در نجف پرداختی. پرسیدم: آیا این کارم پذیرفته در گاه خداست؟ فرمود: آری!

به خود آمدم که چگونه این سید، بزرگترین علمای عصر را، و کیل خود می خواند. اما بار دیگر دچار غفلت شدم و موضوع را فراموش کردم!

گفتم: سرورم! آیا درست است که می گویند: هر کس در شب جمعه امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند [از عذاب خدا] در امان خواهد بود. گفت: آری! و در همان حال دیدگانش پر از اشک شد و گریست. چیزی نگذشت که دیدم در حرم مطهر کاظمین (علیه السلام) هستیم بی آنکه از خیابانها و راههایی که به حرم می رسد، عبور کرده باشیم. کنار در ورودی ایستادیم. گفت: زیارت بخوان! گفتم: سرورم من نمی توانم خوب بخوانم. گفت: آیا من بخوانم تا با من زیارت کنی؟ گفتم: آری!

او شروع کرد و بر پیامبر و یک یک امامان (علیهم السلام) سلام گفت و پس از نام مبارک امام عسکری (علیه السلام) رو به من کرد و گفت: آیا امام زمانت را می شناسی؟ گفتم: چگونه نمی شناسم؟! فرمود: پس بر او سلام کن! گفتم، «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا بَنَانَ الْحَسَنِ!» تبسم کرد و فرمود: «عَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

پس وارد حرم شدیم و ضریح را بوسیدیم. فرمود: زیارت بخوان. گفتم: سرورم، نمی توانم خوب بخوانم. فرمود: آیا برایت بخوانم؟ گفتم: آری! او زیارت مشهور به «امین الله» را خواند و آنگاه فرمود: آیا جدّم حسین (علیه السلام) را زیارت می کنی؟ گفتم: آری امشب شب جمعه و شب زیارتی امام حسین (علیه السلام) است. او زیارت مشهور امام حسین (علیه السلام) را خواند. هنگام نماز مغرب شد به من فرمود تا نماز را به جماعت بخوانم. پس از نماز آن بزرگوار از نظرم ناپدید شد و هر چه جستجو کردم او را ندیدم!!

تازه به خود آمدم و به یاد آوردم که سید مرا با نام و نشان صدا زد. خواست که به کاظمین برگردم و با اینکه نمی خواستم بازگشتم. فقهای بزرگ را و کیل خود خواند و سرانجام نیز به صورت ناگهانی پنهان شد. پس از این اندیشه دریافتم که آن حضرت امام عصر (علیه السلام) بوده است و دریغا که دیر او را شناختم.^۴

طول عمر

از مباحث مربوط به زندگی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) طول عمر آن بزرگوار است. برای بعضی این سؤال مطرح است که چگونه ممکن است انسانی، عمری چنین طولانی داشته باشد؟!^۶

سرچشمه این سؤال و علت طرح آن این است که آنچه در جهان امروز، معمول و متداول است عمرهای محدودی است که حداکثر بین ۸۰ تا ۱۰۰ سال طول می کشد^۶ و بعضی با دیدن و شنیدن اینگونه عمرها، نمی توانند یک عمر طولانی را باور کنند یا آن را دور می شمارند. و گرنه عمر طولانی از نظر عقل و دانش بشری امری غیر ممکن نیست و دانشمندان با مطالعه اجزاء بدن به این حقیقت رسیده اند که ممکن است انسان، سالهای بسیار طولانی زنده بماند و حتی گرفتار پیری و فرسودگی هم نشود.

برنارد شاو می گوید:

«از اصول علمی مورد پذیرش همه دانشمندان بیولوژیست، این است که برای عمر بشر نمی توان حدی تعیین کرد و حتی دیرزیستی نیز مسئله مرزناپذیری است.»^۷

پروفسور «اتینگر» می نویسد:

«به نظر من با پیشرفت تکنیکها و کاری که ما شروع کرده ایم بشر قرن بیست و یکم خواهد توانست هزاران سال عمر کند.»^۸

بنابراین تلاش دانشمندان برای دست یافتن به راههای غلبه بر پیری و رسیدن به دراز عمری نشانگر امکان چنین پدیده ای است چنانکه در این مسیر گامهای موفقیت آمیزی برداشته شده است و هم اکنون در گوشه و کنار جهان کم نیستند افرادی که بر اثر شرایط مناسب آب و هوایی و تغذیه مناسب و فعالیت مناسب بدنی و فکری و عوامل دیگر، عمری نزدیک به صدوپنجاه سال و گاهی بیشتر از آن دارند مهم تر اینکه عمر طولانی در گذشته تاریخ انسانها بارها تجربه شده است و در کتابهای آسمانی و تاریخی، انسانهای زیادی با نام و نشان و شرح حال یاد شده اند که مدت عمر آنها بسیار درازتر از عمر بشر امروز بوده است.

در این زمینه کتابها و مقالات متعددی نوشته شده است که برای نمونه چند مورد را بیان می کنیم:

۱. در قرآن آیه ای هست که نه تنها از عمر طولانی بلکه از امکان عمر جاویدان خبر می دهد و آن آیه درباره حضرت یونس (علیه السلام) است که می فرماید:

«اگر او (یونس علیه السلام) در شکم ماهی تسبیح نمی گفت، تا روز رستاخیز در شکم ماهی می ماند.»^۹

بنابراین از نظر قرآن عمری بسیار طولانی (از عصر یونس علیه السلام) تا روز رستاخیز) که در اصطلاح زیست شناسان عمر جاویدان نامیده می شود برای انسان و ماهی امکان پذیر است.^{۱۰}

۲. قرآن کریم در مورد حضرت نوح (علیه السلام) می فرماید:

«به راستی ما نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس ۹۵۰ سال در میان آنها درنگ نمود.»^{۱۱}

آنچه در آیه شریفه آمده است مدت پیامبری آن حضرت است و براساس برخی روایات، مدت عمر آن بزرگوار ۲۴۵۰ سال بوده است!^{۱۲}

جالب اینکه در روایتی از امام سجاد (علیه السلام) نقل شده است که فرمود:

«در امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سنت و شیوه ای از زندگی حضرت نوح (علیه السلام) است و آن

طول عمر است.»^{۱۳}

۳. و نیز درباره حضرت عیسی (علیه السلام) می فرماید:

«... و هرگز او را نکشتند و به دار نیاویختند بلکه امر به آنها مشتبه شد... به یقین او را نکشتند بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد که خداوند توانا و فرزانه است.»^{۱۴}

همه مسلمانان به استناد قرآن و احادیث فراوان معتقدند که عیسی (علیه السلام) زنده است و در آسمان هاست و به هنگام ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرود آمده و او را یاری خواهد کرد. امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«در صاحب این امر (مهدی) (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چهار سنت از چهارتن از پیامبران است... و از عیسی (علیه السلام) سنتی دارد و آن اینکه: (درباره مهدی نیز) می گویند: او مرده است در حالی که او زنده می باشد.»^{۱۵}

علاوه بر قرآن در تورات و انجیل نیز سخن از عمرهای طولانی مطرح گردیده است. در تورات آمده است که:

«... تمام ایام آدم که زیست نهصد و سی سال بود که مُرد... جمله ی ایام «انوش» نهصد و پنج سال بود که مُرد... و تمامی ایام «قینان» نهصد و ده سال بود که مُرد... پس جمله ی ایام «متوشالحو» نهصد و شصت و نه سال بود که مُرد...»^{۱۶}

بنابراین تورات صریحاً به وجود افرادی با داشتن عمرهای طولانی (بیش از نهصد سال) اعتراف می کند. در انجیل نیز عباراتی موجود است که نشانگر آن است که عیسی (علیه السلام) پس از به دار کشیده شدن زنده گردیده و به آسمان بالا رفته است.^{۱۷} و در روزگاری فرود خواهد آمد و مسلم است که عمر آن بزرگوار از دو هزار سال بیشتر است.

با این بیان روشن می شود که پیروان دو آئین یهود و مسیحیت باید به علت اعتقاد به کتاب مقدس به عمرهای طولانی نیز معتقد باشند.

گذشته از اینکه طول عمر از نظر علمی و عقلی پذیرفتنی است و در گذشته تاریخ، موارد بسیار دارد، در مقیاس قدرت بی نهایت خداوند نیز قابل اثبات است. به اعتقاد همه پیروان ادیان آسمانی تمام ذرات عالم در اختیار خداوند است و تأثیر همه سببها و علّتها به اراده او بستگی دارد و اگر او نخواهد سببها از تأثیر باز می ماند و نیز بدون سبب و علّت طبیعی، ایجاد می کند و می آفریند.

او خدایی است که از دل کوه، شتری بیرون می آورد و آتش سوزنده را بر ابراهیم (علیه السلام) سرد و سلامت می سازد و دریا را برای موسی و پیروانش خشک می کند و آنها را از میان دو دیوار آبی عبور می دهد!^{۱۸} آیا از اینکه به عصاره انبیاء و اولیاء و آخرین ذخیره الهی و نهایت آمال و آرزوی همه نیکان و تحقق بخش وعده بزرگ قرآن عمری طولانی بدهد، ناتوان خواهد بود؟! امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمود:

«... خداوند عمر او را (مهدی) (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دوران غیبتش طولانی می گرداند، سپس به قدرت خدایی اش او را در سیمای جوانی زیر چهل سال آشکار می سازد تا مردمان دریابند که خداوند بر هر کاری

تواناست.^{۱۹}

بنابراین جریان طول عمر امام دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از ابعاد مختلف عقلی و علمی و تاریخی امری ممکن و پذیرفتنی است و پیش از همه اینها از جلوه‌های اراده خداوند بزرگ و تواناست.

خلاصه درس

- ملاقات با امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در زمان غیبت کبری گاهی در حالت اضطرار و گاهی در حالت عادی ممکن است رخ دهد.
- شرط تحقق ملاقات و تشریف به محضر حضرت، اذن آن حضرت و وجود مصلحت است نه علاقه و اشتیاق تنها.
- گرچه دیدن جمال حضرت بسیار محبوب و مطلوب است ولی آنچه وظیفه شیعیان در عصر غیبت است عمل به تکلیف است.
- موضوع طول عمر و دیر زیستی هم از نظر علمی توجیه پذیر است، هم نمونه‌های تاریخی دارد و هم شواهد قرآنی و روایی.

معرفی منابع جهت مطالعه و پژوهش

۱. الغيبة - شیخ طوسی
۲. منتخب الانوار المضيئة - نیلی نجفی
۳. راز پنهانی و رمز پیدائی - سیدمحمد بنی هاشمی
۴. سیمای آفتاب - حبیب الله طاهری
۵. فصلنامه مشرق موعود - شماره ۲ مقاله تأملی در باب ارتباط و ملاقات

۱. رک: *جَنَّةُ الْمَأْوَى وَالنَّجْمُ الثَّاقِبُ*، محدث نوری.
۲. *کمال الدین*، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴، ص ۲۳۹.
۳. سوره بقره، آیه ۲۸۲.
۴. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۳۱۵ و *النجم الثاقب*، داستان ۳۱.
۵. اکنون در سال ۱۴۲۵ هجری قمری هستیم و با توجه به اینکه تولد امام مهدی در سال ۲۵۵ هجری قمری واقع شده است، پیشوای ما هم اکنون ۱۱۷۰ سال دارد.
۶. البته هم اکنون عمرهای بالای صد سال هم یافت می شود که به نسبت بسیار کم است.
۷. *راز طول عمر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)* علی اکبر مهدی پور، ص ۱۳.
۸. *مجله دانشمند*، سال ۶، ش ۶، ص ۱۴۷.
۹. سوره الصافات، آیه ۱۴۴.
۱۰. خوشبختانه کشف ماهی / ۴۰۰ میلیون ساله در سواحل ماداگاسکار امکان چنین عمری را برای ماهی، عینی کرد (کیهان، ش ۶۴۱۳ - ۴۳/۸/۲۲).
۱۱. سوره عنکبوت، آیه ۱۴.
۱۲. *کمال الدین*، ج ۲، باب ۴۶، ح ۳، ص ۳۰۹.
۱۳. *کمال الدین*، ج ۱، باب ۲۱، ح ۴، ص ۵۹۱.
۱۴. سوره نساء، آیه ۱۵۷.
۱۵. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۲۱۷.
۱۶. *تورات* (ترجمه ی فاضل خانی)، سفر پیدایش باب پنجم، آیات ۵ - ۳۲.
۱۷. *عهد جدید*، کتاب اعمال رسولان، باب اول، آیات ۱ - ۱۲.
۱۸. اینها حقایقی است که در قرآن کریم آمده است: سوره انبیاء، آیه ۶۹ و سوره شعراء، آیه ۶۳.
۱۹. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۱۰۹.

درس نهم

انتظار

اهداف:

- شناخت معنای صحیح انتظار
- توجه به بایسته‌های انتظار

فوائد:

- آشنائی با مفهوم انتظار در اندیشه شیعی
- شناخت معیارهای انتظار
- تلاش برای اصلاح و خودسازی جهت زمینه سازی ظهور

مطالب آموزشی:

- حقیقت انتظار
- ویژگی‌های انتظار مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۳. وظایف منتظران ظهور

انتظار سبز

وقتی ابرهای تیره، چهره خورشید را پوشانده و دشت و دَمَن از دست بوسی آفتاب محروم گردیده و سبزه و گل از دوری مهر عالم تاب پژمرده است چاره چیست؟ زمانی که عصاره آفرینش و خلاصه خوبی‌ها و آینه زیبایی‌ها رخ در نقاب غیبت کشیده و جهانیان از فیض حضور او بی نصیب مانده‌اند چه می‌توان کرد؟

گل‌های باغ چشم به راهند تا سایه باغبان مهربان را بر سر خود ببینند و از دستان پر مهر او آب حیات بنوشند و دل‌های مشتاق، بی تاب چشم‌های اویند تا عنایت شور آفرین او را لمس کنند و اینجاست که «انتظار» شکل می‌گیرد. آری، همه منتظرند تا او بیاید و سبزی و نشاط را به ارمغان آورد.

به راستی «انتظار» چه زیبا و شیرین است اگر زیبایی آن در نظر آید و شیرینی آن در کام دل، چشیده شود.

حقیقت انتظار و جایگاه آن

برای «انتظار» معانی گوناگونی گفته‌اند و لی با دقت و تأمل در این کلمه می‌توان به حقیقت معنی آن پی برد. انتظار، چشم به راه بودن است و این چشم به راهی به تناسب بستر و زمینه آن ارزش پیدا می‌کند و آثار و پیامدهایی دارد. انتظار تنها یک حالت روحی و درونی نیست بلکه از درون به بیرون سرایت می‌کند و حرکت و اقدام را می‌آفریند. به همین دلیل است که در روایات، انتظار به عنوان یک عمل و بلکه بهترین اعمال، معرفی شده است. انتظار به «منتظر» شکل می‌دهد و به کارها و تلاش‌های او جهت خاصی می‌بخشد.

بنابراین «انتظار» با نشستن و دست روی دست گذاشتن، نمی‌سازد. انتظار با چشم به در دوختن و حسرت خوردن، تمام نمی‌شود؛ بلکه در حقیقت انتظار، حرکت و نشاط و شور آفرینی نهفته است.

آنکه در انتظار مهمان عزیزی است، سر از پا نمی‌شناسد و در تلاش است تا خود و محیط اطراف خود را برای آمدن مهمان، آماده کند و موانع حضور او را بر طرف سازد.

سخن درباره انتظار رویدادی بی نظیر است که در زیبایی و کمال، نهایت ندارد. انتظار روزگاری است که در سبزی و خرمی در تمامی روزگاران گذشته مثالی نداشته است و جهان چنان دوران زیبایی را هرگز تجربه نکرده است. این همان انتظار حکومت جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که در روایات، از آن به «انتظار فرج» یاد شده است و آن را از بهترین اعمال و عبادات، بلکه پشتوانه قبولی همه اعمال، شمرده است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«بهترین اعمال امت من، انتظار فرج است.»^۱

امام صادق (علیه السلام) به یاران خود فرمود:

«آیا شما را از چیزی آگاه نکنم که خداوند بدون آن هیچ عملی را از بندگان نمی‌پذیرد؟ گفتند: بفرمایید. فرمود:

گواهی به یگانگی خدا و نبوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) و اقرار به آنچه خدا امر فرموده و ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما - یعنی ما امامان بخصوص - و تسلیم شدن در برابر ایشان (=امامان) و پرهیزکاری و کوشش و خویشتن داری و انتظار قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)»^۲

بنابراین «انتظار فرج» انتظاری است که ویژگیهای خاص و منحصر به فرد دارد که لازم است به خوبی دانسته شود تا رمز و راز آن همه فضیلت و آثار که برای آن خواهیم شمرد آشکار گردد.

ویژگی‌های انتظار مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

گفتیم که «انتظار» امری فطری است و برای همگان در هر قوم و آیینی که باشند وجود دارد اما انتظارهای معمولی که در جریان زندگی افراد و حتی جامعه‌ها وجود دارد هر اندازه بزرگ و با اهمیت باشد در مقایسه با انتظار موعود جهانی، کوچک و بی مقدار است زیرا که انتظار ظهور او ویژگی‌های خاص خود را دارد:

انتظار مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انتظاری است که از ابتدای عالم آغاز شده است یعنی از زمان‌های بسیار دور، انبیاء و اولیاء نوید ظهور او را داده‌اند و در زمان‌های نزدیک تر، همه امامان ما، آرزوی روزگار دولت او را داشته‌اند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«اگر او را درک می‌کردم، تمام عمر به او خدمت می‌کردم.»^۳

انتظار مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انتظار مصلح جهانی است. انتظار حکومت عدل جهانی است و انتظار تحقق همه خوبی‌ها است. در این انتظار، بشریت چشم به راه است تا آنچه را بر اساس فطرت پاک خدایی، در آرزوی آن بوده و هیچگاه به صورت کامل به آن دست نیافته است، ببیند و مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همان است که عدالت و معنویت، برادری و برابری، عمران و آبادی زمین و امنیت و صلح و عصر شکوفایی عقل و دانش بشری را برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورد و برچیدن بساط استعمار و بردگی انسان‌ها و نفی هر گونه ستم و ستمگری و رهایی اجتماع از انواع فسادهای اخلاقی، ره آورد حاکمیت اوست.

انتظار مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انتظاری است که تنها با فراهم شدن زمینه‌های شکوفایی آن، خواهد شکفت و آن زمانی است که همه انسان‌ها در طلب منجی و مصلح آخر الزمان باشند. او می‌آید تا با همکاری و همیاری یارانش علیه بدی‌ها قیام کند نه اینکه تنها با معجزه کار جهان را سامان دهد.

انتظار مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در منتظرانش شوق یاری و همراهی او را ایجاد می‌کند و به انسان هویت و حیات می‌بخشد و او را از پوچی و بی‌هدفی نجات می‌دهد.

آنچه گفته شد بخشی از ویژگی‌های آن انتظاری است که به وسعت همه تاریخ است و ریشه در جان همه انسان‌ها دارد و هیچ انتظار دیگری به خاک پای این انتظار سترگ نمی‌ارزد. بنابراین جا دارد که ابعاد و آثار فراوان انتظار مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بشناسیم و درباره وظایف منتظران ظهور او و پاداش بی نظیر آنها سخن بگوییم.

ابعاد انتظار

انسان از زوایای مختلف دارای ابعاد گوناگون است: از سویی از بُعد نظری و عملی برخوردار است و از سوی

دیگر دارای بُعد فردی و اجتماعی است و از زاویه‌ای دیگر در کنار بُعد جسمی، بُعد روحی و روانی دارد. بدون تردید در همه ابعاد یاد شده نیاز به چارچوب مشخصی است تا در قالب آن راه صحیح زندگی باز شود و مسیرهای انحرافی به روی آدمی بسته گردد. و آن راه درست همان مسیر انتظار است.

انتظار موعود جهانی در همه ابعاد زندگی منتظر تأثیر می‌گذارد. در بعد فکری و نظری که زیر بنای اعمال و رفتار انسان است، باورهای اساسی حیات آدمی را در حصار خود حفظ می‌کند. به بیان دیگر انتظار صحیح می‌طلبد که منتظر، بنیان‌های اعتقادی و فکری خود را تقویت کند تا در دام مکتب‌های انحرافی گرفتار نشود و یا به خاطر طولانی شدن دوره غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به چاه یأس و ناامیدی سقوط نکند.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«روزگاری بر مردم خواهد آمد که امام ایشان غایب خواهد شد پس خوشا به حال آنان که در آن زمان، بر امر (ولایت) ما ثابت و استوار بمانند.»^۴

یعنی در دوره غیبت که دشمنان با انواع شبهه‌ها می‌کوشند تا اعتقادات درست شیعیان را از بین ببرند به برکت قرار گرفتن در سنگر انتظار مرزهای عقیدتی حفظ می‌شود.

در بُعد عملی، انتظار به همه اعمال و رفتار انسان جهت می‌دهد. منتظر باید در میدان عمل بکوشد تا زمینه‌های ظهور دولت حق فراهم گردد. بنابراین، منتظر در این بخش هم به ساختن خود و هم به سامان دادن جامعه همت می‌گمارد. در بُعد فردی هم به حیات روحی و روانی خود و کسب فضیلت‌های اخلاقی روی می‌آورد و هم به تقویت جنبه جسمی و بدنی می‌پردازد تا نیرویی کارآمد برای جبهه نور باشد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«... کسی که دوست دارد از یاران قائم (علیه السلام) باشد پس منتظر باشد و در حال انتظار پرهیزگاری پیشه کند و به اخلاق نیکو آراسته گردد...»^۵

ویژگی «انتظار» آن است که آدمی را از محدوده خود فراتر می‌برد و او را با تک تک افراد جامعه مرتبط می‌سازد. یعنی انتظار نه تنها در زندگی فردی منتظر مؤثر است که در حوزه رابطه فرد با جامعه نیز طرح و برنامه دارد و او را به تأثیر گذاری مثبت در جامعه و او می‌دارد و از آنجا که شرط ظهور دولت حق آمادگی جمعی است، هر کسی به اندازه توان خود برای اصلاح جامعه می‌کوشد و در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی ساکت و بی تفاوت نمی‌ماند، چرا که منتظر مصلح جهانی در اندیشه و عمل، مسیر صلاح و راستی را طی می‌کند.

کوتاه سخن اینکه «انتظار» جریان مبارکی است که در تمام مویرگ‌های حیات فرد و اجتماع منتظر جاری است و در همه عرصه‌های زندگی، رنگ الهی به انسان و حیات او می‌بخشد و چه رنگی از رنگ الهی بهتر و ماندگارتر؟! قرآن کریم می‌فرماید:

﴿... صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنَ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً...﴾^۶؛

رنگ الهی (بگیرید) و چه چیز از رنگ الهی داشتن نیکوتر است؟!۱

با توجه به آنچه گذشت، وظایف منتظران مصلح کل، چیزی جز همان «رنگ خدایی داشتن» نیست که به برکت انتظار در جای جای زندگی فردی و جمعی آنها جلوه گر می‌شود. و با این نگاه، دیگر آن وظایف بر دوش ما - منتظران - سنگینی نخواهد داشت بلکه به عنوان جریان شیرینی که به همه زوایای زندگی ما معنی و مفهومی زیبا

بخشیده است، به حساب می آید. به راستی اگر فرمانروای ملک مهربانی و امیر کاروان مهرورزی تو را به عنوان سربازی شایسته برای خیمه ایمان خواسته باشد و حضور تو را در سنگر حق، انتظار کشد، چگونه خواهی بود؟ آیا باید بر تو تکالیفی را تحمیل کنند که چنین و چنان باش و این کار و آن کار را انجام ده یا تو خود راه انتظار را شناخته‌ای و برای همان مقصدی که برگزیده‌ای گام خواهی زد؟!

وظایف منتظران

در روایات و بیانات پیشوایان دین وظایف فراوانی برای منتظران ظهور بیان گردیده است که در اینجا مهمترین آنها را بیان می کنیم.

شناخت امام

پیمودن جاده انتظار بدون شناختن امام منتظر ممکن نیست. استقامت و پایداری در وادی انتظار وابسته به درک صحیح از پیشوای موعود است. بنابراین علاوه بر شناخت امام به اسم و نسب، لازم است نسبت به جایگاه امام و رتبه و مقام او نیز آگاهی کافی بدست آورد.

ابونصر که از خدمتگذاران امام حسن عسکری (علیه السلام) است، پیش از غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضور آن حضرت می رسد. امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از او می پرسد: آیا مرا می شناسی؟ پاسخ می دهد: آری، شما سرور من و فرزند سرور من هستید! امام (علیه السلام) می فرماید: مقصود من چنین شناختی نبود؟! ابونصر می گوید: (مقصود شما چیست) خودتان بفرمایید.

امام (علیه السلام) می فرماید:

«من آخرین جانشین پیامبر خدا هستم و خداوند به (برکت) من بلا را از خاندان و شیعیانم دور می کند.»^۷
اگر معرفت امام برای منتظر حاصل شود، او از هم اکنون خود را در جبهه امام می بیند و احساس می کند که در خیمه امام و کنار او قرار گرفته است. بنابراین لحظه‌ای در تلاش برای تقویت جبهه امام خویش کوتاهی نمی کند.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«...مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ، تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ»^۸؛

کسی که بمیرد در حالی که امام خود را شناخته باشد، جلو افتادن یا تأخیر امر (ظهور) به او زیان نمی رساند و کسی که بمیرد و حال آنکه امام خود را شناخته است مانند کسی است که در خیمه امام و همراه او بوده است.

گفتنی است که این معرفت و شناخت چنان مهم است که در کلام معصومین (علیهم السلام) آمده است که برای بدست آوردن آن، لازم است از خداوند طلب یاری شود.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«... در زمان غیبت طولانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باطل گرایان (در اعتقاد و دین خود) به شک و تردید گرفتار می شوند. زراره، از یاران خاص امام گفت: اگر آن زمان را شاهد بودم چه عملی انجام دهم؟»

امام صادق (علیه السلام) فرمود: ... این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.»^۹

آنچه تا کنون مطرح شد معرفت نسبت به جایگاه امام در مجموعه نظام هستی است.^{۱۰} او حجت پروردگار و جانشین به حق پیامبر و پیشوای همه مردم است که اطاعت او بر همگان واجب است چرا که اطاعت از او همان اطاعت از خداست.

یکی دیگر از ابعاد معرفت امام، شناختن سیره و صفات امام است^{۱۱} و این بُعد از شناخت، تأثیر عملی گسترده‌ای در رفتار و خلق و خوی منتظر می‌گذارد و بدیهی است که هر اندازه معرفت انسان به زوایای گوناگون زندگی امام و حجت الهی بیشتر و عمیق‌تر باشد، آثار آن در بخش‌های گوناگون زندگی او بیشتر خواهد بود.

الگوپذیری

وقتی معرفت به امام و جلوه‌های زیبای رفتاری آن بزرگوار به دست آمد، سخن از پیروی و الگوگرفتن از آن مظهر کمالات به میان می‌آید.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«خوشابه حال آنکه قائم خاندان مرا درک کند در حالی که پیش از دوران قیام، به او و امامان قبل از او اقتدا کرده و از دشمنان ایشان، اعلام بیزاری کرده باشد. آنان دوستان و همراهان من و گرامی‌ترین امت من، در نزد من هستند.»^{۱۲}

به راستی آن کس که در تقوا، عبادت، ساده زیستی، سخاوت، صبر و همه فضائل اخلاقی دنباله رو امام و مراد خویش است چه رتبه بلندی نزد آن رهبر الهی خواهد داشت و آنگاه که به حضور مقدسش بار یابد چه سربلند و سرفراز خواهد بود؟!

آیا جز این است که منتظری که در طلب زیباترین پدیده عالم است خود را به خوبی‌ها می‌آراید و از زشتی‌ها و رذائل اخلاقی دوری می‌کند و در مسیر انتظار همواره مراقب افکار و اعمال خویش است؟! و گرنه افتادن به دام بدیها رفته رفته فاصله او و معشوق خوبان را زیاده‌تر خواهد کرد و این حقیقتی است که در بیان هشدار دهنده آن امام موعود آمده است:

«فَمَا يَحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ»^{۱۳}؛

هیچ چیز ما را از شیعیان جدا نکرده است مگر آنچه از کارهای ایشان که به ما می‌رسد. اعمالی که خوشایند ما نیست و از شیعیان انتظار نداریم!

نهایت آرزوی منتظران آن است که در برپایی دولت مهدوی و حکومت عدل جهانی سهمی داشته باشند و افتخار یابوری و همراهی آخرین حجت حق را بدست آورند ولی مگر نیل به چنین سعادت بزرگی جز با خودسازی و آراستگی اخلاقی میسر است؟!

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ»^{۱۴}

هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم (علیه السلام) باشد باید منتظر باشد و در حال انتظار به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید.

و روشن است که در مسیر تحقق چنین خواسته‌ای هیچ الگو و نمونه‌ای برتر از آن امام بزرگوار که آینه تمام زیبایی هاست یافت نمی‌شود.

یاد امام

آنچه منتظران را در کسب معرفت امام و پیروی از آن بزرگوار یاری می دهد و پایداری در راه انتظار را به دنبال دارد؛ پیوستگی و ارتباط مداوم با آن طیب جانها است.

به راستی وقتی آن امام مهربان امت، همیشه و همه جا به حال شیعیان خود نظر دارد و لحظه ای آنها را از یاد نمی برد آیا رواست که دلدادگان روی او به دنیا و تعلقات آن سرگرم شوند و از آن عزیز، غافل و بی خبر بمانند؟ یا راه و رسم دوستی و محبت آن است که در همه حال او را بر خود و دیگران مقدم بدارند. وقتی بر سجاده دعا می نشینند از او آغاز نمایند و برای سلامتی و فرج آن حضرت دعا کنند که آن بزرگوار خود فرمود:

«برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که فرج شما در همان است.»^{۱۵}

و همواره باید زمزمه کنند:

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّىٰ تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا»؛

«خدایا برای ولی خود، حجة بن الحسن که درود تو بر او و خاندانش باد در این ساعت و در همه ساعات سرپرست و نگهبان و رهبر و یاور و راهنما و دیده بان باش تا [آن زمان که] او را در زمین خود با میل و رغبت جای دهی و برای مدتی طولانی او را در زمین بهره مند سازی.»

منتظر حقیقی، در هنگام صدقه دادن، ابتدا سلامتی وجود شریف امام خود را در نظر می گیرد و به هر بهانه دست تو سَل به دامن پر مهر او می زند و به اشتیاق ظهور مبارک او و دیدن جمال بی مثالش ناله سر می دهد.

«عَزِيزٌ عَلٰى اَنْ اَرٰى الْخَلْقَ وَلَا تُرٰى»^{۱۷}؛

سخت است بر من که همه را ببینم و تو دیده نشوی!!

رهرو راه انتظار در مجالسی که به نام آن محبوب دلها تشکیل می شود حضور می یابد تا ریشه های محبت او را در دل خود محکم تر کند و به مکان هایی مانند مسجد سهله و مسجد جمکران و سرداب مقدس که منسوب به امام عصر (علیه السلام) است رفت و آمد می کند.

و از زیباترین جلوه های یاد امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در زندگی منتظران ظهورش آن است که هر روز با او تجدید عهد کرده و پیمان وفاداری ببندند و استواری خود را بر آن عهد اعلام کنند.

در فرازی از دعای عهد چنین می خوانیم:

«اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَجَدُّ لَهٗ فِی صَبِيْحَةٍ یَوْمِیْ هٰذَا وَ مَا عَشْتُ مِنْ اٰیَمِیْ عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَیْعَةً لَهٗ فِی عُنُقِیْ لَا اَحْوَلَ عَنْهَا وَلَا اَزُوْلَ اَبَدًا
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِیْ مِنْ اَنْصَارِهِ وَ اَعْوَانِهِ وَ الذَّالِّیْنَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِیْنَ اِلَیْهِ فِی قِضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ الْمُتَمَثِّلِیْنَ لِاَمْرِهِ وَ الْمُحَامِلِیْنَ عَنْهُ وَ السَّابِقِیْنَ
اِلٰی اِرَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِیْنَ بَیْنَ یَدَیْهِ»^{۱۸}

بار خدایا من در بامداد این روز و تمام دوران زندگیم، عهد و پیمان و بیعتی را که از آن حضرت بر گردن دارم با او تجدید می کنم، که هرگز از آن عهد و بیعت برنگردم و بر آن پایدار بمانم. بار خدایا مرا از یاران و کمک کاران آن حضرت و مدافعان از حریم مقدس او و شتاب کنندگان به سوی او برای انجام خواسته هایش و اطاعت کنندگان از دستوراتش و حمایت کنندگان از وجود شریفش و سبقت جوینان به سوی خواسته اش و شهیدان در رکاب حضرتش قرار ده.

اگر کسی پیوسته این عهد را بخواند و از عمق جان به مضامین آن پای بند باشد هرگز به سستی گرفتار نمی شود و

در تحقق آرمان‌های امام خود و زمینه سازی برای ظهور آن بزرگوار لحظه‌ای از پای نمی‌نشیند. و به راستی که شایسته حضور در میدان یاری آن ذخیره الهی خواهد بود.
امام صادق(علیه السلام) فرمود:

«هر کس چهل بامداد خدا را با این عهد بخواند از یاوران قائم ما خواهد بود. و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند او را از قبرش بیرون آورد [و قائم(علیه السلام) را یاری دهد]...».

وحدت و همدلی

از وظایف تک تک افراد قبیله انتظار که بگذریم، جمعیت منتظران نیز باید طرح و برنامه‌ای داشته باشند که در راستای اهداف امام و حجّت الهی باشد. به بیان دیگر اجتماع منتظر لازم است که تلاش و حرکت خود را در مسیر رضایت رهبر موعود قرار دهد.

بنابراین جامعه منتظر بر آن است که عهد و پیمان خود با امام را به انجام رساند تا زمینه مناسب برای ظهور دولت مهدوی فراهم شود.

امام عصر(علیه السلام) در یکی از بیانات خود به چنین جمعیتی اینگونه بشارت داده است:

«اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را در راه اطاعتش یاری دهد - در وفای پیمانی که از ایشان گرفته شده، یکدل و مصمم باشند؛ البتّه نعمت دیدار، از آنان به تأخیر نمی‌افتد و سعادت ملاقات ما برای آنها با معرفت کامل و راستین نسبت به ما، تعجیل می‌گردد.»^{۱۹}

و آن عهد و پیمان همان است که در کتاب خدا و سخنان نمایندگان خدا آمده است که مهمترین آنها را بیان می‌کنیم:

۱. تلاش در جهت پیروی از امامان(علیهم السلام) و دوستی با دوستان ائمه(علیهم السلام) و بیزاری جستن از دشمنان آنها.

امام باقر(علیه السلام) از پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) روایت کرده که فرمود:

«خوشا حال آنکه قائم خاندان مرا در رک کند در حالی که پیش از قیام، از او پیروی کرده باشند. با دوستان او دوستی و با دشمنان او دشمنی نموده باشد. آنها رفیقان من و اهل دوستی و محبت من و گرمی ترین امت من نزد من در روز قیامت هستند!!»^{۲۰}

۲. جمعیت منتظران در مقابل بدعت‌ها و انحراف‌ها در دین و رواج منکرات و زشتی‌ها در سطح جامعه بی تفاوت نیستند و نیز در برابر فراموش شدن سنت‌های نیکو و ارزش‌های اخلاقی از خود واکنش نشان می‌دهند.

از پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله وسلم) روایت شده که فرمود:

«البته در پایان این امت (دوره ی آخر الزمان) گروهی خواهند بود که پاداش آنها همانند اجر امت اول اسلامی خواهد بود. آنها امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و با اهل فتنه (و فساد) می‌جنگند.»^{۲۱}

۳. جامعه منتظر در برخورد با دیگران وظیفه دارد که تعاون و همکاری را سر فصل برنامه‌های خود قرار دهد. و افراد این جامعه به دور از تنگ نظری و خود محوری، پیوسته حال فقراء و نیازمندان جامعه را پی گیری می‌کنند و از آنان بی خبر نمی‌مانند.

گروهی از شیعیان از امام باقر(علیه السلام) درخواست نصیحت کردند؛ حضرت فرمود:

«از میان شما آنکه نیرومند است، ضعیف را یاری کند و آنکه بی نیاز است با نیازمندان مهربانی ورزد و هر یک از شما نسبت به دیگری خیرخواهی کند.»^{۲۲}

گفتنی است که دایره این همکاری و همیاری محدود به محیطی که در آن زندگی می‌کنند نیست بلکه خیر و نیکی منتظران به محیط‌های دورتر و نیازمندان شهرهای دیگر نیز می‌رسد زیرا که در پرتو روح انتظار هیچ جدایی و دوگانگی بین افراد احساس نمی‌شود.

۴. افرادی که عضو جامعه منتظر هستند باید به جامعه رنگ و بوی مهدوی بدهند و نام و یاد امام را در همه عرصه‌ها بلند کنند و گفتار و کردار امام را به عنوان سرآمد همه سخنان و شیوه‌ها به نمایش عمومی بگذارند و در این راه با همه وجود بکوشند که بدون تردید مورد عنایت و لطف ویژه امامان (علیهم السلام) خواهند بود.

عبدالحمید واسطی از یاران امام باقر (علیه السلام) به آن حضرت می‌گوید:
«ما در انتظار امر فرج همه زندگی خود را وقف کردیم به گونه‌ای که برای بعضی از ما مشکلاتی را به همراه داشته است!»

امام (علیه السلام) در پاسخ او می‌فرماید:

«ای عبدالحمید، آیا گمان می‌کنی که خداوند راه‌هایی (از مشکلات) را برای آن بنده‌ای که خود را وقف خداوند کرده باشد قرار نداده است؟! آری به خدا قسم خداوند برای او راه چاره‌ای قرار خواهد داد. خداوند رحمت کند بنده‌ای را که امر (ولایت) ما را زنده دارد!»^{۲۳}

سخن آخر اینکه جامعه منتظر باید بکوشند که در همه ابعاد زندگی اجتماعی، الگوی سایر اجتماعات باشند و همه زمینه‌های لازم برای ظهور منجی موعود را فراهم کنند.

آثار انتظار

بعضی گمان کرده‌اند که انتظار مصلح جهانی، افراد را در حالت سکون و بی تفاوتی قرار می‌دهد و آنها که منتظرند تا اصلاحگری جهانی قیام کند و فساد و تباهی را بردارد، خود در مقابل بدیها و پلیدی‌ها واکنشی نخواهند داشت بلکه ساکت و بی تفاوت، دست روی دست خواهند گذاشت و تماشاگر جنایت‌ها خواهند بود!!

ولی این نگاه، یک نگاه سطحی و به دور از اندیشه و دقت است. زیرا با توجه به آنچه در حقیقت انتظار امام موعود و ویژگی‌های آن و نیز ابعاد انتظار و ویژگی‌های منتظران مطرح شد، روشن است که روحیه انتظار، آن هم با ویژگی‌های منحصر به فرد و جایگاه بی نظیر امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نه تنها سکون و سردی را به دنبال ندارد بلکه بهترین عامل حرکت و پویایی است.

انتظار، در منتظر غوغایی مبارک و حرکتی هدف دار پدید می‌آورد و هر چه منتظر، به حقیقت انتظار، نزدیک‌تر شود سرعت حرکت او به سوی مقصد بیشتر خواهد شد. در پرتو انتظار، آدمی از خود محوری رهایی می‌یابد و خود را جزئی از جامعه اسلامی می‌بیند؛ بنابراین می‌کوشد تا جامعه را در حد توان خود به صلاح و درستی نزدیک کند و وقتی جامعه‌ای از عناصری این چنین با هویت تشکیل یابد، اجتماعی در جهت ترویج فضیلت‌ها پدید می‌آید و حرکت عمومی به سوی اقامه خوبی‌ها، شکل می‌گیرد و در چنین محیطی که محیط صلاح و سازندگی و فضای امیدبخشی و نشاط و عرصه تلاش و همیاری و همکاری است، زمینه رشد باورهای دینی و بینش عمیق مهدوی در افراد جامعه پدید می‌آید و منتظران، که به برکت انتظار، در فساد محیط حل نشده‌اند بلکه هویت دینی و مرزهای

اعتقادی خود را حفظ کرده اند، در برابر سختی‌ها و مشکلات دوران انتظار بردباری می‌کنند و به امید تحقق وعده حتمی الهی بلاها را به جان می‌خرند و لحظه‌ای گرفتار سستی و یا ناامیدی نمی‌شوند.
راستی کدام مکتب و مذهبی را می‌شناسید که برای پیروان خود چنین مسیر روشنی را ترسیم کرده باشد؟! مسیری که با انگیزه‌ای الهی پیموده می‌شود و در نهایت پاداشی بس بزرگ را به ارمغان می‌آورد.

پاداش منتظران

خوشاحال آنانکه چشم به راه خوبی‌ها نشسته اند! چه بزرگ است پاداش آنان که به انتظار موعود جهانی روزگار می‌گذرانند و چه شکوهمند است رتبه و مقام آنان که منتظر حقیقی قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) هستند!
بجاست که در بخش پایانی از فصل انتظار، از فضیلت و رتبه بی نظیر جرعه نوشان جام انتظار سخن بگوییم و نمونه هایی از کلمات پیشوایان دین را بیاوریم.
امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«خوشا به حال شیعیان قائم ما (اهل بیت)، آنها که در دوران غیبت او، ظهورش را انتظار دارند و در ایام ظهورش سر به فرمان او می‌آورند. آنها دوستان خدایند که هیچ ترس و اندوهی برای ایشان نخواهد بود.»^{۲۴}
و چه افتخاری از این برتر که مدال دوستی پروردگار را بر سینه دارند. و چرا باید گرفتار غم و اندوه شوند و حال آنکه زندگی و مرگ آنها ارزشی گران پیدا کرده است.
امام سجاد (علیه السلام) فرمود:

«کسی که در زمان غیبت قائم ما بر ولایت ما استوار باشد خداوند پاداش هزار شهید از شهدای جنگ بدر و احد را به او خواهد داد.»^{۲۵}

آری آنان که در دوران غیبت بر ولایت امام زمان خود باقی بمانند و عهد و پیمان خود با آن بزرگوار را استوار دارند مانند رزمندگان هستند که در رکاب پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به نبرد با دشمنان خدا پرداخته و در آن صحنه به خون خود غلطیده اند!
منتظرانی که جان بر کف به انتظار یاری فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) ایستاده‌اند از هم اکنون در خیمه جنگ و در کنار امیر جبهه حق هستند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«اگر کسی از شما (شیعیان) بمیرد در حالی که منتظر امر (فرج) امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد همانند کسی است که در کنار قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و در خیمه اش بوده است! سپس اندکی درنگ کرد و فرمود: نه بلکه مانند کسی است که در کنار حضرت جنگیده و شمشیر زده است! سپس فرمود: نه به خدا قسم؛ بلکه مثل کسی است که در کنار رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به شهادت رسیده باشد.»^{۲۶}

این گروه همان جماعتی هستند که قرن‌ها پیش، پیامبر بزرگ خدا آنها را برادران و رفقاء خود خوانده است و دوستی و مودت قلبی خود را نسبت به ایشان اعلام کرده است.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«روزی پیامبر در حضور گروهی از اصحاب خود فرمود: خدایا برادران مرا به من نشان ده! و این جمله را دو بار فرمود: اصحاب حضرت گفتند: ای رسول خدا آیا ما برادران تو نیستیم؟!»

فرمود: خیر، شما اصحاب من هستید و برادران من قومی هستند در آخرالزمان؛ که به من ایمان می آورند و حال آنکه هرگز مرا ندیده اند! خداوند آنها را به اسم خود و پدرانشان به من معرفی کرده است... استواری هر یک از ایشان در دین خود از کندن خارهای گون در شب تاریک و به دست گرفتن آتش گداخته، سخت تر است. آنها مشعل های هدایت هستند که خداوند آنها را از فتنه های تیره و تاریک نجات می بخشد.»^{۲۷}

و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«خوشا حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند و حال آنکه پیش از قیامت به او اقتدا کرده باشد. با دوستان او دوستی و از دشمنان او بیزارگی جسته باشد و امامان پیش از او را نیز دوست داشته باشد. آنها رفقای من و صاحبان دوستی و مودت من و گرامی ترین امت من نزد من هستند.»^{۲۸}

و اینان که به چنین مقام و رتبه ای نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) دست یافته اند به شرف خطاب حضرت دوست مشرف می شوند! آن هم ندایی که مملو از محبت و عشق است و حکایت از نهایت تقرب و نزدیکی آنها به محضر حضرت حق دارد.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«روزگاری بر مردم می آید که امامشان غایب خواهد بود پس خوشا حال آنان که در آن زمان بر امر (ولایت) ما استوار بمانند. به راستی که کمترین پاداش آنها این است که حضرت پروردگار آنها را ندا می دهد که: ای بندگان من، به سر من (و امام غایب) ایمان آوردید و او را تصدیق کردید پس شما را بشارت باد به پاداش نیکوی من، شما به حقیقت بندگان من هستید. اعمال شما را می پذیرم و از خطاهای شما می گذرم و به (برکت) شما باران را بر بندگانم نازل می کنم و بلا را از ایشان می گردانم و اگر شما (در میان مردم) نبودید حتماً عذاب خود را [بر مردم گنهکار] می فرستادم.»^{۲۹}

ولی به راستی چه چیز منتظران را آرام می کند و انتظار آنها را پایان می دهد؟ چه چیز روشنی چشم ایشان است و دل بی قرار آنها را قرار و آرام می بخشد؟ آیا آنان که عمری به جاده انتظار چشم دوخته اند و در همین مسیر با همه سختی هایش راه پیموده اند تا به دشت سر سبز موعود منتظر پای گذارند به پاداشی کمتر از هم نشینی با محبوب و معشوق خود راضی می شوند؟! و چه فرجامی از این زیباتر و چه لحظه ای از این باشکوه تر!

امام کاظم (علیه السلام) فرمود:

«خوشا حال شیعیان ما، آنان که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان دوستی ما، چنگ زنی و بر دوستی، و بیزارگی از دشمنانمان استوار بمانند. آنها از ما هستند و ما از آنها. آنها به پیشوایی ما راضی شدند (و امامت ما را پذیرفتند) و ما نیز به شیعه بودن آنها راضی و خشنود شدیم. خوشا حال ایشان!! به خدا قسم اینان در قیامت با ما و در رتبه و درجه ما خواهند بود.»^{۳۰}

خلاصهٔ درس

- انتظار به معنای چشم به راه بودن است و لازمه آن عدم بی‌تفاوتی و تلاش در جهت رسیدن به هدف مورد انتظار است.
- در روایات انتظار ظهور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بعنوان بهترین عمل توصیف شده است.
- ویژگی‌های انتظار ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ایجاد انگیزه و شوق به سوی تحقق اهداف ظهور یعنی عدالت و شکوفایی را در روح منتظران پدید می‌آورد.
- انتظار ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در بُعد فردی و اجتماعی، آثار و ثمرات فراوانی به همراه دارد.
- مهم‌ترین وظایف منتظران، شناخت امام (علیه السلام) الگوپذیری، یاد حضرت و همگرایی است.
- بر اساس روایات، پاداش منتظران، مساوی با پاداش شهداء صدر اسلام شمرده شده است.

معرفی منابع جهت مطالعه و پژوهش

۱. تشیع و انتظار - محمدتقی خلجی
۲. سیمای آفتاب - حبیب الله طاهری
۳. انتظار و انسان معاصر - عزیزالله حیدری
۴. مکیال المکارم - موسوی اصفهانی
۵. نگاهی دوباره به انتظار - مجید حیدری نیک
۶. انتظار پویا - آیت الله آصفی
۷. فصلنامه انتظار - شماره ۱ و ۲
۸. خورشید مغرب - محمدرضا حکیمی

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.
 ۲. الغيبة نعمانی، باب ۱۱، ح ۱۶، ص ۲۰۷.
 ۳. الغيبة نعمانی، باب ۱۳، ح ۴۶، ص ۲۵۲.
 ۴. کمال الدین، ج ۱، ح ۱۵، ص ۶۰۲.
 ۵. الغيبة نعمانی، باب ۱۱، ح ۱۶، ص ۲۰۰.
 ۶. سوره بقره، آیه ۱۳۸.
 ۷. کمال الدین، ج ۲، ب ۴۳، ح ۱۲، ص ۱۷۱.
 ۸. اصول کافی، ج ۱، باب ۸۴، ح ۵، ص ۴۳۳.
 ۹. الغيبة نعمانی، باب ۱۰، فصل ۳، ح ۶ ص ۱۷۰؛ و نیز حاشیه *مفاتیح الجنان*، باب ششم، دعای زمان غیبت.
- رجمه دعا: «خدایا خودت را من بشناسان، برستی که اگر خود را به من شناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت. خدایا، پیامبرت را به من بشناسان، برستی که اگر پیامبرت را به من شناسانی، حجتت (و خلیفه پیامبرت) را نخواهم شناخت. خدایا حجت خود (امام زمان) را به من بشناسان، برستی که اگر حجت خود را به من شناسانی از دین خود گمراه خواهیم شد!!»
۱۰. درباره این موضوع در فصل اول کتاب، مباحثی بیان گردید.
 ۱۱. درباره سیره و صفات امام مهدی(علیه السلام) در فصل آینده سخن خواهیم گفت.
 ۱۲. کمال الدین، ج ۱، باب ۲۵، ح ۳، ص ۵۳۵.
 ۱۳. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.
 ۱۴. غیبت نعمانی، باب ۱۱، ح ۱۶، ص ۲۰۷.
 ۱۵. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴، ص ۲۳۷.
 ۱۶. *مفاتیح الجنان*، اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان.
 ۱۷. همان، دعای ندبه.
 ۱۸. همان، دعای عهد.
 ۱۹. احتجاج، ج ۲، ش ۳۶۰، ص ۶۰۰.
 ۲۰. کمال الدین، ج ۱، باب ۲۵، ح ۲، ص ۵۳۵.
 ۲۱. دلائل النبوة، ج ۶، ص ۵۱۳.
 ۲۲. بحارالانوار، ج ۵۲، باب ۲۲، ح ۵، ص ۱۲۳.
 ۲۳. بحارالانوار، ج ۵۲، باب ۲۲، ح ۱۶، ص ۱۲۶.
 ۲۴. کمال الدین، ج ۲، باب ۳۳، ح ۵۴، ص ۳۹.
 ۲۵. همان، ج ۲، باب ۳۱، ح ۶، ص ۵۹۲.
 ۲۶. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶.
 ۲۷. همان، ص ۱۲۳.
 ۲۸. کمال الدین، ج ۱، باب ۲۵، ح ۲، ص ۵۳۵.
 ۲۹. همان، باب ۳۲، ح ۱۵، ص ۶۰۲.
 ۳۰. همان، ج ۲، باب ۳۴، ح ۵، ص ۴۳.

درس دهم

شرایط و علایم ظهور

اهداف:

- شناخت عوامل و زمینه‌های ظهور
- آگاهی از نشانه‌های ظهور حضرت

فوائد:

- توجه به نقش انسان در زمینه‌سازی ظهور
- آگاهی نسبت به علائم ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۳. تکذیب مدعیان دروغین

مهدویت

مطالب آموزشی:

۱. مقدمه:

- نگاهی به وضعیت جهان در آستانه ظهور
- معنای شرایط و علایم و تفاوت‌های آن دو
- شرایط و زمینه‌های ظهور (عوامل دخیل در تحقق ظهور)
- علایم و نشانه‌های ظهور (نشانه‌های حتمی و غیر حتمی)

جهان در آستانه ظهور

در بخش‌های گذشته درباره غیبت امام دوازدهم و فلسفه آن سخن گفتیم. آن آخرین حجت پروردگار غایب شد تا پس از فراهم شدن زمینه‌ها ظاهر شود و جهان را از پرتو هدایت‌های مستقیم خود بهره مند سازد. بشریت می‌توانست در دوران غیبت، به گونه‌ای عمل کند که هر چه زودتر شرایط حضور امام را آماده سازد ولی به خاطر پیروی از شیطان و هوای نفس و دور ماندن از تربیت صحیح قرآنی و نپذیرفتن ولایت و راهبری معصوم (علیه السلام) به بیراهه رفت و هر روز بنای ستمی را در دنیا قرار داد و ظلم و تباهی را گسترده کرد. با انتخاب این مسیر، به سرانجام بسیار بدی رسید. جهانی پر از ظلم و جور، فساد و تباهی، روزگاری تهی از امنیت اخلاقی و روانی، حیاتی به دور از معنویت و پاکی و اجتماعی پر از تجاوزها و پایمال کردن حقوق زیردستان، محصول عملکرد انسان‌های دوران غیبت شد. واقعیتی که در کلام معصومین از قرن‌ها قبل، پیش بینی شده و تصویر سیاه آن، ترسیم گشته بود.

امام صادق (علیه السلام) به یکی از یاران خود فرمود:

«هنگامی که بینی ظلم و ستم فراگیر شده، قرآن فراموش گشته و از روی هوا و هوس تفسیر گردیده، اهل باطل بر اهل حق پیشی گرفته، افراد با ایمان سکوت اختیار کرده، پیوند خویشاوندی بریده شده، چاپلوسی فراوان گشته، راههای خیر بدون رهرو و راههای شر مورد توجه قرار گرفته، حلال، حرام شده و حرام مجاز شمرده شده. سرمایه‌های عظیم در راه خشم خدا (و فساد و ابتدال) صرف گردیده، رشوه خواری در میان کارکنان دولت رایج شده، سرگرمی‌های ناسالم چنان رواج پیدا کرده که هیچ کس جرأت جلوگیری آن را ندارد، شنیدن حقایق قرآن بر مردم گران آید اما شنیدن باطل سهل و آسان باشد، برای غیر خدا به حج خانه خدا بشتابند، مردم سنگدل شوند (و عواطف بمیرد)، اگر کسی اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کند به او توصیه می‌کنند که این کار وظیفه تو نیست، هر سال فساد و بدعتی نو پیدا شود. (هرگاه دیدی اوضاع مردم اینگونه شده) مراقب خویش باش و از خدا نجات و رهایی از این وضع ناهنجار را بخواه (که فرج نزدیک است).»^۱

البته این تصویر سیاه از دوران پیش از ظهور، چهره غالب آن دوره است چرا که در همین روزگار هستند دین باوران حقیقی که بر عهد خود با خداوند استوار می‌مانند و مرزهای اعتقاد خود را پاس می‌دارند و در فساد محیط حل نمی‌شوند و سرنوشت خود را به فرجام زشت دیگران پیوند نمی‌زنند. و اینها از بهترین بندگان خدا و شیعیان امامان نور هستند که در روایات فراوان مورد تمجید و ستایش قرار گرفته‌اند. اینان هم خود پاک زیستند و هم دیگران را به پاکی دعوت می‌کنند چون نیک می‌دانند که می‌توان از راه ترویج خوبی‌ها و ساختن محیطی معطر به عطر ایمان، ظهور امام خوبی‌ها را پیش انداخت و مقدمات قیام و حکومت او را فراهم کرد زیرا که زمانی قیام علیه بدی‌ها ممکن است که مصلح موعود یاورانی داشته باشد. و این تفکر نقطه مقابل ایده باطلی است که معتقدند جهت تعجیل ظهور باید فساد را رواج داد! به راستی آیا پذیرفته است که اهل ایمان در برابر زشتی‌ها و بدی‌ها سکوت کنند تا فساد فراگیر شود و از این

راه زمینه ظهور فراهم گردد؟ آیا ترویج خوبی‌ها و فضیلت‌ها نمی‌تواند ظهور امام خوبان را نزدیک کند؟ فریضه امر به معروف و نهی از منکر از تکالیف قطعی هر مسلمان است که در هیچ زمان و مکانی قابل چشم پوشی نیست پس چگونه است که به خاطر تعجیل ظهور بتوان مروّج ظلم و تباهی شد؟! چنانکه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«در پایان این امت (مسلمان) قومی خواهند بود که مانند مسلمانان صدر اسلام اجر خواهند داشت آنها امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و با اهل فتنه (و فساد) می‌جنگند.»^۲

گذشته از این آنچه در روایات فراوان به آن تصریح شده است، پر شدن جهان از ظلم و ستم است و این به معنی ظالم شدن همه انسان‌ها نیست بلکه همچنان راه خدا، رهروان خود را خواهد داشت و عطر فضیلت‌ها در محیط‌های گوناگون به مشام خواهد رسید.

بنابراین، جهان پیش از ظهور اگرچه دوران تلخی است ولی به دوره شیرین ظهور پایان می‌گیرد و اگر چه روزگار فساد و ستمگری است اما پاک بودن و دیگران را به خوبی‌ها دعوت کردن از وظایف حتمی منتظران است و در تعجیل فرج آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) تأثیر مستقیم دارد.

این بخش را با سخنی از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به پایان می‌بریم که فرمودند:

«ما را از شیعیان باز نمی‌دارد مگر آنچه از کردارهای آنان که به ما می‌رسد و ما را ناخوشایند است و از آنان روا نمی‌دانیم.»^۳

زمینه‌های ظهور و علائم آن

ظهور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شرایط و نشانه‌هایی دارد که از آنها به عنوان زمینه‌های ظهور و علائم آن یاد می‌شود تفاوت این دو آن است که زمینه‌ها در تحقق ظهور تأثیر واقعی دارند به گونه‌ای که با فراهم شدن آنها ظهور امام اتفاق می‌افتد و بدون آنها ظهور نخواهد بود. ولی علائم در وقوع ظهور نقشی ندارند بلکه تنها نشانه‌هایی هستند که به وسیله آنها می‌توان به اصل ظهور و یا نزدیک شدن آن پی برد.

با توجه به تفاوت یاد شده به خوبی می‌توان دریافت که زمینه‌ها و شرایط نسبت به علائم و نشانه‌ها از اهمیت بیشتری برخوردارند بنابراین لازم است که بیش از آنکه به دنبال علائم باشیم به زمینه‌ها توجه کنیم و در حد توان خود در تحقق آنها بکوشیم. به همین جهت ما ابتدا زمینه‌ها و شرایط ظهور را توضیح می‌دهیم و در پایان به اختصار برخی از علائم ظهور را بر می‌شمریم.

زمینه‌های ظهور

هر پدیده‌ای در جهان با فراهم آمدن شرائط و زمینه‌های آن به وجود می‌آید و بدون تحقق زمینه‌ها امکان وجود برای هیچ موجودی نخواهد بود. هر زمینی قابلیت پرورش دانه را ندارد و هر آب و هوایی مناسب بارش هر گیاه و نباتی نیست. وقتی کشاورز می‌تواند انتظار برداشت خوب از زمین داشته باشد که شرایط لازم برای به دست آمدن محصول را تهیه کرده باشد.

بر این اساس هر انقلاب و رویداد اجتماعی نیز به زمینه‌ها و شرایط آن بستگی دارد؛ همانگونه که انقلاب اسلامی ایران نیز با فراهم آمدن مقدمات آن به پیروزی رسید. قیام و انقلاب جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه

الشریف) که بزرگترین حرکت جهانی است نیز پیرو همین اصل است و بدون تحقق زمینه‌ها و شرایط آن به وقوع نخواهد پیوست.

مقصود از این سخن آن است که تصور نشود امر قیام و حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از روابط حاکم بر جهان آفرینش مستثنی است و حرکت اصلاحی آن بزرگوار از راه معجزه و بدون اسباب و عوامل عادی به سرانجام می‌رسد. بلکه بر اساس تعالیم قرآن و پیشوایان معصوم (علیهم السلام)، سنت الهی بر این قرار گرفته که امور عالم از مجرای طبیعی و علل و اسباب عادی انجام گیرد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«خداوند امتناع دارد از اینکه امور را جز از راه اسباب (آن) فراهم آورد.»^۴

و در روایتی از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که شخصی به ایشان عرض کرد:

«می‌گویند زمانی که امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند همه امور بر وفق مراد او خواهد بود.

حضرت فرمود: هرگز چنین نیست. قسم به آنکس که جانم در دست اوست اگر بنا بود برای کسی کارها خود به خود درست شود همانا برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) چنین می‌شد.»^۵

البته سخن فوق بدین معنی نیست که در قیام بزرگ مهدوی، امدادهای غیبی و آسمانی وجود نخواهد داشت بلکه مقصود آن است که در کنار امدادهای الهی، زمینه‌ها و عوامل و شرایط عادی نیز باید فراهم شود.

با این مقدمه ابتدا باید زمینه‌های ظهور را بشناسیم و سپس در راه تحقق آنها گام برداریم.

مهمترین زمینه‌های قیام و انقلاب جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چهار چیز است که هر یک را جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف. طرح و برنامه

روشن است که هر قیام و حرکت اصلاحی به دو برنامه نیاز دارد:

۱. برنامه‌ای جامع برای مبارزه با ناهنجاری‌های موجود از طریق سازماندهی نیروها.
 ۲. قانونی کامل و متناسب با همه نیازهای جامعه که ضامن تمام حقوق فردی و اجتماعی در یک نظام عادلانه حکومتی باشد و حرکت رو به رشد اجتماع را برای رسیدن به وضعیت آرمانی، ترسیم کند.
- تعالیم قرآن کریم و سنت معصومین (علیهم السلام) که همان اسلام ناب است به عنوان بهترین قانون و برنامه در اختیار امام عصر (علیه السلام) است و آن حضرت بر اساس این منشور جاوید الهی عمل خواهد کرد^۶ کتابی که آیات آن توسط خداوند بزرگ که آگاه به تمام زوایای حیات آدمی و نیازهای مادی و معنوی اوست نازل گشته است. بنابراین انقلاب جهانی او از نظر برنامه و قانون حکومتی، دارای پشتوانه‌ای بی نظیر است و با هیچ حرکت و جنبش اصلاحی دیگری قابل مقایسه نیست. شاهد این ادعا آن است که جهان امروز پس از تجربه قوانین بشری به ضعف و سستی آنها اقرار و اعتراف کرده است و به تدریج آماده پذیرش قوانین آسمانی می‌گردد.

«آلومین تافلر»، مشاور سیاستمداران آمریکا برای حل این بحران و اصلاح جامعه جهانی، نظریه «موج سوم»^۷ را

ارائه کرده است؛ ولی در عین حال اعترافات شگفت آوری در این زمینه دارد:

فهرست مشکلاتی که جامعه ما (غرب) با آن مواجه است، تمامی ندارد. با دیدن فروپاشی پیاپی نهادهای تمدن صنعتی در حال نزاع به درون غرقاب بی کفایتی و فساد؛ بوی انحطاط اخلاقی آن نیز مشام را می‌آزارد. در نتیجه موج

ناخشنودی و فشار برای تغییرات، فضا را انباشته است. در پاسخ به این فشارها، هزاران طرح ارائه می‌شود که همگی ادعا دارند اساسی و بنیادی یا حتی انقلابی اند؛ اما بارها و بارها، مقررات و قوانین، طرح‌ها و دستورالعمل‌های جدید - که همگی به منظور حل مشکلات ما تهیه و تدوین شده‌اند - کمانه می‌کنند و بر وخامت مشکلات ما می‌افزایند و این احساس عجز و یأس را دامن می‌زنند که هیچ فایده‌ای ندارد و مؤثر نیست. این احساس برای هر نظام دموکراسی خطرناک است و نیاز شدید به وجود مرد سوار بر اسب سفید ضرب المثل‌ها را هر چه بیشتر دامن می‌زند.^۸

ب: رهبری

در همه قیام‌ها، نیاز به رهبر از ابتدایی‌ترین ضرورت‌های قیام شمرده می‌شود و هر چه قیام وسیع‌تر و دارای اهداف بلندتری باشد، نیاز به رهبری توانا و متناسب با آن اهداف بیشتر احساس می‌شود. در مسیر مبارزه جهانی با ظلم و ستم و حاکمیت عدالت و مساوات در کره زمین وجود رهبری آگاه و توانا و دلسوز که از مدیریتی صحیح و قاطع برخوردار باشد رکن اصلی و اساسی انقلاب است. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که عصاره انبیاء و اولیاء است به عنوان رهبر قیام بزرگ زنده و حاضر است او تنها رهبری است که به دلیل ارتباط با عالم غیب، به همه هستی و روابط موجود در آن آگاهی کامل دارد و داناترین انسانهای زمان خویش است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«آگاه باشید که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وارث تمام علوم است و بر تمام دانش‌ها احاطه دارد.»^۹

او یگانه رهبری است که از همه قید و بندها آزاد بوده و تنها دل در گرو رضایت آفریدگار عالم دارد.

بنابراین قیام و حکومت جهانی از نظر رهبر و پیشوا نیز در بهترین شرایط قرار دارد.

ج. یاران

یکی دیگر از زمینه‌ها و شرایط لازم برای تحقق ظهور، وجود یاورانی شایسته و لایق برای پشتیبانی از قیام و انجام کارهای حکومت جهانی است بدیهی است وقتی انقلابی جهانی به وسیله رهبری آسمانی روی می‌دهد یاورانی متناسب با آن می‌خواهد و اینگونه نیست که هر کس ادعای یآوری کند بتواند در آن میدان، حضور یابد. در این باره به جریان زیر توجه کنید:

«یکی از شیعیان امام صادق (علیه السلام) به نام سهل بن حسن خراسانی به آن حضرت می‌گوید:

چه چیز شما را بازداشته است از اینکه حق مسلم خود (حکومت) را به دست بگیرید در حالی که صد هزار شیعه ی پا در رکاب و شمشیر زن در اختیار شماست؟ امام دستور می‌دهند تا تنور آتشی فراهم شود و چون شعله‌های آتش بالا می‌گیرد به سهل می‌فرمایند: ای خراسانی برخیز و در تنور بنشین سهل که گمان کرده است امام از او خشمگین شده، شروع به عذر خواهی می‌کند و می‌گوید: آقا مرا ببخشید و به آتش شکنجه ام نکنید! امام می‌فرماید: از تو گذشتم.

در این حال هارون مکی از شیعیان راستین حضرت وارد می‌شود و سلام می‌کند. امام صادق (علیه السلام) به او

پاسخ می‌دهد و بدون هیچ مقدمه‌ای به او می‌فرماید: در درون تنور بنشین!

هارون مکی بی درنگ و بدون هیچ پرسشی، این کار را انجام می‌دهد! امام صادق (علیه السلام) در همان حال با مرد خراسانی گفتگو می‌کند و درباره خراسان خبرهایی می‌دهد چنانکه گویی خود شاهد آن بوده است و پس از مدتی به سهل می‌فرماید: برخیز ای خراسانی و داخل تنور را نگاه کن! سهل برخاسته و داخل تنور را نگاه می‌کند و

هارون را می‌بیند که در میان شعله‌های آتش چهار زانو نشسته است!

آنگاه امام (علیه السلام) از او می‌پرسد: در خراسان، چند نفر مثل هارون می‌شناسی؟! خراسانی می‌گوید: به خدا قسم، یک نفر هم اینگونه سراغ ندارم حضرت می‌فرماید: آگاه باش! ما در زمانی که پنج نفر یاور و پشتیبان پیدا نکنیم قیام نمی‌کنیم. ما بهتر می‌دانیم که کدام زمان، زمان قیام است!^{۱۰}

بنابراین جا دارد صفات و ویژگی‌های یاوران امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در آئینه روایات پیشوایان دینی مرور کنیم تا بدین وسیله جایگاه خود را شناخته و در پی رفع کمبودهای خود باشیم.

۱. معرفت و اطاعت

یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از شناخت عمیق نسبت به خداوند و امام خود برخوردارند و با آگاهی کامل در میدان حق حضور یافته‌اند.

امام علی (علیه السلام) درباره آنها فرموده است:

«مردانی که خدا را چنان که شایسته است شناخته‌اند.»^{۱۱}

شناخت و اعتقاد آنان نسبت به امام نیز در ژرفای وجودشان ریشه دوانیده و سراسر وجودشان را فرا گرفته است این شناختی فراتر از دانستن نام و نشان و نسب امام است. معرفت به حق ولایت امام و جایگاه بلند او در مجموعه هستی است و این همان معرفتی است که آنها را سرشار از محبت او کرده و مطیع و گوش به فرمان او قرار داده است؛ زیرا که می‌دانند سخن امام سخن خدا و اطاعت از او اطاعت از خداست.

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در توصیف آنها فرموده است:

«آنها در اطاعت از امام خویش می‌کوشند.»^{۱۲}

۲. عبادت و صلابت

یاوران مهدی در عبادت از پیشوای خود الگو گرفته‌اند و روزها و شب‌ها را با ذکر شیرین حق سپری می‌کنند امام صادق (علیه السلام) درباره آنها فرمود:

«شب‌ها را با عبادت به صبح می‌رسانند و روزها را با روزه به پایان می‌برند»^{۱۳} و در سخنی دیگر فرمود: بر فراز اسب‌ها، خدا را تسبیح می‌گویند.»^{۱۴}

و همین ذکر خداست که از آنان مردانی آهنین ساخته است که هیچ چیز صلابت و استواری آنها را در هم نمی‌شکند امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«آنان مردانی هستند که گویا دل هایشان پاره‌های آهن است.»^{۱۵}

۳. جان نثاری و شهادت طلبی

معرفت عمیق یاران، نسبت به امام مهدی، دل‌های آنها را مملو از عشق به امام می‌کند بنابراین در میدان رزم او را چون نگینی در میان می‌گیرند و جان خود را سپر بلای او می‌کنند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«(یاران مهدی) در میدان رزم در اطراف او می‌چرخند و با جان خود از او محافظت می‌کنند.»^{۱۶}

و نیز فرمود:

«آنها آرزو می‌کنند که در راه خدا به شهادت برسند.»^{۱۷}

۴. شجاعت و دلیری

یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مانند مولایشان افرادی شجاع و مردانی پولادین هستند امام علی (علیه السلام) در وصف آنها فرمود: «همه آنها شیرانی هستند که از بیشه‌ها بیرون شده‌اند و اگر اراده کنند کوهها را از جا می‌کنند.»^{۱۸}

۵. صبر و بردباری

بدیهی است که مبارزه علیه ظلم جهانی و برقراری حکومت عدل جهانی با رنج و مشقت‌های فراوان همراه است و یاوران امام در راه تحقق آرمان‌های جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشکلات و ناگواریها را به جان می‌خرند ولی از سر اخلاص و تواضع، عمل خود را ناچیز می‌شمارند.

امام علی (علیه السلام) فرمود:

«آنها گروهی هستند که به خاطر صبر و بردباری در راه خدا، بر خداوند منت نمی‌گذارند. و از این که جان خویش را تقدیم آستان حضرت حق می‌کنند، به خود نمی‌بالند و آن را بزرگ نمی‌شمارند.»^{۱۹}

۶. اتحاد و همدلی

امام علی (علیه السلام) در توصیف همدلی و اتحاد یاران امام چنین فرمود:

«ایشان یکدل و هماهنگ هستند.»^{۲۰}

این یکدلی به سبب آن است که خودخواهی‌ها و خواسته‌های شخصی در وجود آنان نیست آنها با اعتقادی صحیح در زیر یک پرچم و برای یک هدف، قیام می‌کنند و این خود یکی از عوامل پیروزی آنها بر جبهه مقابل می‌باشد.

۷. زهد و پارسایی

امام علی (علیه السلام) در وصف یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود:

«او از یارانش بیعت می‌گیرد که طلا و نقره‌ای نیندوزند و گندم و جوی ذخیره نکنند.»^{۲۱}

آنان اهداف بلندی دارند و برای آرمانی بزرگ برخاسته‌اند و مادیات دنیا نباید آنها را از اهداف و آرمان‌ها باز دارد. بنابراین آنها که با دیدن زرق و برق دنیا، چشمهایشان خیره می‌شود و دل هایشان می‌لرزد در میان یاوران ویژه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جایی ندارند.

آنچه گذشت بخشی از ویژگی‌های یاران امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود و به جهت برخورداری از این خصوصیات، در روایات از آنان به بزرگی یاد شده است و پیشوایان معصوم (علیهم السلام) زبان به ستایش و بزرگداشت آنان گشوده‌اند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در وصف آنان فرموده است:

«أُولَئِكَ هُم خِيَارُ الْأُمَّةِ؛

آنان بهترین امت (من) هستند.»^{۲۲}

و در سخنی دیگر امام علی (علیه السلام) فرموده است:

«فَبِأَيِّ وَأُمِّي مِنْ عِدَّةِ قَلِيلَةٍ أَسْمَائُهُمْ فِي الْأَرْضِ مَجْهُولَةٌ»^{۲۳}؛

پدر و مادرم فدای گروه اندکی باد که در زمین ناشناخته‌اند»

البته یاوران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر طبق لیاقت و شایستگی‌ها در رده‌های مختلف قرار می‌گیرند و در روایات آمده است که آن حضرت علاوه بر ۳۱۳ نفر یار ویژه که کادر اصلی قیام را تشکیل می‌دهند، از لشکری ۱۰ هزار نفری نیز برخوردار است و به علاوه خیل عظیم مؤمنان منتظر به یاری او خواهند شتافت.

د: آمادگی عمومی

در مقاطع مختلف تاریخ امامان معصوم (علیه السلام)، این حقیقت مشاهده می‌شود که مردم آمادگی لازم برای استفاده بهتر از حضور امام را نداشتند. آنان در زمان‌های گوناگون فیض محضر معصوم را قدر ندانستند و از زمزم جاری هدایتهای او آنچنان که بایسته بود بهره نبردند. خداوند متعال آخرین حجت حق را پنهان کرد تا هر زمان که آمادگی عمومی برای پذیرش او فراهم شد ظاهر شود و همگان را از سرچشمه معارف الهی سیراب سازد. بنابراین وجود آمادگی از شرایط بسیار مهم برای ظهور مصلح موعود است و به وسیله آن حرکت اصلاحی آن حضرت به نتیجه مطلوب خواهد رسید.

در قرآن کریم آمده است گروهی از بنی اسرائیل که از ظلم و ستم جالوت به ستوه آمده بودند از پیامبر زمان خود خواستند که برای آنها فرماندهی را برگزیند تا تحت فرمان او به نبرد با جالوت پردازند. خواستن فرمانده برای جنگ، نوعی آمادگی را در آنها نشان می‌داد اگر چه تعداد فراوانی در بین راه سست شدند و عده کمی تا پایان مبارزه ماندند.^{۲۴}

پس امر ظهور زمانی است که همه از عمق جان خواهان عدالت اجتماعی، امنیت اخلاقی و روانی و رشد و شکوفایی معنوی باشند؛ وقتی مردم از بی عدالتی‌ها و تبعیض‌ها خسته شوند و ببینند که آشکارا حقوق ضعیفان به وسیله صاحبان قدرت و ثروت پایمال می‌گردد و امکانات مادی در انحصار عده‌ای معدود است عطش عدالت خواهی به اوج می‌رسد.

زمانی که فساد اخلاقی در انواع مختلف رواج پیدا کند و افراد در انجام کارهای ضد اخلاقی بر یکدیگر سبقت بگیرند بلکه به اعمال زشت خود افتخار کنند و یا چنان از اصول الهی و انسانی فاصله بگیرند که بعضی از اعمال منافی عفت را قانونی کرده و در نتیجه نظام خانواده را سست کنند و فرزندان بی سرپرست را به دامن اجتماع بریزند، اشتیاق به ظهور پیشوایی که حاکمیت او، امنیت و سلامتی اخلاقی و روانی را به بشریت هدیه خواهد کرد، فراوان می‌شود. و آنگاه که مردم همه لذت‌های مادی را تجربه کنند ولی از زندگی و حیات خود راضی نباشند و در پی جهانی برخوردار از معنویت باشند، تشنه آبخار لطف امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌شوند.

بدیهی است که شوق درک حضور امام، زمانی به اوج می‌رسد که بشریت با تجربه کردن دولت‌ها و نظام‌های مختلف بشری به این حقیقت برسد که تنها نجات دهنده عالم از فساد و تباهی، خلیفه و جانشین خدا در زمین حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و یگانه برنامه‌ای که حیات پاک و طیبه را برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورد قوانین الهی است. بنابراین با همه وجود نیاز به امام را درک می‌کنند و به دنبال این درک، برای فراهم شدن زمینه‌های ظهور او تلاش می‌کنند و موانع را از سر راه او می‌بردارند. و در این زمان است که فرج و گشایش فرا می‌رسد.

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) در توصیف آخرالزمان و دوران پیش از ظهور فرمود:
«زمانی می‌رسد [که انسان مؤمن هیچ پناهگاهی نمی‌یابد که از شر ظلم و تباهی به آن پناه برد پس] در آن زمان

[خداوند عزوجل مردی از خاندان مرا بر می‌انگیزد].^{۲۵}

علائم ظهور

قیام و انقلاب جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نشانه هایی دارد. دانستن این علائم، آثار مهمی در پی خواهد داشت. از آنجا که این نشانه ها نوید بخش فرج مهدی آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) است، وقوع هر یک از آنها نور امید را در دل های منتظران، پر فروغ تر خواهد کرد و برای معاندان و منحرفان مایه تذکر و هشدار خواهد بود تا از بدی و تباهی دست بردارند همچنان که منتظران را برای درک ظهور و کسب قابلیت همراهی و حضور در کنار معصوم (علیه السلام) مهیاتر خواهد کرد. علاوه بر اینکه آگاهی از اتفاقاتی که در آینده رخ خواهد داد می تواند ما را در برنامه ریزی مناسب برای مواجهه بهتر با آنها یاری دهد، همانگونه که این علائم معیار خوبی برای تشخیص مدعیان دروغین مهدویت است بنابراین اگر کسی ادعای مهدویت کرد ولی قیام او همراه با این علائم نبود به سادگی می توان به دروغگو بودن او پی برد.

در روایات پیشوایان معصوم (علیه السلام) علائم فراوانی برای ظهور ذکر شده است که بعضی از آنها پدیده های طبیعی و عادی و بعضی غیر عادی و معجزه آسا هستند. ما از میان این علائم ابتدا آنهایی را که در منابع معتبر بیشتر به صورت برجسته ذکر شده بیان می کنیم و در پایان تعدادی از علائم دیگر را به اختصار برمی شمیریم. امام صادق (علیه السلام) در روایتی فرمود:

«[قیام] قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پنج نشانه دارد: خروج سفیانی، یمانی، ندای آسمانی، کشته شدن نفس زکیه و خسف بیداء.»^{۲۶}

اکنون با توجه به روایات، علائم پنجگانه یاد شده را که در روایات متعدد تکرار شده است توضیح می دهیم گرچه تمام جزئیات حوادث مربوط به آنها برای ما روشن نیست.

الف. خروج سفیانی

خروج سفیانی از علائمی است که در روایات فراوان آمده و اینگونه توصیف شده است: سفیانی مردی از نسل ابوسفیان است که اندکی پیش از ظهور از سرزمین شام قیام می کند. او جنایت کاری است که از قتل و کشتار هیچ پروایی ندارد و با دشمنان خود به شکل فجیعی رفتار می کند.

امام صادق (علیه السلام) درباره او فرمود:

«اگر سفیانی را ببینی پلیدترین مردم را مشاهده کرده ای»^{۲۷}

آغاز قیام او ماه رجب است. وی پس از تصرف شام و مناطق اطراف آن به عراق حمله کرده و در آنجا به کشتار گسترده ای دست می زند.

بر اساس بعضی از روایات از خروج تا کشته شدن او پانزده ماه به طول می انجامد.^{۲۸}

ب. خسف بیداء

خسف به معنای فرو رفتن و بیداء منطقه ای میان مکه و مدینه است.

مقصود از خسف بیداء این است که سفیانی، لشگری را برای مقابله با امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سمت مکه گسیل می دارد. هنگامی که لشگر او به منطقه بیداء رسید به صورتی معجزه آسا در زمین فرو می رود.

امام باقر (علیه السلام) در این باره فرمود:

«به فرمانده سپاه سفیانی خبر می‌رسد که مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سوی مکه رفته است، پس لشگری را در پی او روانه می‌کند ولی او را نمی‌یابد... چون لشگر سفیانی به سرزمین بیداء رسید ندا دهنده‌ای از آسمان آواز می‌دهد: «ای سرزمین بیداء آنان را نابود کن» پس آن سرزمین لشگر را در خود فرو می‌برد.»^{۲۹}

ج. خروج یمانی

قیام سرداری از سرزمین یمن یکی دیگر از علائم است که اندکی پیش از ظهور رخ خواهد داد. وی که مردی صالح و مؤمن است علیه بدی‌ها و انحرافات قیام می‌کند و با تمام توان با بدی‌ها و تباهی‌ها مبارزه می‌کند. البته جزئیات حرکت و اقدامات او برای ما چندان روشن نیست.

امام باقر(علیه السلام) در این باره فرمود:

«...در میان بیرق‌ها [یی که قبل از قیام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) بلند می‌شود] پرچمی هدایت کننده‌تر از پرچم یمانی وجود ندارد که آن پرچم هدایت است چون به سوی صاحب شما (امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف)) دعوت می‌کند.»^{۳۰}

د. صیحه آسمانی

یکی دیگر از علائمی که پیش از ظهور اتفاق می‌افتد صیحه آسمانی است. این ندای آسمانی که بر اساس بعضی از روایات ندای جبرئیل(علیه السلام) است در ماه رمضان شنیده می‌شود^{۳۱} و از آنجا که قیام مصلح کل، انقلابی جهانی است و همگان منتظر وقوع آن هستند؛ یکی از راه‌های آگاهی مردم جهان از این رویداد همین ندای آسمانی خواهد بود.

امام باقر(علیه السلام) فرمود:

«قیام قائم(علیه السلام) تحقق نمی‌یابد مگر اینکه ندا دهنده‌ای از آسمان ندایی دهد که اهل مشرق و مغرب آن را بشنوند.»^{۳۲}

این صیحه همچنانکه مایه شادمانی مؤمنان است هشدار برای بدکاران است تا از کردار زشت خود دست کشیده و به حلقه یاوران مصلح جهانی بپیوندند.

در باره محتوای این ندای آسمانی روایات مختلفی رسیده است از جمله امام صادق(علیه السلام) فرمود:

«ندا دهنده‌ای از آسمان به نام قائم(علیه السلام) و نام پدرش آواز می‌دهد.»^{۳۳}

ه. قتل نفس زکیه

نفس زکیه به معنای شخص به رشد و کمال رسیده و یا انسان پاک و بی‌گناهی است که قتلی انجام نداده است و مقصود از قتل نفس زکیه این است که اندکی پیش از قیام امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) شخصیت برجسته و یا بی‌گناهی بدست مخالفان حضرت کشته می‌شود.

زمان این رخداد بر اساس بعضی از روایات ۱۵ شب پیش از قیام امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. امام صادق(علیه السلام) در این باره فرمود:

«بین قیام قائم آل محمد(صلی الله علیه و آله وسلم) و کشته شدن نفس زکیه تنها ۱۵ شب فاصله است.»^{۳۴}

علائم فراوان دیگری نیز در روایات ذکر شده است که بعضی از آنها عبارتند از:

خروج دجال (موجودی حيله گر و پلید که بسیاری از انسان‌ها را گمراه می‌کند)، خورشید گرفتگی و ماه

گرفتگی در ماه مبارک رمضان، آشکار شدن فتنه‌ها و قیام مردی از خراسان.
گفتنی است توضیح و تحلیل این نشانه‌ها در کتاب‌های مفصل، بیان شده است.^{۳۵}

خلاصه درس

- جهان پیش از ظهور گرچه چهره غالب آن ظلم و ستم و تباهی است اما به معنای ظالم شدن همه انسانها نیست.
- در دوره غیبت و آستانه ظهور عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر تکلیف اصلی مردم است تا شرایط ظهور آماده گردد.
- مهم ترین زمینه‌های قیام حضرت عبارت است از: طرح و برنامه، رهبری، وجود یاران و آمادگی عمومی.
- ویژگی‌های مهم یاران حضرت عبادت است از: معرفت و اطاعت، عبادت و صلاحیت، شهادت طلبی، شجاعت، صبر و بردباری، اتحاد و پارسائی.
- برای ظهور حضرت در روایات علائمی ذکر شده است که حتماً به وقوع می‌پیوندد مثل: خروج سفیانی، قیام یمانی، خسف بیداء، صیحه‌ی آسمانی و قتل نفس زکیه.

پرسش‌های درس

۱. دلیل اینکه توجه به امر معروف و نهی از منکر و فساد، مهم‌ترین وظیفه منتظران شمرده شده است را توضیح دهید.
۲. تفاوت میان شرایط و علائم ظهور را با توجه به روایات توضیح دهید؟
۳. نقش عنصر رهبری به عنوان شرایط مهم تحقق حکومت عدل جهانی را تشریح نمایید؟
۴. نقش آمادگی و اقبال عمومی در تحقق ظهور را توضیح دهید؟
۵. چهار مورد از علائمی که در روایات به عنوان علائم محتوم یاد شده است را با استناد به آن روایات معرفی نمایید؟

سوالات پژوهشی

۱. علت نیازمندی ظهور به شرایط و نقش مردم در این رابطه را تبیین نماید؟
۲. نوع بیان روایات علائم ظهور را تبیین نمایید؟ (رمز یا حقیقت)
۳. محتوم بودن برخی علائم با وجود بدء در آن‌ها چگونه قابل جمع است؟ بررسی نمایید؟

معرفی منابع جهت مطالعه و پژوهش

۱. تاریخ غیبت کبری - سیدمحمد صدر
۲. منتخب الاثر - آیت‌الله صافی گلپایگانی
۳. الغیبة - نعمانی
۴. کمال‌الدین و تمام النعمه - شیخ صدوق
۵. علائم ظهور - علی اصغر رضوانی
۶. فصلنامه انتظار ۷-۹ و ۸

۱. کافی، ج ۷، ص ۲۸.
۲. معجم احادیث الامام المهدي، ج ۱، ص ۴۹.
۳. احتجاج، ج ۲، ش ۳۶۰، ص ۶۰۲.
۴. میزان الحکمة، ج ۵، ح ۸۱۶۶.
۵. الغيبة نعمانی، باب ۱۵، ح ۲.
۶. امام باقر (علیه السلام) در توصیف امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ، لَا يَرَى مُنْكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ؛ يَعْنِي أَوْ بِرِ اسَاسِ كِتَابِ خُذَا (قرآن) عمل خواهد کرد و هیچ بدی را نمی بیند مگر اینکه آن را انکار می کند.» بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۱.
۷. ایشان معتقد است تا به حال دو انقلاب کشاورزی و صنعتی تحول عظیمی در جهان ایجاد کرده و موج سوم که انقلاب الکترونیکی و فراصنعتی است در راه است.
۸. به سوی تمدن جدید، تافلر، محمدرضا جعفری.
۹. النجم الثاقب، ص ۱۹۳.
۱۰. سفینة البحار، ج ۸، ص ۶۸۱.
۱۱. منتخب الاثر، فصل ۸، باب ۱، ح ۲، ص ۶۱۱.
۱۲. يوم الخلاص، ص ۲۲۳.
۱۳. يوم الخلاص، ص ۲۲۴.
۱۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.
۱۵. همان.
۱۶. همان.
۱۷. همان.
۱۸. يوم الخلاص، ص ۲۲۴.
۱۹. يوم الخلاص، ص ۲۲۴.
۲۰. همان، ص ۲۲۳.
۲۱. منتخب الاثر، فصل ۶، باب ۱۱، ح ۴، ص ۵۸۱.
۲۲. يوم الخلاص، ص ۲۲۴.
۲۳. معجم احادیث الامام المهدي، ج ۳، ص ۱۰۱.
۲۴. رک: سوره بقره، آیات ۲۴۶-۲۵۱.
۲۵. عقد الدرر، ص ۷۳.
۲۶. الغيبة نعمانی، باب ۱۴، ح ۹، ص ۲۶۱.
۲۷. کمال الدین، ج ۲، باب ۵۷، ح ۱۰، ص ۵۵۷.
۲۸. الغيبة نعمانی، باب ۱۸، ح ۱، ص ۳۱۰.
۲۹. همان، باب ۱۴، ح ۶۷، ص ۲۸۹.
۳۰. همان، باب ۱۴، ح ۱۳، ص ۲۶۴.
۳۱. همان، باب ۱۴، ص ۲۶۲.
۳۲. الغيبة نعمانی، باب ۱۸، ح ۱۴، ص ۲۶۵.
۳۳. همان، باب ۱۰، ح ۲۹، ص ۱۸۷.
۳۴. کمال الدین، ج ۲، باب ۵۷، ح ۲، ص ۵۵۴.
۳۵. رک: بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۱۸۱ الی ۲۷۸.

درس یازدهم

ظهور و اهداف

حکومت جهانی حضرت

اهداف:

- آشنائی با اهداف حکومت حضرت در عصر ظهور
- الگوپذیری از برنامه‌های اصلاحی حضرت در عصر غیبت

فوائد:

- پرهیز از تعیین وقت ظهور و تکذیب «وقاتون»
- شناخت برنامه‌های اصلاحی حضرت
- ایجاد میل و رغبت به ظهور

مطالب آموزشی:

- زمان ظهور و ممنوعیت توقیت
- فلسفه مخفی بودن زمان ظهور
- چگونگی رخداد ظهور حضرت
- اهداف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... حکومت حضرت در عصر ظهور

ظهر

وقتی سخن از ظهور به میان می‌آید احساس دلپذیری به آدمی دست می‌دهد. گویی در فضای باغی سبز و کنار نهری جاری نشسته است و به آواز خوش بلبلان گوش می‌دهد. آری ظهور زیبایی‌ها و انتشار خوبی‌ها جان و تن خستگان را نشاط می‌بخشد و برق شادی در چشمان امیدواران روشن می‌کند. در این بخش درباره ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و آنچه در سایه سار حضور عینی او رخ خواهد داد سخن می‌گوییم و به تماشای جمال بی‌مثالش بی‌حجاب غیبت می‌نشینیم.

زمان ظهور

یکی از سئوالاتی که همواره ذهن بسیاری از مردم را به خود مشغول کرده این است که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چه زمانی ظهور می‌کند و آیا برای ظهور وقتی تعیین شده است؟ پاسخ این است که بر اساس سخنان پیشوایان دینی زمان ظهور بر مردم مخفی است. امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمود:

«ما نه در گذشته برای ظهور وقتی را تعیین کردیم و نه در آینده وقت تعیین می‌کنیم»^۱.

بنابراین کسانی که برای ظهور، زمان مشخصی را تعیین می‌کنند فریب کار و دروغگو هستند این مطلب در روایات مورد تأکید قرار گرفته است.

امام باقر (علیه السلام) به یکی از اصحاب خود که از زمان ظهور سؤال کرد فرمود:

«وقت گذاران دروغ می‌گویند، وقت گذاران دروغ می‌گویند وقت گذاران دروغ می‌گویند»^۲.

از اینگونه روایات به خوبی می‌توان فهمید که همواره کسانی بوده‌اند که با انگیزه‌های شیطانی برای ظهور، زمان تعیین می‌کرده‌اند و چنین افرادی در آینده هم وجود خواهند داشت. به همین جهت پیشوایان معصوم (علیه السلام) از شیعیان خواسته‌اند که در برابر وقت گذاران بی‌تفاوت نباشند بلکه آنها را تکذیب نمایند.

امام صادق (علیه السلام) در این زمینه به یکی از اصحاب خود فرمود:

«از تکذیب کردن کسی که برای ظهور وقت تعیین می‌کند هیچ پروایی نداشته باش چرا که ما برای کسی وقت ظهور را تعیین نکرده ایم»^۳.

راز نهان بودن زمان ظهور

چنانکه گفته شد بر اساس اراده خداوند حکیم زمان ظهور بر ما مخفی است و بدون تردید این مسأله به جهت حکمت‌هایی است که برخی از آنها را می‌آوریم:

تداوم امید

وقتی زمان ظهور پنهان باشد نور امید در دل منتظران همه عصرها باقی خواهد ماند و با این امید پیوسته و مداوم است که می‌توانند در برابر سختی‌ها و فشارهای دوران غیبت مقاومت کنند. به راستی اگر به شیعیان سده‌های گذشته گفته می‌شد که ظهور در زمان شما رخ نمی‌دهد بلکه در آینده دور اتفاق خواهد افتاد، آنها با کدام امید در برابر فتنه‌های روزگار خود مقاومت می‌کردند و چگونه می‌توانستند گذرگاه‌های سخت دوران غیبت را به سلامت پشت سر بگذارند؟

زمینه سازی

بدون تردید انتظار سازنده که از مهم‌ترین عوامل فعالیت و پویایی است تنها در سایه مخفی بودن زمان ظهور شکل خواهد گرفت زیرا با مشخص بودن زمان ظهور کسانی که می‌دانند ظهور را درک نمی‌کنند انگیزه‌ای برای تحرک و زمینه سازی نخواهند داشت و به سکون و رکود روی خواهند آورد.

حال آنکه با پنهان بودن زمان ظهور، انسان‌های همه عصرها و دوران‌ها به امید اینکه ظهور را در زمان خود ببینند تلاش می‌کنند تا زمینه‌های ظهور را فراهم کنند و جامعه خود را به جامعه‌ای صالح و پویا تبدیل نمایند. به علاوه در صورت معین بودن وقت ظهور چنانچه برای مصالحی ظهور در زمان وعده داده شده رخ ندهد چه بسا افرادی در اصل اعتقاد به امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دچار تردید شوند.

امام باقر (علیه السلام) در پاسخ این سؤال که آیا ظهور وقت مشخصی دارد فرموده است: «کسانی که وقت تعیین می‌کنند دروغ می‌گویند، (و این سخن را تکرار فرمود) زمانی که موسی (علیه السلام) به دعوت پروردگار به مدت سی روز از میان قوم خود بیرون رفت و خداوند بر آن سی روز، ده روز دیگر افزود قوم او گفتند: موسی به وعده خود وفا نکرد و آنچه نباید می‌کردند، کردند. [از دین برگشتند و گوساله پرست شدند^۴].»

هنگامه قیام

همه می‌خواهند بدانند که در جریان قیام جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چه حوادثی روی می‌دهد، حرکت امام از کجا و چگونه آغاز می‌شود، شیوه برخورد امام با گروه‌های مخالف چگونه است و بالاخره چگونه آن حضرت بر تمامی جهان غلبه خواهد کرد و رشته امور جهان را به دست خواهد گرفت این‌گونه سؤال‌ها فکر و اندیشه هر انسان مشتاق ظهور را به خود مشغول می‌کند. ولی واقعیت این است که سخن گفتن درباره حوادث مربوط به ظهور کاری بسیار مشکل است؛ چون گزارش دادن از آینده و اتفاقاتی است که هنوز واقع نشده است و به طور طبیعی نمی‌توان اطلاع دقیقی از آن رویدادها داشت.

بنابراین آنچه در این بخش می‌آوریم حوادث و رخداد‌های روزگار ظهور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که برابر روایات در کتاب‌های متعدد نقل گردیده است و تنها می‌تواند دور نمایی کلی از رویدادهای ایام ظهور را پیش روی خوانندگان ترسیم کند.

چگونگی قیام

وقتی ظلم و تباهی چهره عالم را سیاه و ظلمانی کرده است و آنگاه که ستمگران گستره زمین را جولانگه بدی‌ها و نامردی‌ها ساخته‌اند و مظلومان جهان، دست یاری خواهی را به آسمان گشوده‌اند؛ ناگهان ندایی آسمانی، سیاهی شب را

می‌درد و در ماه خدا، رمضان، ظهور موعود بزرگ را بشارت می‌دهد، قلب‌ها به تپش می‌افتد و چشم‌ها خیره می‌گردد! شب پرستان، مضطرب و هراسان از طلوع صبح ایمان، در پی راه چاره‌ای هستند و منتظران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از هر کسی سراغ کوی یار می‌گیرند و برای دیدار او و حضور در زمره یاوران او سر از پانمی‌شناسند. در آن زمان، سفیانی که بر منطقه وسیعی مانند سوریه، اردن و فلسطین سلطه دارد سپاهی را تجهیز می‌کند تا با امام مقابله کند. لشکر سفیانی که در مسیر مکه به تعقیب امام پرداخته است در محلی به نام بیداء به کام زمین می‌رود و نابود می‌گردد.^۶

پس از شهادت نفس زکیه^۷ به فاصله کوتاهی، امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در سیمای مردی جوان در مسجدالحرام ظهور می‌کند در حالی که پیراهن مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را بر تن دارد و پرچم پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را به دست گرفته است. او به دیوار کعبه تکیه می‌زند و در بین رکن و مقام^۸ سرود ظهور را زمزمه می‌کند و پس از حمد و ثنای الهی و درود و سلام بر پیامبر و خاندان او می‌فرماید:

«ای مردم ما از خدای توانا یاری می‌طلبیم و نیز هر کس از جهانیان را که به ندای ما پاسخ دهد به یاور می‌خوانیم.»

آنگاه خود و خاندانش را معرفی می‌کند و ندا می‌دهد:

«قَالَ اللَّهُ فِينَا لَا تَخْذُلُونَا وَأَنْصُرُونَا يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ تَعَالَى؛

درباره رعایت حقوق ما، خدا را در نظر بگیرید. ما را [در میدان عدالت گسری و ستم ستیزی] تنها نگذارید و یاریمان کنید که خدا شما را یاری خواهد کرد.»

پس از پایان گرفتن سخنان امام، آسمانیان بر زمینیان سبقت می‌گیرند و گروه گروه فرود می‌آیند و با امام بیعت می‌کنند در حالی که پیشاپیش آنها فرشته وحی، جبرئیل با امام دست همراهی می‌دهد. آنگاه ۳۱۳ ستاره زمینی که از نقاط مختلف عالم به سرزمین وحی آمده‌اند بر گرد خورشید تابناک امامت حلقه زده و پیمان وفا داری می‌بندند و این جریان سبز جاری است تا آنکه ده هزار سرباز جان بر کف در اردوگاه امام (علیه السلام) حضور می‌یابند و با آن فرزند پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بیعت می‌کنند.^۹

امام (علیه السلام) با خیل یاوران، پرچم قیام را برافراشته و به سرعت بر مکه و اطراف آن مسلط می‌شوند و سرزمین پیامبر را از وجود ناهلان، پاک می‌کنند. آنگاه راهی مدینه می‌شود تا سایه عدالت و مهر را بر آن بگستراند و سرکشان شهر را بر جای خود بنشانند. سپس عازم عراق گشته و شهر کوفه را به عنوان مرکز حکومت جهانی برمی‌گزیند و از آنجا به مدیریت قیام می‌پردازد و برای دعوت جهانیان به اسلام و زندگی در پرتو قوانین قرآن و در هم کوبیدن بساط ظلم و ستم، یاران و سپاهیان نور را به نقاط مختلف عالم گسیل می‌دارد.

امام (علیه السلام) یک به یک سنگ‌های کلیدی جهان را فتح می‌کند زیرا که علاوه بر یاران وفادار و مؤمن، از امداد فرشتگان الهی نیز برخوردار است و مانند پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) از لشکر رعب و وحشت مدد می‌گیرد و خداوند توانا چنان ترسی از او و یارانش در دل‌های دشمنان می‌افکند که هیچ قدرتی را توان رویارویی با آن حضرت نیست.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«قائم از ما به وسیله رعب (وحشت در دل دشمنان) یاری می‌شود.»^{۱۰}

گفتنی است یکی از نقاط جهان که به وسیله سپاه امام فتح می شود بیت المقدس است^{۱۱} و پس از آن واقعه بسیار مبارکی اتفاق می افتد که در جریان قیام و انقلاب امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سرنوشت ساز است و جبهه آن حضرت را تقویت می کند و آن فرود آمدن حضرت عیسی (علیه السلام) از آسمان است. حضرت مسیح (علیه السلام) که به فرموده قرآن زنده است و در آسمان ها به سر می برد به زمین می آید و پشت سر امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به نماز می ایستد و بدین وسیله فضیلت و برتری پیشوای دوازدهم شیعیان را بر خود و پیروی خود را از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به همگان اعلام می کند.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«سوگند به آن کس که مرا به حق برانگیخت در حالی که بشارت دهنده مردمان باشم، اگر از عمر دنیا نمانده باشد مگر یک روز، خداوند آن روز را چنان طولانی می کند تا فرزندم مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آن قیام کند، پس از آن عیسی بن مریم (علیه السلام) فرود می آید و پشت سر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نماز می خواند.»^{۱۲}

به دنبال این اقدام حضرت عیسی (علیه السلام) بسیاری از مسیحیان که جمعیت فراوانی از جهان را تشکیل می دهند به پیشوای شیعیان، ایمان می آورند. گویی خداوند، عیسی (علیه السلام) را برای چنان روزی حفظ کرده است تا چراغ هدایتی برای حق طلبان باشد.

البته ظهور معجزات به دست هدایتگر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و طرح مباحث فکری برای راهنمایی بشریت از برنامه های انقلاب بزرگ مهدوی است که راه را برای هدایت مردم باز می کند.

در همین راستا امام (علیه السلام)، الواح تورات تحریف نشده - کتاب مقدس یهود - را که در نقاط خاصی از دنیا دفن شده است خارج می کند^{۱۳} و یهودیان که نشانه های امامت او را در الواح می بینند، به آن حضرت ایمان می آورند. و پیروان ادیان دیگر نیز با مشاهده این تحول بزرگ و نیز شنیدن پیام حق امام و دیدن معجزات از آن حضرت، گروه گروه به آن حضرت می پیوندند و اینگونه است که وعده حتمی پروردگار محقق می گردد و اسلام عزیز همه عالم را می گیرد. همان گونه که قرآن کریم بشارت داده است:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^{۱۴}؛

و او خدایی است که پیامبرش را با (دلایل) هدایت و دین حق فرستاد تا (سرانجام) آن را بر همه دین ها غالب گرداند اگرچه کافران را خوش نیاید.

با توجه به تصویری که ترسیم شد تنها قلدوران و ظالمان می مانند که حاضر به تسلیم شدن در برابر حق و حقیقت نیستند و این عده در مقابل جریان غالب و اکثریت مؤمنان تاب مقاومت ندارند و با شمشیر عدالت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به کیفر اعمال ننگین خود خواهند رسید و زمین و اهل آن برای همیشه از شرّ و فساد آنها ایمن خواهد شد.

حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

پس از کنار رفتن ابرهای تیره و تار، خورشید جهان افروز رخ می نماید و چشمان منتظر دشت و دمن را روشنی می بخشد.

آری، پس از مبارزه‌ای فراگیر با فساد و تباهی و نامردمی، نوبت به استقرار حاکمیت دادگری می‌رسد و عدالت بر کرسی حکمرانی تکیه می‌زند تا هر کس و هر چیز را در جای خود قرار دهد و سهم هر پدیده‌ای را به مقتضای حق و داد بپردازد. و بالاخره جهان و جهانیان شاهد حکومتی خواهند بود که سراسر حق و عدل است و کمترین ستم و ستمگری در گستره آن بر کسی نمی‌رود. حکومتی که مظهر صفات جمال و زیبایی پروردگار عالم است و در ساحت آن، بشر به تمامی آرمان‌های فراموش شده خود دست می‌یابد.

ما در این فصل در چهار محور بحث خواهیم کرد:

۱. اهداف حکومت جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۲. راه کارها و برنامه‌های حکومت امام (علیه السلام) در حوزه‌های مختلف
۳. دستاوردهای حکومت الهی دادگستر
۴. ویژگی‌های حکومت

اهداف حکومت

از آنجا که هدف از آفرینش مجموعه بزرگ هستی، کمال و نزدیکی هر چه بیشتر انسان به منبع همه کمالات یعنی حضرت حق تعالی می‌باشد و برای نیل به این آرمان بزرگ، باید ابزار و وسائل آن فراهم گردد، حکومت جهانی امام عصر (علیه السلام) در پی فراهم آوردن اسباب تقرب الی الله و برداشتن موانع از این مسیر است. البته انسان از دو بُعد جسم و جان ترکیب یافته است و نیازهای او نیز به دو بخش مادی و معنوی تقسیم می‌شود بنابراین برای رسیدن به کمال لازم است در هر دو جهت، حرکتی سنجیده و حساب شده داشته باشد و «عدالت» که ره آورد بزرگ حاکمیت الهی است ضامن سلامت رشد انسان در سیر مادی و معنوی است. بنابراین، اهداف حکومت امام دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دو محور رشد معنوی و اجرای عدالت و گسترش آن قابل طرح است.

رشد معنوی

برای پی بردن به ارزش و والایی هدف‌های یاد شده، لازم است نگاهی گذرا به حیات بشر در طول حاکمیت طاغوت‌ها بیفکنیم.

در طول زندگی انسان، به دور از حکومت حجت الهی، معنویت و ارزشهای معنوی چه جایگاهی داشته است؟ آیا جز این است که بشریت گم گشته و راه گم کرده، پیوسته در مسیر انحطاط معنوی گام برداشته و با پیروی از تمایلات نفسانی و وسوسه‌های شیطانی یک یک زیبایی‌ها و خوبیهای حیات خود را به فراموشی سپرده و با دست خود آنها را در گورستان شهوات دفن کرده است؟! پاکی و پاکدامنی، صداقت و درستکاری، تعاون و همکاری، گذشت و ایثار، احسان و نیکوکاری، جای خود را به هواپرستی و شهوترانی، دروغ و دغل بازی، خودمحوری و موقعیت جویی، خیانت و جنایت و زیاده خواهی و افزون طلبی داده است. و در یک کلمه معنویت در زندگی بشر نفس‌های آخر را می‌کشد و در بسیاری از نواحی و برای بسیاری از آدم‌نماها اثری از آن باقی نمانده است!!

حکومت آخرین ذخیره الهی در راستای زنده ساختن این بخش از وجود انسان گام بر می‌دارد و برای جان بخشیدن به این مرده مردار گشته تلاش می‌کند؛ تا طعم شیرین حیات واقعی و زندگی حقیقی را به آدم‌های مسجود ملائک بچشاند و به همگان یادآوری کند که از ابتدا مقرر شده بود که آنان در چنان حیاتی تنفس کنند و عطر

پاکی‌ها و خوبی‌ها را با مشام جان، استشمام کنند. چنانکه قرآن می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...﴾^{۱۵}؛

ای گروه مؤمنان آنگاه که خداوند و پیامبر، شما را به سوی آنچه شما را زنده می‌کند می‌خوانند، آنها را اجابت کنید و به ندای آنها لبیک گوئید.

بنابراین حیات معنوی که امتیاز بنی آدم از حیوانات است، بخش عمده و قسمت اصلی وجود انسان را تشکیل می‌دهد زیرا که آدمی با برخورداری از همین حیات است که «آدم» نامیده شده است و همین حیات است که او را به خداوند حیات آفرین می‌رساند و به مقام قرب او نائل می‌سازد.

از این رو در زمان حاکمیت ولی پروردگار، این بخش از وجود آدمی سروسامان می‌گیرد و ارزش‌های انسانی در همه ابعاد زندگی رونق و طراوت می‌یابد. صفا و صمیمیت، ایثار و وفا، راستی و درستی و... همه آنچه به عنوان «خوبی» از آن یاد می‌شود، همه جا را فرا می‌گیرد.

البته رسیدن به این هدف بزرگ و نقطه درخشان، نیاز به برنامه‌ای دقیق و جامع دارد که در بخش‌های آینده بیان خواهد شد.

عدالت گستری

بزرگترین زخم پیکر جامعه بشری در طول تمامی قرون و اعصار گذشته، ظلم و ستم موجود در اجتماعات انسانی بوده است. بشریت همواره از رسیدن به حقوق خود در عرصه‌های مختلف محروم مانده است و هیچگاه مواهب مادی و معنوی، عادلانه در بین بنی آدم تقسیم نگردیده است. همیشه در کنار شکم‌های انباشته از غذا، گروهی گرسنه مانده‌اند و پیوسته در نزدیکی کاخ‌ها و ویلاهای چند هزار متری، عده‌ای در حاشیه خیابانها و بر سنگفرش پیاده‌روها خوابیده‌اند. قدرت‌های زر و زور، مردم ضعیف و بیچاره را به بردگی کشیده‌اند و نژاد سفید بر گرده سیاهپوستان - تنها به جرم پوست سیاهشان - تازیانه مرگ فرود آورده است و در یک کلام همیشه و همه جا حقوق ضعیفان و بینوایان، پایمال هواها و تمایلات زورمندان و تزویر گران شده است و انسان همیشه در آرزوی دست یافتن به عدالت و مساوات روزشماری کرده است و رسیدن دوران شکوفایی عدالت را به انتظار نشسته است.

نهایت این انتظار، دوران سبز حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. او به عنوان بزرگترین رهبر عادل و پیشوای دادگر در پی اجرای عدالت در گستره عالم و در همه زمینه‌های حیات خواهد بود و این حقیقت شیرین در بسیاری از روایات که مژده آمدن او را داده، بیان گردیده است.

امام حسین (علیه السلام) فرمود:

«اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی کند تا مردی از فرزندان من قیام کند و زمین را از عدل و داد پر کند پس از آنکه از ستم و بیداد آکنده باشد. این چنین از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) شنیدم.»^{۱۶}

و دهها روایت دیگر داریم که خبر از عدالت جهانی و ریشه کنی ستم و ستمگری در سایه حکومت موعود آخرین داده است.

جالب است دانسته شود که عدالت و دادگری از آشکارترین ویژگی‌های امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است به گونه‌ای که در بعضی از دعاها به آن لقب گرفته است:

«اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَىٰ وَكَلِيِّ أَمْرِكِ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ»

خداوندا به ولی امر خود درود فرست همان که قیام کننده آرمانی و عدالت مورد انتظار همگان است.^{۱۷}

آری او عدالت را سرلوحه اهداف انقلاب خویش قرار داده است زیرا که عدالت، زمینه ساز حیات حقیقی در همه ابعاد حیات فردی و اجتماعی است و زمین و اهل آن بدون عدالت مردگان بی روحی هستند که زنده پنداشته می شوند.

امام کاظم (علیه السلام) در تفسیر آیه «اعلموا ان الله یخیی الارض بعد موتها»^{۱۸} فرمود:

«مقصود این نیست که زمین را با باران زنده می کند بلکه خداوند مردانی را بر می انگیزد که عدالت را زنده می کنند پس به سبب جان گرفتن عدل (در جامعه)، زمین زنده می شود...»^{۱۹}

و تعبیر «زنده شدن زمین» اشاره به آنست که عدالت مهدوی، عدالتی است فراگیر و همه جایی نه در بخشی از محیطها و برای بعضی از افراد.

خلاصه درس

- زمان ظهور حضرت به اراده الهی و فراهم شدن زمینه‌های آن وابسته است و لذا در روایات از تعیین وقت منع شده است.
- مخفی بودن زمان ظهور، حکمت‌های فراوانی دارد که تداوم روح امید و افزایش انگیزه زمینه سازی از جمله آن است.
- پس از غلبه ظلم و تباهی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به امر خداوند ظهور نموده و دعوت جهانی خود را از سرزمین مکه، آغاز می کند.
- مهم ترین اهداف حکومت حضرت، رشد معنوی و گسترش عدالت در جهان در همه ابعاد است.

معرفی منابع جهت مطالعه و پژوهش

۱. تاریخ ما بعد الظهور - سیدمحمد صدر
۲. حکومت جهانی امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) - ناصر مکارم شیرازی
۳. درسنامه مهدویت - خدامراد سلیمیان - ج ۱
۴. آینده جهان - رحیم کارگر
۵. چشم اندازی به حکومت جهانی امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) - نجم‌الدین طوسی
۶. فصل نامه انتظار - ۶، ۷، ۸ و ۹

۱. الغيبة طوسی، فصل ۷، ح ۴۱۲، ص ۴۲۶.
۲. همان، ح ۴۱۱، ص ۴۲۵.
۳. الغيبة طوسی، فصل ۷، ح ۴۱۴، ص ۴۲۶.
۴. الغيبة نعمانی، باب ۱۶، ح ۱۳، ص ۳۰۵.
۵. همان، باب ۱۴، ح ۱۷.
۶. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰.
۷. از علائم ظهور است که در ص ۱۵۸ آمده است.
۸. مراد از مقام، مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام) است که نزدیک خانه کعبه است و مقصود از «رکن»، رکن یمانی است، و این جایگاه بسیار مقدسی است که محل دفن بسیاری از پیامبران خداست.
۹. الغيبة نعمانی، باب ۱۴، ح ۶۷.
۱۰. کمال الدین، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶، ص ۶۰۳.
۱۱. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۵۵۴.
۱۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۱.
۱۳. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۵۲۲.
۱۴. سوره توبه، آیه ۳۳.
۱۵. سوره انفال، آیه ۲۴.
۱۶. کمال الدین، ج ۱، باب ۳۰، ح ۴، ص ۵۸۴.
۱۷. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.
۱۸. «بدانید که خداوند زمین را پس از مردنش، زنده خواهد کرد»؛ سوره حدید، آیه ۱۷.
۱۹. با توجه به روایات دیگر که آیه را به دوران امام مهدی (علیه السلام) تفسیر کرده است، مقصود از «مردان» در این روایت حضرت و یاوران او هستند. برهان، ج ۷، ص ۴۴۶.

درس دوازدهم

برنامه‌های حکومت جهانی حضرت

اهداف:

- آشنائی با برنامه‌های حضرت (علیه السلام)
- الگوپذیری از برنامه‌های اصلاحی حضرت

مطالب آموزشی:

- برنامه‌های فرهنگی حضرت (احیاء سنت، گسترش اخلاق، علم...)
- برنامه‌های اقتصادی حضرت (منابع طبیعی، توزیع، عمران و...)
- برنامه‌های اجتماعی حضرت (احیاء امر به معروف، اجرای حدود و...)

فواید:

- افزایش معرفت نسبت به آینده جهان
- هماهنگ نمودن و هم‌سو کردن زندگی فردی با عصر ظهور

برنامه‌های حکومت

پس از آشنایی با اهداف حکومت، باید به بررسی برنامه‌های حکومت برای رسیدن به هدف‌های مذکور پردازیم تا ضمن شناخت مسیر فعالیت‌ها در دوران سبز ظهور، الگویی برای دوران پیش از ظهور ترسیم شود و آن‌انکه به انتظار منجی بزرگ عالم هستند با روش‌های حکومتی و برنامه‌های اجرایی امام عصر (علیه السلام) آشنا گردیده و خود و جامعه را برای پیمودن چنان راهی آماده کنند.

با استفاده از روایات فراوانی که درباره دوران حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موجود است سه محور عمده برنامه‌های آن حکومت عبارتند از: برنامه‌های فرهنگی، برنامه‌های اجتماعی و برنامه‌های اقتصادی. به بیان دیگر جامعه بشری که به خاطر دوری از تعالیم ناب قرآن و سیره پیشوایان دینی، به انحطاط فرهنگی گرفتار شده است لازم است در پرتو یک انقلاب فرهنگی بزرگ، به دامن قرآن و عترت بازگردانده شود. همچنین لزوم یک «برنامه جامع اجتماعی» به آن جهت است که زخم‌های گوناگون پیکر اجتماع، التیام گیرد و برنامه‌های صحیحی که ضامن حیات واقعی جامعه و برخورداری همگان از حقوق الهی و انسانی است به جای روش‌های ظالمانه که جامعه را به هرج و مرج و فساد و تباهی و از بین رفتن حقوق ضعیفان کشانیده است، قرار گرفته و اجرا گردد.

برای فراهم شدن زمینه‌های تعالی فرهنگی و رشد اجتماعی، برنامه اقتصادی نیز ضرورت دارد تا ضمن آن از تمامی امکانات مادی زمینی به شکل عادلانه و در بستر مناسب استفاده شود. به بیان دیگر اینکه با بهره‌گیری بهینه از مواهب طبیعی، رشد اقتصادی و تأمین معیشت برای همه طبقات و در همه محیط‌ها امکان پذیر گردد. پس از بیان اجمالی برنامه‌های حکومت امام دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - به بررسی تفصیلی آنها بر اساس روایات معصومین (علیهم السلام) می‌پردازیم و مهمترین برنامه‌های حضرت را در هر بخش مورد بحث قرار می‌دهیم:

الف. برنامه فرهنگی

در حکومت جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تمامی فعالیت‌های فرهنگی، در راستای رشد و تعالی علمی و عملی مردم خواهد بود و با جهل و نادانی در همه زمینه‌ها مقابله خواهد شد. مهمترین محورهای جهاد فرهنگی در حکومت حق عبارتند از:

۱. احیاء کتاب و سنت

پس از آنکه در همه اعصار، قرآن غریب و تنها مانده و در حاشیه زندگی به فراموشی سپرده شده بود؛ در زمان حکومت آخرین حجّت الهی تعالیم حیات بخش قرآن به تمامی عرصه زندگی بشر وارد می‌شود. و سنت که همان

گفتار و رفتار پیشوایان دینی است در همه جا به عنوان بهترین الگوی حیات انسانی مطرح می‌گردد و عملکرد همگان با معیار خدشه ناپذیر قرآن و عترت ارزیابی می‌شود.

امام علی (علیه السلام) در بیانی رسا حکومت قرآنی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را چنین توصیف کرده است:

«در روزگاری که هوای نفس حکومت می‌کند [امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور می‌کند و] هدایت و رستگاری را جایگزین هوای نفس می‌سازد و در عصری که نظر شخصی بر قرآن مقدم شده است، افکار را متوجه قرآن می‌گرداند و آن را حاکم بر جامعه می‌سازد.»^۱

و نیز در بیانی دیگر، آن حضرت دوران ظهور قرآن و حضور آن را در زندگی بشر چنین بشارت داده است: «... گویی هم اکنون شیعیان خود را می‌بینم که در مسجد کوفه، خیمه‌ها زده‌اند و قرآن را بدان گونه که نازل شده به مردم می‌آموزند...»^۲.

و یاد دادن و یاد گرفتن قرآن نقطه شروعی برای ترویج فرهنگ قرآنی و حاکمیت قرآن و احکام آن در همه حوزه‌های فردی و اجتماعی است.

۲. گسترش معرفت و اخلاق

قرآن کریم و تعالیم اهل بیت (علیهم السلام) بر رشد اخلاقی و معنوی بشر بیشترین تأکید را انجام داده است زیرا که مهمترین عامل رشد و تعالی انسان به سوی هدف بلند خلقت همانا اخلاق نیکو می‌باشد. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) هدف از پیامبری خود را تکمیل مکارم اخلاق می‌شمرد^۳ و قرآن نیز آن بزرگوار را بهترین الگوی رفتاری برای همه مردم معرفی می‌کند.^۴ ولی با کمال تأسف به واسطه دوری بشر از راهنمایی‌های قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)، انحطاط اخلاقی در همه زمینه‌ها در جوامع بشری و به ویژه جامعه مسلمین آشکار گردیده است و همین انحراف از ارزشهای اخلاقی از عوامل مهم ویران کردن حیات فردی و اجتماعی انسانها شده است.

حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که حکومت خدا و ارزشهای الهی بر جهان است، ترویج ارزشهای اخلاقی را در رأس برنامه‌های خود قرار خواهد داد.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ؛

زمانی که قائم ما قیام کند دست خود بر سر بندگان خواهد نهاد و عقل‌های ایشان را جمع خواهد کرد و اخلاق آنها را به کمال خواهد رساند.»

از این تعبیر کنایه آمیز و زیبا استفاده می‌شود که در پرتو حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که حکومت اخلاق و معنویت است، بستر مناسب برای کمال عقلی و اخلاقی بشر فراهم خواهد آمد زیرا همانگونه که اخلاق منحط و پست از نقصان عقل و خرد آدمی است، کمال عقل موجب بروز و ظهور اخلاق نیکو در انسان خواهد بود.

از سوی دیگر محیط آکنده از هدایت‌های قرآن و سنت‌های الهی آدمی را به سوی خوبی‌ها سوق می‌دهد. بنابراین از درون و برون همه کشش‌ها به سوی فضیلت‌ها و زیبایی‌هاست و اینگونه است که ارزشهای الهی و انسانی همه جایی و عالم گیر می‌شود.

۳. نهضت علمی

یکی از برنامه‌های فرهنگی حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که خود منبع علوم و سرآمد همه عالمان زمان خویش است^۱، نهضت علمی و رشد دانش بشری به طور چشمگیر و بی سابقه است.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) پس از بشارت دادن نسبت به مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) درباره این بخش از اقدام او فرموده است:

«...نهمین امام (از فرزندان امام حسین (علیه السلام)) قائم ایشان است که خداوند به دست او همه زمین را از روشنایی پر می کند پس از آنکه گرفتار تاریکی گشته است و تمام زمین را از عدالت و دادگری می آکند پس از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد و سراسر عالم را از علم و دانائی بهره مند می سازد پس از آنکه به جهل و نادانی گرفتار آمده باشد...»^۲.

و این جنبش علمی و فکری برای همه اقشار و طبقات جامعه است و در این شکوفایی فرقی بین مرد و زن نیست. بلکه زنان نیز به رتبه‌های بلند علمی و دین شناسی می رسند.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«در زمان امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شما حکمت (و دانش) داده می شود تا آن جا که زن در درون خانه اش مطابق کتاب خدا و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) قضاوت می کند»^۳.
و این حکایت از آگاهی و شناخت عمیق از آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) دارد زیرا که امر قضاوت امری دشوار و سنگین است.

۴. مبارزه با بدعت ها

بدعت در مقابل «سنت» و به معنی نوآوری در دین و داخل کردن اندیشه‌ها و آراء شخصی در دین و دینداری است.

امام علی (علیه السلام) در معرفی بدعت گذاران فرمود:

«بدعت گذاران کسانی هستند که با فرمان خدا و کتاب او و پیامبرش مخالفت می ورزند و براساس رأی و هواهای نفسانی خود عمل می کنند هر چند شمار آنها بسیار باشد»^۴.

بنابراین بدعت به معنی مخالفت با خدا و کتاب و پیامبر او و حاکم کردن هواهای نفسانی و عمل کردن براساس تمایلات شخصی است و این جز آنست که با الهام از کتاب و سنت و براساس معیارهای الهی تحقیق و تحلیلی نو ارائه شود. بدعت امری است که سنت و شیوه خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را نابود می کند و هیچ آفتی برای دین، چنین شکننده و نابود کننده نیست.

امام علی (علیه السلام) فرمود:

«ماهدم الدین مثل البدع»^۵؛

هیچ چیز مانند بدعت‌ها دین را ویران و تباه نکرده است.

و به همین دلیل است که سنت‌مداران وظیفه دارند در مقابل بدعت گذاران قیام کنند و پرده از تزویر و نیرنگ آنها بردارند و راه نادرست آنها را برای مردمان آشکار کنند و بدینگونه از گمراهی مردم جلوگیری کنند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«هرگاه بدعت‌ها در میان امت آشکار شوند بر عالم است که علم و دانش خود را آشکار سازد، هر کس چنین نکند نفرین خدا بر او باد!»^{۱۱}

با تأسف باید گفت که پس از پیامبر و راه روشن او، چه بدعت‌ها که در دین نگذاشتند و چه انحراف‌ها و کجی‌ها که در مسیر دینداری پدید نیاوردند و چه گمراهی‌ها که در برابر مردم نگشودند! و بدین سان چهره دین را واژگونه ساختند و رخسار تابناک آئین را به حجابهای هواها و سلیقه‌های شخصی پوشاندند و هر چند امامان معصوم (علیهم السلام) و به دنبال ایشان عالمان دین کوشیدند ولی همچنان راه بدعت‌گذاری و سنت‌سوزی باز ماند و در دوران غیبت بیشتر شد. و اکنون عالم در انتظار است که صاحب مکتب و موعود قرآن بیاید و در سایه سار حکومت او سنت‌ها زنده گردیده و بدعت‌ها برچیده شود. و بی شک در رأس برنامه‌های اصلاحی او مبارزه با بدعت‌ها و گمراهی‌هاست تا زمینه‌های هدایت و رشد و تعالی بشر فراهم گردد.

امام باقر (علیه السلام) در ضمن سخنی بلند در توصیف زمان ظهور آن حضرت فرمود:

«... وَلَا يَتْرُكُ بَدْعَةً إِلَّا أزالَهَا وَ لَا سُنَّةً إِلَّا أقالَمَهَا...»^{۱۲}؛

هیچ بدعتی را وانگذازد مگر اینکه آن را از ریشه برکند و از هیچ سنتی نمی‌گذرد مگر اینکه آن را بر پا خواهد فرمود.»

ب. برنامه اقتصادی

از شاخصه‌های یک جامعه سالم، اقتصاد سالم است. اگر از منابع ثروت در جامعه به درستی استفاده شود و امکانات تولید و توزیع در اختیار عده‌ای خاص نباشد بلکه حکومت به همه قشرها توجه کرده و برای همه امکان بهره‌گیری از سرمایه‌ها را فراهم کند، جامعه‌ای ساخته می‌شود که امکان رشد معنوی نیز در آن بیشتر است. در قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) نیز به جنبه اقتصادی و بهینه‌سازی وضع معیشتی مردم توجه شده است. بنابراین در حکومت قرآنی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای اقتصاد جهان برنامه جامعی تدوین شده است که بر اساس آن اولاً امر تولید سامان می‌یابد و از منابع طبیعی و مواهب خدایی بهترین بهره‌برداری می‌شود و ثانیاً ثروت به دست آمده به شکل عادلانه بین همه طبقات توزیع می‌گردد. بجاست در این باره به روایات نیم‌نگاهی بیندازیم.

۱. بهره‌وری از منابع طبیعی

یکی از مشکلات بخش اقتصاد، استفاده نکردن صحیح و بجا از مواهب الهی است. نه از تمام ظرفیت خاک استفاده می‌شود و نه از آب به درستی در راه احیاء زمین بهره‌برداری می‌گردد. در زمان امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و به برکت حکومت حق او آسمان، سخاوتمندانه می‌بارد و زمین بی دریغ بار می‌دهد.

امام علی (علیه السلام) فرمود:

«... وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَانزَلتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا...»^{۱۳}

و چون قائم ما قیام کند، آسمان باران می‌ریزد و زمین گیاه بیرون می‌آورد...».

در زمان حاکمیت آخرین حجّت حق همه زمین و امکانات آن در اختیار امام خوبان قرار می‌گیرد تا سرمایه‌ای کلان برای پی‌ریزی اقتصادی سالم فراهم شود.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«... تَطْوِي لَه الْأَرْضُ وَ تَطْهَرُ لَه الْكُنُوزُ...»^{۱۴}؛

زمین برای او پیچیده می‌شود (در لحظه‌ای از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌رود) و تمام گنجهای آن برای او آشکار می‌گردد.»

۲. توزیع عادلانه ثروت

از مهمترین عوامل اقتصاد بیمار در جوامع بشری، انباشته شدن ثروت در نزد گروهی خاص است. همیشه اینگونه بوده است که افراد یا جمعیت‌هایی که برای خود - به هر دلیل - امتیازی قائل بوده‌اند بر انبارهای ثروت عمومی چنگ انداخته و آن را در جهت منافع شخصی و گروهی به کار برده‌اند. امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با اینان مقابله خواهد کرد و ثروت همگانی را در اختیار همگان خواهد گذاشت و عدالت علوی را به همه نشان خواهد داد.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمٌ أَهْلَ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَةِ وَعَدَلَ فِي الرَّعِيَةِ...»^{۱۵}

وقتی قائم خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) قیام کند (اموال را) به مساوی تقسیم می‌کند و در میان خلق به عدالت رفتار می‌کند.»

در زمان آن حضرت اصل مساوات و برابری به اجرا در می‌آید و همگان از حقوق انسانی و الهی خود بهره مند می‌شوند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«شما را به مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بشارت می‌دهم که در امت من برانگیخته خواهد شد... او اموال را به درستی تقسیم می‌کند. کسی پرسید: مراد چیست؟ فرمود: یعنی بین مردم مساوات را اجرا خواهد کرد.»^{۱۶}
و ره آورد این مساوات در سطح جامعه آن است که فقر و تهیدستی ریشه کن گردیده و فاصله‌های طبقاتی برچیده می‌شود.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «... امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) میان مردم به مساوات رفتار می‌کند به گونه‌ای که کسی پیدا نشود که نیازمند زکات باشد.»^{۱۷}

۳. عمران و آبادانی

در حکومت‌های بشری، بخش‌هایی از محیط زندگی آباد می‌شود که به نحوی در ارتباط با حاکمان و اطرافیان و همفکران ایشان و یا طبقه اشراف و بزرگان و صاحب نفوذها باشد و بقیه طبقات فراموش می‌شوند ولی در حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که امر تولید و توزیع ساماندهی می‌گردد همه جا به نعمت و آبادانی می‌رسد.

امام باقر (علیه السلام) در توصیف روزگار امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود:

«... فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عُمَرَ...»^{۱۸}

در تمام زمین هیچ ویرانه‌ای نمی‌ماند جز اینکه آباد می‌گردد.

ج. برنامه اجتماعی

یکی از ابعاد اصلاح ساختار جامعه بشری، پرداختن به برنامه‌های اجتماعی است. در حکومت دادگستر بزرگ عالم، برای سامان بخشی اجتماع، برنامه‌هایی بر اساس تعالیم قرآن و سنت اهل بیت (علیهم السلام) در نظر گرفته شده است

که به سبب اجرای آنها محیط زندگی، زمینه‌ای آماده برای رشد و تعالی افراد خواهد بود. در جهانی که تحت حاکمیت الهی است خوبی‌ها ترویج می‌شود و از بدی‌ها نهی می‌گردد و با بدکاران برخورد قانونی می‌شود و نیز حقوق اجتماعی افراد به مساوات پرداخت می‌شود و عدالت اجتماعی به معنی واقعی آن پیاده می‌گردد. بجاست به روایات مراجعه کنیم و جلوه‌ای از آن دنیای زیبا را مشاهده کنیم:

۱. احیاء و گسترش امر به معروف و نهی از منکر

در حکومت جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده به اجرا گذاشته خواهد شد. همان واجبی که قرآن کریم بر آن تأکید ورزیده و آن را از ویژگی‌های امت اسلامی به عنوان برگزیده امت‌ها شمرده است.^{۱۹} همان امری که به سبب آن همه واجبات الهی اقامه می‌گردد^{۲۰} و واگذاشتن آن عامل اساسی در هلاکت و نابودی خوبی‌ها و رشد و زیادی بدی‌ها در اجتماعات بوده است. و از بهترین و والاترین مراتب امر به معروف و نهی از منکر آن است که رئیس حکومت و کارگزاران آن امرکننده به خوبی‌ها و بازدارنده از زشتی‌ها باشند.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«الْمُهْدِي وَ اصْحَابُهُ... يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛

مهدی و یاران او... امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.»

۲. مبارزه با فساد و ردائیل اخلاقی

نهی از منکر که یکی از شاخصه‌های حکومت الهی است تنها به زبان نخواهد بود بلکه در عمل با منکرات و زشتی‌ها مقابله خواهد شد تا جایی برای فساد و ردائیل اخلاقی در جامعه نماند و محیط زندگی از زشتی‌ها پاک گردد.

در دعای ندبه که آهنگ فراق و نوای جدایی از یار غایب است می‌خوانیم:

«أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ، أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكُذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ؛^{۲۱}

کجاست آنکه آثار گمراهی و هوی و هوس را نابود خواهد ساخت؟ کجاست آنکه ریسمانهای دروغ و افتراء را ریشه کن کند؟»

۳. اجرای حدود الهی

برخورد با مفسدان و تبهکاران جامعه، شیوه‌های گوناگون دارد. در حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از سویی با شیوه‌های فرهنگی و تعلیم معارف و تحکیم عقائد و ایمان، فاسقان و بزهکاران را به راه صلاح و راستی برمی‌گردانند و از سوی دیگر با تأمین نیازهای مشروع و معقول زندگی و اجرای عدالت اجتماعی، راه را بر فساد و تباهی می‌بندند ولی آنها که با وجود همه اینها راه تجاوز به حقوق دیگران و زیرپا گذاشتن احکام الهی را می‌پیمایند و چارچوب قانون را نمی‌پذیرند، با اینها به گونه‌ای شدید برخورد می‌شود که سداً راه تبهکاری آنها گردد و نیز از ادامه روند فساد در جامعه توسط دیگران جلوگیری شود و آن اجرای حدود الهی درباره مفسدان است که حدّ و مرز آن در قوانین کیفری اسلام بیان گردیده است.

در روایت بلندی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) که حضرت جواد (علیه السلام) نقل کرده است، در ضمن بیان خصوصیات امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمده است:

۴. عدالت قضایی

در رأس برنامه‌های حکومتی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در سطح جامعه، اجرای عدالت در همه بخش هاست و اوست که همه عالم را، پر از عدالت و دادگری می‌کند همانگونه که از ظلم و ستم آکنده باشد. و یکی از مهمترین حوزه‌های اجرای عدالت، بخش قضاوت است و این همان بخشی است که بیشترین ظلم‌ها و حق‌کشی‌ها در آن شده است. اموال، به ناحق مصادره گشته و خونها، به ناحق ریخته شده و آبروی بی گناهان به خطر افتاده است! در محاکم قضایی دنیا، بیشترین ظلم بر مستضعفان عالم شده است و احکام صادره از آنها تحت تأثیر نفوذ قدرتمندان و حاکمان ستمگر، مال و جان افراد و گروههای بسیاری را به ناحق نابود کرده است. قاضیان دنیا طلب نیز برای جلب منافع مادی برای خود و وابستگانشان حکم‌های ظالمانه بسیاری را نوشته و اجرا کرده‌اند و خلاصه اینکه چه بسیار بی گناهی که به چوبه دار آویخته شده است و چه بسا تبهکار و مجرمی که قانون خدا درباره او اجرا نگردیده است.

حاکمیت عدل گستر امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پایان همه ظلم‌ها و نهایت همه حق‌کشی هاست. او که مظهر عدالت پروردگار است، محکمه‌هایی دادگستر ایجاد می‌کند و قاضیانی صالح و مجریانی دقیق و خدا ترس می‌گمارد تا به هیچ کس در هیچ جای عالم کمترین ستمی نرود.

حضرت رضا (علیه السلام) در ضمن روایتی بلند در توصیف امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و دوران طلائئ ظهورش فرمود:

«فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلُمُ أَحَدٌ أَحَدًا»^{۲۴}؛

وقتی او قیام کند زمین به نور پروردگار روشن گردد و آن حضرت ترازوی عدالت در میان خلق نهد پس (چنان عدالت را جاری کند که) هیچ کس بر دیگری ظلم و ستم روا ندارد.»

از این روایت دانسته می‌شود که عدالت قضایی حضرت چنان گسترده و دقیق است که راه را بر ظالمان و سودجویان می‌بندد و از تکرار ظلم و ستم و عادی شدن تجاوز به حق دیگران، جلوگیری می‌کند.

خلاصه درس

- مهم ترین برنامه‌های فرهنگی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عبارت است از: احیاء کتاب و سنت، گسترش اخلاق، شکوفای علم و مبارزه با بدعت‌ها.
- برنامه حضرت در عرصه اقتصاد، بهره‌وری کامل از منابع طبیعی و گسترش عمران و آبادی جهان است.
- برنامه حکومتی حضرت در عرصه اجتماعی، احیاء امر به معروف و نهی از منکر و اجرای الهی در جامعه است.

معرفی منابع جهت مطالعه و پژوهش

۱. فصل نامه انتظار- شماره ۸ و ۹، سخنان مقام معظم رهبری و شماره ۱۳، سخنان آیت... جوادی آملی
۲. تاریخ مابعدالظهور - سید محمد صدر
۳. سیمای آفتاب - حبیب الله طاهری
۴. عصر زندگی - محمد حکیمی
۵. آینده جهان - رحیم کارگر

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.
۲. الغيبة نعمانی، باب ۲۱، ج ۳، ص ۳۳۳.
۳. پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق؛ همانا من برای تکمیل مکارم اخلاق برانگیخته شدم. (میزان الحکمة، مترجم، ج ۴، ص ۱۵۳۰).
۴. اشاره به آیه «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة»؛ «و برای شما در رسول خدا الگویی نیکویی است.» (سوره احزاب، آیه ۲۱).
۵. بحارالانوار، ۵۲، ص ۳۳۶.
۶. امام علی (علیه السلام) در توصیف مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دانش او از همه شما بیشتر است؛ الغيبة نعمانی، باب ۱۳، ج ۱.
۷. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۵۳؛ کمال الدین، ج ۱، باب ۲۴، ح ۵، ص ۴۸۷.
۸. الغيبة نعمانی، ۲۳۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.
۹. میزان الحکمة، ح ۱۶۳۲.
۱۰. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۹۱.
۱۱. میزان الحکمة، ح ۱۶۴۹.
۱۲. بحارالانوار، ج ۵۸، ح ۱۱، ص ۱۱.
۱۳. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴ - خصال / ۶۲۶.
۱۴. کمال الدین، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶، ص ۶۰۳.
۱۵. الغيبة نعمانی، باب ۱۳، ح ۲۶، ص ۲۴۲.
۱۶. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۱.
۱۷. همان، ص ۳۹۰.
۱۸. کمال الدین، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶، ص ۶۰۳.
۱۹. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.
۲۰. در سخنی از امام باقر درباره این واجب آمده: «ان الامر بالمعروف والنهی عن المنکر... فريضة عظيمة بها تقام الفرائض» یعنی «امر به معروف و نهی از منکر... واجبی است که به سبب آن همه واجبات اقامه می گردد». میزان الحکمة، مترجم ج ۸، ص ۳۷۰۴.
۲۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۴۷.
۲۲. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.
۲۳. بحارالانوار، ۵۲، باب ۲۷، ح ۴.
۲۴. همان، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

درس سیزدهم

دستاوردها، قلمرو

و مدت حکومت حضرت

اهداف:

- شناخت دستاوردها و گستره حکومت حضرت
- شناخت مدت دوران حکومت حضرت
- آشنائی با سیره شخصی و حکومتی حضرت

فوائد:

- آشنائی با چشم انداز درخشان عصر ظهور
- درک جذابیت برنامه‌های دوران ظهور
- عشق و شوق به فرا رسیدن زمان ظهور

مطالب آموزشی:

- کارکرد عدالت گستری حضرت
- کارکرد اخلاقی و تربیتی حضرت
- کارکرد اجتماعی و دینی حضرت
- کارکرد اقتصادی و علمی حضرت
- قلمرو و مدت حکومت حضرت

دستاوردهای حکومت

افراد و جمعیت‌ها پیش از آنکه به حکومت برسند و قدرت را به دست گیرند آرمانهایی را برای حکومت خود بیان می‌کنند و چه بسا برای رسیدن به آن اهداف، برنامه‌های خود را نیز اعلام کنند اما معمولاً پس از رسیدن به قدرت و گذشت زمان، در اهداف خود ناکام مانده و گاهی از آنچه گفته بودند عدول می‌کنند و یا به کلی آن ایده‌ها و اهداف مطرح شده را فراموش می‌کنند.

دست نیافتن به آرزوها و اهداف از پیش تعیین شده یا به جهت آن است که «هدف‌ها» واقعی و اصولی نبوده و یا آنکه برنامه‌های حکومت برای رسیدن به هدف‌ها، برنامه جامع و کاملی نبوده است و در بسیاری از موارد نیز سبب ناکامی، عدم لیاقت مجریان بوده است.

در حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اهداف، هدفهایی است واقعی و اصیل که ریشه در عمق وجدانهای بشر دارد و همگان در آرزوی رسیدن به آن بوده‌اند و برنامه‌ها نیز بر اساس تعالیم قرآن و سنت اهل بیت (علیهم السلام) تنظیم گردیده و در تمامی بخش‌ها ضمانت اجرایی برای آنها وجود دارد؛ بنابراین دستاوردهای این انقلاب عظیم، بسیار چشمگیر و قابل توجه است و در یک جمله باید گفت دستاوردهای حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پاسخگوی تمام نیازهای معنوی و مادی بشر است که خداوند متعال در وجود انسان به امانت نهاده است.

در اینجا با توجه به روایات برخی از این دستاوردها را بیان می‌کنیم:

۱. عدالت فراگیر

در روایات فراوان، مهمترین ره آورد قیام و انقلاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پر شدن جهان از عدالت و دادگری شمرده شده است که در بخش اهداف حکومت درباره آن سخن گفتیم. اما در این بخش بر آن حقیقت یاد شده این واقعیت را می‌افزاییم که در حاکمیت قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) عدالت در همه سطوح جامعه به صورت یک جریان جاری در تمام مویرگهای اجتماع در می‌آید و هیچ نهاد و مجموعه کوچک یا بزرگی نمی‌ماند مگر اینکه عدالت در آن حاکم خواهد شد و روابط افراد با یکدیگر بر اساس آن پی ریزی خواهد شد. امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمود:

«به خدا قسم، عدالت را در خانه‌های مردم خواهد برد آنچنان که سرما و گرما به درون خانه‌ها نفوذ می‌کند.»^۱
وقتی خانه که کوچکترین نهاد در جامعه است به کانون عدالت تبدیل می‌شود و روابط افراد خانواده با یکدیگر عادلانه می‌گردد حکایت از آن دارد که حکومت جهانی و عدل گستر مهدوی نه با ابزار زور و قانون بلکه بر اساس یک تربیت قرآنی که به عدالت و احسان فرمان می‌دهد^۲، افراد را پرورش می‌دهد و در فضایی این چنین همگان به

حکم وظیفه انسانی و الهی خود، حقوق دیگران را - گرچه از نظر رتبه و مقام، جایگاهی نداشته باشند - محترم می‌شمارند.

در جامعه موعود مهدوی، عدالت، یک جریان فرهنگی اصیل و با پشتوانه قرآنی و حکومتی است که تخلف از آن تنها توسط معدودی از افراد که خود محور و منفعت طلب بوده و به دور از تعالیم قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) پرورش یافته اند، صورت می‌گیرد که حاکمیت عدالت پرور با آنها برخورد جدی می‌کند و اجازه رشد و نمو و ریشه دوانیدن به آنها نمی‌دهد و به ویژه از نفوذ آنها به سطوح حاکمیت جلوگیری می‌کند.

آری عدالتی چنین فراگیر و همگانی ره آورد حکومت مهدی منتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و بدینسان عالی‌ترین هدف انقلاب امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که پر کردن عالم از عدل و داد بوده است به شکل کامل تحقق خواهد یافت و ظلم و ستم و حق‌کشی در همه زوایای جامعه حتی در روابط اعضای خانواده با یکدیگر از بین خواهد رفت.

۲. رشد فکری و اخلاقی و ایمانی

در بخش قبل آمده که فراگیر شدن عدالت در جامعه به سبب تربیت صحیح افراد و رواج فرهنگ قرآن و عترت در جامعه است و در روایات ما به رشد فکری و اخلاقی و ایمانی مردم در حاکمیت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تصریح شده است.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«وقتی قائم ما قیام کند دست (عنایت) خویش بر سر بندگان خدا نهد و به برکت آن عقل و خرد آنها به کمال رسد.»^۳

و همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها به دنبال کمال عقل انسان، به دست می‌آید زیرا که عقل، پیامبر درونی انسان است که در صورت حاکم بودن آن بر کشور جسم و جان، اندیشه و عمل آدمی به سوی صلاح و درستی خواهد رفت و مسیر بندگی پروردگار و نیل به سعادت هموار خواهد شد.

از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد که عقل چیست؟

فرمود:

«عقل آن [حقیقتی] است که به سبب آن خداوند عبادت می‌شود و به [راهنمایی] آن بهشت به دست می‌آید.»^۴ آری، در جامعه امروز می‌بینیم که در جامعه بدون امام، شهوات بر عقل، غلبه دارد و نفس سرکش، یگانه فرمانروای افراد و گروه‌ها و احزاب است و پیامد این وضعیت پایمال شدن حقوق افراد و فراموش شدن ارزشهای الهی است ولی در جامعه موعود و در سایه فرمانروائی حجّت خدا، که عقل کلّ است، عقول انسانها، میدان دار و سگّان دار تصمیم و اقدام خواهد بود و عقل به کمال رسیده جز به خوبی و زیبایی فرمان نمی‌دهد.

۳. اتحاد و همدلی

برابر روایات، جمعیتی که تحت حاکمیت جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بسر می‌برند، با هم متحد و صمیمی خواهند بود و در زمان برپایی دولت مهدوی جایی برای کینه و دشمنی نسبت به یکدیگر در دل‌های بندگان خدا نخواهد ماند.

امام علی (علیه السلام) فرمود:

«وَلَوْ قَدَّ قَامَ قَائِمُنَا... لَذَهَبَتِ الشَّخْنَاءُ، مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ...»

وقتی قائم ما قیام کند، کینه از دل‌های بندگان برود»

در آن زمان دیگر بهانه‌ای برای کینه توزی نیست زیرا که روزگار عدل و دادگری است و حقی از کسی ضایع نمی‌شود و روزگار خردورزی و تعقل است نه عقل ستیزی و شهوت پرستی.^۵ بنابراین زمینه‌ای برای دشمنی و کینه جویی باقی نمی‌ماند و از این رو دل‌های مردم که تا پیش از این، پراکنده و دور از هم بود، انس و الفت می‌یابد و همگان به برادری و اخوت قرآنی باز می‌گردند^۶ و مانند برادران با یکدیگر همدل و مهربان می‌شوند.

امام صادق(علیه السلام) در وصف روزگار سبز مهدوی فرمود:

«در آن ایام] خداوند وحدت و اُلفت بین قلوب پریشان و پراکنده برقرار کند.»^۷

و اگر دست خدا در کار است دیگر عجب نیست که این همدلی و صمیمیت به جایی رسد که تصور آن در دنیای کنونی که بحران تضادها و کشمکش‌های مادی به اوج خود رسیده است، دشوار باشد.

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

«وقتی قائم ما قیام کند دوستی واقعی و صمیمیت حقیقی بیان می‌شود. هر نیازمندی دست می‌برد و از جیب برادر

ایمانی اش به مقدار نیاز برمی‌دارد و برادرش او را منع نمی‌کند.»^۸

۴. سلامت جسمی و روانی

یکی از مشکلات بشر امروز بروز بیماری‌های سخت و غیر قابل علاج است که محصول عوامل گوناگون از جمله آلودگی محیط زیست به سبب به کارگیری سلاح‌های شیمیایی، اتمی و میکروبی است. همچنین روابط نامشروع انسانها با یکدیگر و نیز از بین بردن جنگل‌ها و آب‌های دریا از دیگر عوامل ظهور بیماریهایی مانند جذام، طاعون، فلج، سکنه و دهها بیماری دیگر است که بهداشت و درمان پیشرفته امروزی نیز قادر به معالجه آنها نیست. بر بیماری‌های جسمی باید فهرست بلندی از امراض روحی و روانی را نیز افزود که زندگی را برای مردم جهان تلخ و غیر قابل تحمل کرده است که این نیز به سبب روابط غلط حاکم بر جهان و انسانهاست.

در دولت کریمه مهدوی که روزگار عدالت گستری و حکومت فضیلت‌ها و زیبایی هاست و روابط بر اساس برادری و برابری شکل می‌گیرد، بیماری‌های جسمی و روانی انسان از بین می‌رود و قوای بدنی و روحی انسان به طور شگفت‌انگیزی قوی و نیرومند می‌گردد.

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

«هنگامی که حضرت قائم(عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند، خداوند بیماریها را از مؤمنان دور می‌سازد و تندرستی را به آنان باز می‌گرداند.»^۹

در دولت آن سرور که دانش به گونه‌ای شگفت‌پشرفت می‌کند هیچ بیماری لاعلاجی نمی‌ماند و بهداشت و طب، رشد چشمگیری خواهد داشت و نیز به برکت وجود حضرت، بسیاری از بیماران شفا خواهند گرفت.

امام باقر(علیه السلام) فرمود:

«هر کس قائم اهل بیت مرا درک کند اگر به بیماری دچار باشد شفا می‌یابد و چنانچه دچار ناتوانی باشد توانا و

نیرومند می‌گردد.»^{۱۰}

۵. خیر و برکت فراوان

از دستاوردهای بزرگ حکومت قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) خیر و برکت فراوان و بی سابقه است. در بهار دولت او همه جا سبز و خرم گشته و نشاط و حیات می یابد. آسمان می بارد و زمین می رویاند و برکات الهی سرشار و بی شمار می گردد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«... خداوند به سبب او (امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برکات آسمانها و زمین را جاری می کند. [در ایام دولت او] آسمان می بارد و زمین دانه می دهد.»^{۱۱}

در سایه حکومت آن حضرت کویری نمی ماند و همه زمین ها جامه حیات و شادابی به تن می کند. این تحول چشمگیر و فراوانی بی نظیر به جهت آن است که روزگار مهدی، زمان جوانه زدن نهال پاکی و تقوا و شکوفایی گل‌های ایمان است و مردم در همه اصناف و اقسام تحت تربیت الهی قرار گرفته و روابط خود را بر اساس ارزشهای خدائی انجام می دهند و خداوند وعده فرموده است که چنین محیط پاکی را از برکات و خیرات، سیراب گرداند.

قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾

اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می کردند [درهای] برکات آسمان و زمین را به رویشان باز می کردیم.^{۱۲}

۶. ریشه کن شدن فقر

وقتی همه منابع زمینی برای امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آشکار گردد و برکات آسمان و زمین بر مردم زمان او بی دریغ جریان یابد و به عدالت تقسیم گردد جایی برای فقر و تهیدستی نمی ماند و بشریت در دولت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای همیشه از چنگال فقر و ناداری رها می شود.^{۱۳}

در روزگار او روابط اقتصادی بر اساس برادری و برابری شکل می گیرد و اصل سودجویی و منفعت طلبی شخصی، جای خود را به حسّ دلسوزی و غمخواری و مواسات با برادران دینی می دهد و در این حال همه به یکدیگر به عنوان اعضای یک خانواده نگاه می کنند و بنابراین همه، دیگران را از خود می دانند و بوی یگانگی و یکرنگی در همه جا به مشام می رسد.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«... (امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هر سال دو بار به مردم می بخشد و در هر ماه دوبار به آنها روزی (و نیاز زندگی) عطا می کند و [در این کار] به مساوات بین مردم عمل می نماید تا اینکه [چنان مردم بی نیاز می شوند که] هیچ نیامندی به زکات پیدا نمی شود...!»^{۱۴}

از روایات استفاده می شود که عدم نیامندی مردم به جهت روحیه قناعت و بی نیازی روحی است. به بیان دیگر پیش از آنکه مردم از بیرون، صاحب مال فراوان شوند و بی نیاز گردند از درون، روح بی نیازی در آنها پیدا می شود و به آنچه خداوند از فضل خویش به آنها عطا کرده راضی و خشنود می گردند و بنابراین چشمی به اموال دیگران ندارند.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) در توصیف روزگار دولت مهدوی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرموده است:

«... خداوند [روح] بی نیازی را در دل‌های بندگان قرار می‌دهد.»^{۱۵}

این در حالی است که پیش از ظهور روحیه آزمندی و زیاده طلبی عامل مؤثری در رقابت‌های غلط و انباشتن اموال بر روی هم و انفاق نکردن آنها به نیازمندان بوده است.

خلاصه اینکه در زمان امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بی نیازی از بیرون و درون خواهد بود. از سوئی ثروت سرشار به عدالت تقسیم می‌گردد و از سوی دیگر قناعت، ویژگی اخلاقی مردمان می‌شود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) پس از اینکه درباره بخشش امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مردم بیاناتی فرموده است می‌افزاید: «و خداوند دل‌های امت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را از بی نیازی پُر می‌کند و عدالت مهدوی همه آنها را در بر می‌گیرد به گونه‌ای که [حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)] امر می‌کند تا ندا دهنده‌ای اعلام کند:

چه کسی نیازمند مال است؟ پس کسی در میان مردم بر نخیزد مگر یک نفر!

پس امام [به او] می‌فرماید: نزد خزانه دار برو و به او بگو: مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به تو فرمان می‌دهد که به من مالی بدهی. پس خزانه دار به او می‌گوید: جامه ات را بیاور، تا اینکه وسط جامه اش را پُر می‌کند و چون آن را بر دوش می‌کشد پشیمان می‌شود و می‌گوید: چرا در میان امت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) من از همه حریص‌تر باشم... پس مال را بر می‌گرداند ولی از او قبول نمی‌شود و به او گفته می‌شود: ما آنچه عطا کردیم باز پس نمی‌گیریم.»^{۱۶}

۷. حاکمیت اسلام و نابودی کفر

قرآن کریم در سه مورد وعده داده است که خداوند متعال دین مقدس اسلام را جهان گیر خواهد کرد:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...﴾^{۱۷}؛

او خدائی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن دین را بر همه ادیان پیروز گرداند...

و شکی نیست که وعده خداوند انجام شدنی و تخلف ناپذیر است چنانکه قرآن فرموده است:

﴿...إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْأُوعَادَ﴾^{۱۸}

ولی روشن است که با وجود همه مجاهدت‌ها و تلاش‌های بی دریغ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و اولیاء خدا (علیهم السلام) تا کنون چنین رویداد مبارکی به وقوع نپیوسته است^{۱۹} و همه مسلمانان امید دارند که این روزگار فرا رسد و البته این آرزویی حقیقی است که ریشه در بیانات پیشوایان معصوم (علیهم السلام) دارد.

بنابراین در سایه حاکمیت آن ولی پروردگار بانگ اشهدان لا اله الا الله که پرچم توحید است و نوای اشهد ان محمداً رسول الله که علم اسلام است همه جا را فرا خواهد گرفت و اثری از شرک و کفر باقی نخواهد ماند.

امام باقر (علیه السلام) در توضیح آیه ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ...﴾^{۲۰}

فرمود:

«تأویل^{۲۱} این آیه هنوز نیامده است و هرگاه قائم ما قیام کند آنکس که زمان او را در یابد، تأویل این آیه را خواهد دید و هر آینه [در آن زمان] دین محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) به هر کجا که شب می‌رسد خواهد رسید (و عالم گیر خواهد شد) به گونه‌ای که بر سطح زمین، اثری از شرک نخواهد ماند همانگونه که خداوند فرموده

[وعده نموده] است؟!»^{۲۲}

و البتّه این جهان شمولی اسلام به سبب حقّانیت و واقعیت «اسلام» است که در روزگار مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هر چه بیشتر و بهتر آشکار خواهد شد و همگان را به خود جلب خواهد کرد مگر آنانکه از روی عناد و سرکشی سر به طغیان بردارند که با شمشیر عدل مهدوی که دست انتقام پروردگار است رو به رو خواهند شد. آخرین نکته در این بخش آنست که این وحدت عقیدتی که در پرتو حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به دست می آید زمینه بسیار مناسبی برای تشکیل جامعه واحد جهانی است و جهان به دنبال همین اتحاد و یگانگی در اعتقاد، به یک قانون و نظام توحیدی تن می دهد و آن را می پذیرد و سپس در سایه آن، روابط فردی و اجتماعی خود را بر اساس معیارهایی که از یک عقیده و مرام گرفته شده است، تنظیم می کند و طبق این بیان، وحدت عقیدتی و جمع شدن همه مردم در زیر یک پرچم و دین واحد، یک ضرورت و نیاز جدی است که در حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حاصل خواهد شد.

۸. امنیت عمومی

در حاکمیت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که دوران فراگیری همه خوبی ها در همه عرصه های زندگی است، امنیت که از بزرگترین نعمت های الهی و از عالی ترین آرزوهای انسان است، به دست می آید. وقتی مردم از عقیده و مرامی واحد پیروی کنند و در روابط اجتماعی خود به اصول بلند اخلاقی پای بند باشند و عدالت در تمام مویرگهای حیات فردی و جمعی بشر جاری گردد، بهانه ای برای ناامنی و ترس در هیچ بخشی از زندگی باقی نمی ماند. در جامعه ای که هر کسی به حقوق الهی و انسانی خود می رسد و با تجاوز و حق گشی - گرچه در طبقه حاکمان و در کمترین مقدار آن باشد - برخورد قانونی می شود، امنیت عمومی و اجتماعی شکل می گیرد. امام علی (علیه السلام) فرمود:

«به دست ما [و در حکومت ما] روزگار سختی ها سپری می گردد... و چون قائم ما قیام کند کینه ها از دل ها بیرون رود، حیوانات نیز با هم سازگاری کنند. [در آن روزگار چنان محیط امنی ایجاد شود] که زن، با همه زیب و زیور خود، از عراق تا شام برود... و چیزی او را نترساند.»^{۲۳}

و البتّه برای ما که در روزگار بی عدالتی ها و آزمندی ها و کینه توزیها بسر می بریم تصور چنان دوران سبزی، بسیار دشوار است ولی چنانکه گفته شد اگر به عوامل آن همه بدی و زشتی بنگریم و بیندیشیم که این عوامل در حاکمیت حکومت حق ریشه کن خواهد شد خواهیم دانست که وعده الهی در تحقق جامعه امن و آرام، حتمی است.

خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است:

«خدا به کسانی که ایمان آورده اند... وعده داده که به یقین در روی زمین، ایشان را خلیفه (و حاکم) گرداند... و پس از اینکه در ترس و نگرانی قرار داشتند، امنیت و آرامش را به ایشان عطا فرماید...»^{۲۴}

و امام صادق (علیه السلام) در معنی این آیه فرمود:

«این آیه درباره قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یارانش نازل شده است.»^{۲۵}

۹. گسترش دانش

در دوران حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اسرار علمی فراوان در علوم اسلامی و انسانی آشکار می شود و دانش بشری به گونه ای غیر قابل تصوّر توسعه می یابد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«علم و دانش، بیست و هفت حرف است و همه آنچه پیامبران آورده اند، تنها دو حرف آن است و مردم تا کنون جز با آن دو حرف آشنایی ندارند و هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورده و در میان مردم گسترش دهد و آن دو حرف را نیز به آنها ضمیمه ساخته و مجموع بیست و هفت حرف را منتشر خواهد کرد.»^{۲۶}

بدیهی است که رشد و توسعه علمی در همه زمینه‌ها برای انسان روی می‌دهد و در روایات متعدد اشاراتی آمده که نشان می‌دهد فاصله دانش صنعتی در آن زمان، با صنعت کنونی، بسیار زیاد خواهد بود.^{۲۷} همانگونه که صنعت کنونی با قرن‌های پیشین تفاوت چشمگیری دارد.

در اینجا به بعضی از روایات اشاره می‌کنیم:

امام صادق (علیه السلام) درباره چگونگی ارتباطات در حکومت امام مهدی فرمود:

«در روزگار قائم (علیه السلام) مؤمن در مشرق زمین، برادرش را که در مغرب زمین است می‌بیند...»^{۲۸} و نیز فرمود:

«هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند قدرت شنوایی و بینایی شیعیان ما را افزایش می‌دهد به گونه‌ای که آن حضرت از فاصله یک برید (چهار فرسنگ) با شیعیان خود سخن می‌گوید و آنان سخن او را می‌شنوند و او را می‌بینند در حالی که حضرت در جایگاه خود قرار دارد.»^{۲۹}

و درباره میزان آگاهی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از احوال مردم به عنوان رئیس حکومت و مرکز تصمیم‌گیری و فرماندهی، در روایت آمده است که:

«اگر کسی در خانه خودش سخنی بگوید، بیم آن دارد که مبادا دیوارهای خانه اش گزارش دهند.»^{۳۰}

با توجه به وسایل پیشرفته ارتباطی درک این روایات آسانتر است ولی روشن نیست که آیا همین وسایل به صورت پیشرفته‌تر به کار گرفته می‌شود یا سیستم دیگری که پیچیدگی بیشتری دارد جایگزین وسایل امروزی خواهد شد.

ویژگی‌های حکومت

در بخش‌های قبل درباره اهداف، برنامه‌ها و دستاوردهای حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سخن گفته شد. در پایان به برخی از ویژگی‌های حکومت مانند قلمرو حکومت و مرکز آن، مدت حکومت و روش کارگزاران و معرفی آنها و نیز سیره رهبر بزرگ حکومت، می‌پردازیم.

قلمرو حکومت و مرکز آن

تردیدی نیست که حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حکومتی جهانی است زیرا که او موعود همه بشریت و تحقق بخش آرزوهای همه انسان‌هاست. بنابراین آنچه از زیبایی‌ها و خوبی‌ها در سایه حکومت او به وجود آید سراسر زمین را فرا خواهد گرفت. این حقیقتی است که روایات فراوان، شاهد آن است که به گروههایی از آنها اشاره می‌کنیم.

الف. روایات بسیاری که مضمون آن چنین است، مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.^{۳۱} کلمه «زمین» (الارض) سرتاسر کره خاکی را در بر می‌گیرد و هیچ

دلیلی وجود ندارد که معنی آن را به بخشی از زمین محدود کند.

ب. روایاتی که از تسلط امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر مناطق مختلف جهان خبر داده است که گستردگی و پراکندگی و اهمیت آن مناطق، حکایت از سلطه آن حضرت بر تمامی جهان دارد و معلوم می شود که نام بردن از شهرها و کشورها در روایات از باب نمونه و مثال بوده و میزان درک مخاطبان روایات در آن زمان نیز ملاحظه گردیده است.

در روایات مختلف از روم، چین، دیلم یا کوههای دیلم، ترک، سند، هند، قسطنطنیه، کابل شاه و خزر به عنوان مناطقی که امام مهدی بر آنها مسلط خواهد شد و آنها را فتح خواهد کرد نام برده شده است.^{۳۲} گفتنی است که در زمان ائمه (علیهم السلام) مناطق یاد شده بر بخش های بسیار گسترده تری نسبت به زمان ما، گفته می شده است. برای مثال «روم» شامل همه اروپا و حتی قاره آمریکا می گردیده و مراد از چین همه شرق آسیا بوده که شامل ژاپن نیز می شود همانگونه که «هند»، پاکستان امروز را شامل بوده است. شهر قسطنطنیه همان استانبول است که در جهان آن روز به عنوان مقاوم ترین شهرها و مناطق از آن یاد می شده و در واقع فتح آن به پیروزی و موفقیت بزرگ شمرده می شده زیرا که یکی از راههای اصلی ورود به قاره اروپا بوده است.

خلاصه اینکه تسلط امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر مناطق حساس و مهم جهان حکایت از گستردگی جهانی فرمانروایی آن حضرت دارد.

ج. گذشته از روایات دسته اول و دسته دوم، روایات متعددی در دست است که به روشنی از جهانی بودن حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خبر می دهد.

در سخنی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) آمده است که خداوند متعال فرموده است: «... من دین خود را به دست آنها (پیشوایان دوازده گانه) بر همه آئین ها پیروز می گردانم و به دست ایشان فرمان خود را (بر همه) چیره خواهم ساخت و به (قیام) آخرین آنها - امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - سراسر زمین را از دشمنانم پاک خواهم کرد و او را بر مشرق و مغرب زمین فرمانروا خواهم گرداند...»^{۳۳} و امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«أَلْقَائِمٌ مِّنَّا... يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَيَظْهَرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ...»^{۳۴}؛

قائم (علیه السلام) از ما (خاندان پیامبر) است... (او کسی است که) فرمانروایی او مشرق و مغرب (عالم) را فرا خواهد گرفت و خداوند به دست او دین خود را بر همه ادیان غلبه می دهد اگر چه مشرکان را خوش نیاید.»

و اما مرکز حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهر تاریخی کوفه است که در آن زمان وسعت زیادی خواهد یافت به گونه ای که شهر نجف را که در چند کیلومتری کوفه است شامل می شود و به همین دلیل است که در بعضی روایات، کوفه و در بعضی دیگر نجف به عنوان مرکز حکومت نام برده شده است.

امام صادق (علیه السلام) در ضمن روایتی طولانی فرمود:

«مرکز حکومت او (حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهر کوفه خواهد بود و محل قضاوت او مسجد (بزرگ) کوفه.»^{۳۵}

گفتنی است شهر کوفه از دیرزمان، مورد توجه خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و محل زمامداری حضرت علی (علیه السلام) بوده است و مسجد مشهور آن یکی از چهار مسجد معروف جهان اسلام است که امام

علی (علیه السلام) در آن نماز و خطبه می خوانده است و نیز در آن به امر قضاوت می پرداخته است و در نهایت در محراب همان مسجد به شهادت رسیده است.

مدت حکومت

پس از اینکه عالم بشریت یک دوره بسیار طولانی از حاکمیت ظلم و ستم را پشت سر گذاشت، جهان با ظهور آخرین حجّت پروردگار به سوی حاکمیت خوبی ها خواهد رفت و حکومت به دست حاکمان و نیکان قرار خواهد گرفت و این وعده حتمی خداوند است.

حکومت خوبان که با فرمانروایی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آغاز می شود تا پایان عمر دنیا ادامه خواهد یافت و دیگر روزگار ظلم و ظالمین تکرار نخواهد شد.

در سخنی که پیش از این از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل شد آمده است که خداوند بزرگ حاکمیت آخرین پیشوای معصوم را به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) بشارت می دهد و در پایان می افزاید:

«پس از آنکه مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حکومت رسید دولت او را دوام خواهم بخشید و پیوسته تا قیامت، روزگار (و حاکمیت زمین) را در دست اولیاء و دوستان خود دست به دست خواهم کرد.»^{۳۶}

بنابراین نظام عادلانه ای که امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برپا خواهد کرد، دولتی است که پس از آن برای دیگران دولتی نخواهد بود و در حقیقت تاریخ جدیدی از حیات بشر شروع خواهد شد که سراسر در زیر حاکمیت الهی بسر خواهد بُرد.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«دولت ما آخرین دولت هاست و هیچ خاندان صاحب دولتی نمی ماند مگر اینکه پیش از حکومت ما، حاکم می شوند تا وقتی (حکومت اهل بیت بر پا شد و) شیوه حکمرانی ما را دیدند نگویند، اگر ما هم حاکم می شدیم همینگونه عمل می کردیم.»^{۳۷}

بنابراین مدّت استمرار نظام الهی پس از ظهور، جدا از مدّت حکومت شخص امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که مطابق روایات آن حضرت باقیمانده عمر خود را حاکم بوده و سرانجام چشم از جهان فرو خواهد بست.

تردید نیست که مدت حکومت آن حضرت باید به قدری باشد که امکان تحول جهانی و استقرار عدالت در همه مناطق عالم وجود داشته باشد ولی اینکه این هدف در چند سال قابل دسترسی است، قابل تخمین و گمانه زنی نیست و باید به روایات امامان معصوم (علیهم السلام) رجوع کرد. البته با توجه به قابلیت های آن رهبر الهی و توفیق و مدد غیبی برای آن حضرت و اصحاب و یاران شایسته ای که در اختیار اوست و آمادگی جهانی برای پذیرفتن حاکمیت ارزش ها و زیبایی ها در زمان ظهور، ممکن است که رسالت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در زمانی نسبتاً کوتاه انجام شود و جریانی که بشریت در طول قرون متمادی از ایجاد آن ناتوان بوده است در کمتر از ۱۰ سال اتفاق افتد.

روایاتی که مدت حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بیان می کند بسیار گوناگون است. بعضی از آنها مدت حکومت آن حضرت را ۵ سال و تعدادی از آنها ۷ سال و برخی دیگر ۸ و ۹ و ۱۰ سال بیان کرده است. چند روایت هم مدت حکومت را ۱۹ سال و چند ماه و بالاخره ۴۰ سال و ۳۰۹ سال بر شمرده است.^{۳۸}

گذشته از اینکه علت این همه اختلاف در روایات، روشن نیست پیدا کردن مدت واقعی حکومت از میان این روایات کاری دشوار است. اما بعضی از علمای شیعه با توجه به فراوانی و شهرت روایات ۷ سال، این نظر را انتخاب کرده‌اند.^{۳۹}

و بعضی دیگر گفته‌اند مدت حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۷ سال است ولی هر سال از سالهای حکومت حضرت به اندازه ۱۰ سال از سالهای ماست که این مطلب نیز در بعضی روایات آمده است: راوی از امام صادق (علیه السلام) درباره مدت حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سؤال می‌کند و امام می‌فرماید:

«حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هفت سال حکومت می‌کند که برابر ۷۰ سال از سالهای روزگار شماس است.»^{۴۰}

مرحوم مجلسی رحمته الله می‌فرماید:

«روایاتی که درباره مدت حکومت امام (علیه السلام) رسیده است باید به احتمال‌های زیر توجه کرد: برخی روایات به تمام مدت حکومت اشاره دارد و برخی بر مدت ثبات و استقرار و حکومت. بعضی مطابق سال‌ها و روزهایی است که ما با آن آشناییم و بعضی مطابق سال‌ها و ماههای روزگار حضرت است که طولانی می‌باشد و خداوند به حقیقت مطلب آگاه است.»^{۴۱}

سیره حکومتی امام

هر حاکمی در حکومت و بخش‌های مختلف مدیریت خود شیوه‌ای مخصوص دارد که این خود از مشخصه‌های حکومت اوست. امام موعود و مهدی منتظر (علیه السلام) نیز وقتی حکومت جهان را به دست گیرد در تدبیر نظام جهانی خود روش و متد خاصی دارد. گرچه در ضمن مباحث گذشته به گوشه‌هایی از شیوه عملکرد آن حضرت اشاره شد ولی به جهت اهمیت موضوع مناسب است در این مجال به گونه مستقل به آن پردازیم و در زلال سخنان پیامبر اکرم و امامان معصوم (علیهم السلام) شیوه حکومتی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بهتر و بیشتر بشناسیم.

آنچه در ابتدا باید بر آن تأکید شود این است که روایات، یک تصویر کلی از سیره آن بزرگوار به دست داده است و آن عبارتست از اینکه سیره امام مهدی همان سیره و روش پیامبر بزرگ اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) است و آنگونه که پیامبر در زمان ظهور خود با جاهلیت بشری در همه ابعاد آن مبارزه کرد و اسلام ناب که ضامن سعادت دنیا و آخرت است را بر محیط خود حاکم کرد، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز با ظهور خود با جاهلیت جدید که دردناکتر از جاهلیت قدیم است بر خورد خواهد کرد و ارزشهای اسلامی و الهی را بر ویرانه‌های جاهلیت مدرن، بنا خواهد کرد.

از امام صادق (علیه السلام) درباره سیره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سؤال شد، فرمود:

«يَصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيدًا.»^{۴۲}

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مانند پیامبر اسلام عمل خواهد کرد (و همانگونه که پیامبر آنچه از روش جاهلیت (در میان مردم مرسوم) بود از میان برد، همینگونه روشهای جاهلی پیش از ظهور خود را نابود خواهد ساخت و اسلام را از نو پی ریزی خواهد کرد.»

این سیاست کلی امام موعود (علیه السلام) در زمان حاکمیت اوست. البته شرایط زمانی متفاوت، موجب تغییراتی در شیوه اجرا و حکومت داری می شود که در روایات مطرح گردیده و ما در بخش های جداگانه به آنها می پردازیم.

سیره جهادی و مبارزاتی

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با انقلاب جهانی خود بساط کفر و شرک را از گستره زمین بر می چیند و همگان را به دین مقدس اسلام دعوت می کند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در این باره فرموده است:

«شیوه او [امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)] شیوه من است و مردم را بر آئین و شریعت من قرار

می دهد.»^{۴۳}

البته آن حضرت در شرایطی ظهور می کند که حق به گونه ای آشکار، معرفی گردیده و از هر جهت بر مردم جهان، حجت تمام شده است.

با این حال طبق برخی از روایات، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تورات و انجیل واقعی و تحریف نشده را از غاری در انطاکیه بیرون می آورد و به وسیله آنها با یهودیان و مسیحیان جهان احتجاج می کند که بسیاری از ایشان مسلمان می شوند.^{۴۴} در این میان آنچه که گرایش ملت های گوناگون را به اسلام بیشتر می کند آن است که همگان آشکارا می بینند که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با امدادهای غیبی یاری می گردد و نشانه های پیامبران همچون عصای موسی (علیه السلام) و انگشتر سلیمان (علیه السلام) و زره و شمشیر و پرچم پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) را همراه دارد.^{۴۵} و برای تحقق اهداف پیامبران خدا و برقراری عدالت جهانی قیام کرده است. روشن است که در چنین بستری که حق و حقیقت آشکارا بر جهانیان عرضه شده است، تنها کسانی در جبهه باطل باقی می مانند که به کلی هویت انسانی و الهی خود را از دست داده باشند و اینان همانها هستند که جز فساد و تباهی و ظلم از آنها سر نمی زند و لازم است ساحت دولت مهدوی از لوٹ وجود آنان پاک گردد. اینجاست که شمشیر برنده عدالت مهدوی از نیام برآمده و با قدرت و صولت بر پیکر ستمکاران لجوج فرود می آید و کسی از آنها را باقی نمی گذارد. این شیوه و روش پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز بوده است.^{۴۶}

سیره قضایی امام

از آنجا که موعود منتظر برای استقرار عدالت در تمام زمین ذخیره شده است، برای انجام رسالت خود نیاز به یک سیستم قضایی مستحکم دارد بنابراین آن حضرت در این بخش به شیوه جدّ بزرگوارش امام علی (علیه السلام) عمل می کند و با جدّیت و قدرت به دنبال بدست آوردن حقوق پایمال شده مردمان است و حق را در هر کجا باشد، گرفته و به صاحب آن بر می گرداند.

و چنان به عدالت رفتار می کند که مطابق روایات، زندگان آرزو می کنند که مردگان بر گردند و از برکت عدل او بهره مند شوند.^{۴۷}

گفتنی است که بخشی از روایات بیانگر آن است که امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مقام قضاوت

مانند حضرت سلیمان (علیه السلام) و حضرت داود (علیه السلام) عمل می کند و مانند آنها با علم الهی که دارد حکم می کند و نه با استناد به شاهد و گواه.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«وقتی قائم آل محمد قیام کند مانند داود و سلیمان (علیهما السلام) داوری می کند، (یعنی) شاهد و گواه طلب نمی کند.»^{۴۸}

و شاید راز اینگونه داوری آن است که به سبب اعتماد بر علم الهی، عدالت حقیقی بر پا می شود در حالی که وقتی بر گواهان و سخن آنها تکیه می شود، عدالت ظاهری حاکم می شود زیرا به هر حال شاهدان از میان انسانها هستند و احتمال اشتباه هست.

البته درک چگونگی قضاوت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شیوه گفته شده کار دشواری است ولی می توان فهمید که این شیوه با اوضاع روزگار آن حضرت سازگار است.

سیره مدیریتی امام (علیه السلام)

یکی از ارکان مهم حکومت، کارگزاران آن هستند. وقتی مسئولان حکومتی افرادی شایسته باشند، کار دولت و ملت به سامان خواهد رسید و دست یابی به اهداف حکومت، آسان تر خواهد بود.

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به عنوان رئیس حکومت جهانی، برای مناطق گوناگون عالم، حاکمانی را از میان بهترین یاوران خود بر می گزیند، آنها تمام ویژگی های یک حاکم اسلامی از قبیل دانش مدیریت، تعهد و پاکی در نیت و عمل و شجاعت در تصمیم گیری را دارا هستند. با این حال شخص امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به عنوان فرمانروای بزرگ و مرکز مدیریت عالم به صورت مداوم عملکرد حاکمان را زیر نظر دارد و با شدت و دقت و بدون چشم پوشی کار آنها را حساب رسی می کند. این ویژگی مهم که پیش از حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نادیده گرفته شده است در روایات به عنوان یکی از علامت های حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان گردیده است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«عَلَامَةُ الْمَهْدِيِّ أَنْ يَكُونَ شَدِيداً عَلَى الْعُمَّالِ جَوَاداً بِالْمَالِ رَحِيماً بِالْمَسَاكِينِ»^{۴۹}؛

علامت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن است که با کارگزاران خود شدید (و دقیق) است. دست بخشنده ای دارد و نسبت به مسکینان مهربان است.»

سیره اقتصادی امام

روش امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در امور مالی حکومت بر مبنای مساوات قرار دارد و این همان روش پسندیده ای است که در زمان پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) وجود داشته است و پس از او، این شیوه تغییر یافت و معیارهای دروغینی برای پرداخت های بی حساب به افراد، جای آن را گرفت و سبب پیدایش فاصله طبقاتی در جامعه اسلامی آن روز شد و اگرچه امام علی (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام) در مدت خلافت خود به نظام برابری در پرداخت اموال مسلمین پای بند بودند ولی پس از ایشان بنی امیه اموال مسلمانان را مانند ملک شخصی خود و بر طبق مصالح فردی، به کار می بردند و از این راه پایه های حکومت نامشروع خود را محکم می کردند. آنها زمین های کشاورزی یا غیر آن از ثروت ها و اموال عمومی را به نزدیکان خود می بخشیدند و این کار که به ویژه در

زمان خلیفه سوم و دوران بنی امیه رایج گردیده بود حالتی رسمی پیدا کرد.

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که مظهر عدالت و دادگری است، بیت المال مردم را به عنوان ثروتی عمومی که همگان در آن شریک هستند قرار می‌دهد به گونه‌ای که هیچ گونه تبعیض و امتیاز خواهی در آن راه نداشته باشد و بخشش ثروت‌ها و زمین‌ها به کلی ممنوع باشد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«... إِذَا قَامَ قَائِمُنَا اَضْمَحَلَّتِ الْقَطَائِعُ فَلَا قَطَائِعَ ۵۰؛

زمانی که قائم ما قیام کند، قطایع (زمین‌هایی که زمامداران و حکام جور در مالکیت خود در آورده و یا واگذار کرده اند) از بین می‌رود به طوری که دیگر قطایعی در میان نخواهد بود.»

و دیگر از شاخصه‌های شیوه مالی امام آن است که در راستای رفع نیازهای مادی و ایجاد رفاهی معقول برای زندگی تمام افراد، امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اموال فراوانی به مردم می‌بخشد و در حکومت او هر نیازمندی که از او طلب می‌کند، اموال زیادی دریافت می‌کند.

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«... فَهُوَ يَحْتَوِي الْمَالَ حَتَّىٰ ۵۱؛

او (مهدی) (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اموال را به فراوانی می‌بخشد.»

و این شیوه برای ایجاد زمینه‌های اصلاح فردی و اجتماعی است که هدف بزرگ امام خوبان است. آن حضرت با بی‌نیاز کردن مردم از جهت مادی، در پی ایجاد زمینه مناسب برای پرداختن افراد به طاعت و عبادت پروردگار است که در بخش اهداف حکومت به تفصیل درباره آن سخن گفتیم.

سیره شخصی امام

سیره امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در رفتار شخصی و نیز در ارتباط با مردم، نمایانگر یک حاکم اسلامی نمونه است که حکومت در نگاه او وسیله‌ای است برای خدمت به مردم و رسانیدن آن‌ها به قله‌های کمال و نه جایگاهی برای زراندوزی و ستمگری و به استعمار کشیدن بندگان خدا!

به راستی که آن امام صالحان در کرسی حکمفرمایی یاد آور حکومت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است و با وجود آنکه همه اموال و ثروت‌ها در اختیار اوست در زندگی شخصی خود در پایین‌ترین سطح به سر می‌برد و به کمترین‌ها قناعت می‌کند.

امام علی (علیه السلام) در توصیف او فرموده است:

«امام [مهدی] (عجل الله تعالی فرجه الشریف) [با خود عهد می‌بندد که] اگرچه حاکم و رهبر جامعه بشری است ولی [همانند رعیت خود راه رود و مانند آنان پوشد و بر مرکبی همچون مرکب آنها سوار شود... و به کم قناعت کند].»^{۵۲}

امام علی (علیه السلام) خود چنین بود و در زندگی دنیا و خوراک و پوشش آن زهدی پیامبرگونه داشت و مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در این میدان به آن حضرت اقتدا خواهد کرد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ لَبَسَ لِبَاسَ عَلِيٍّ وَ سَارَ بِسِيرَتِهِ ۵۳؛

وقتی قائم ما قیام کند لباس علی (علیه السلام) را در بر می‌کند و روش او را پیش می‌گیرد.»

او که درباره خود سخت گیر و دقیق است، با امت چون پدری مهربان است و آسایش و راحتی آنها را می‌خواهد به گونه‌ای که در روایت امام رضا (علیه السلام) اینگونه توصیف شده است:

«الْأَمَامُ، الْأَنْبِيُّ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّقِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبِرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ مَفْرَعُ الْعِبَادَةِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ^{۵۴}؛

امام آن همدم همراه و آن پدر مهربان و برادر تنی (که پشتیبان برادر) است و مادر دلسوز نسبت به فرزند خردسال است و پناهگاه بندگان در واقعه هولناک.»

آری او چنان با امت صمیمی و نزدیک است که همه او را پناهگاه خود می‌دانند.

از پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) روایت شده که درباره مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرموده است:

«امّتش به او پناه می‌برند آن گونه که زنبورها به ملکه خود پناهنده می‌شوند.»^{۵۵}

او مصداق کامل رهبری است که از میان مردم برگزیده شده و در بین آنها و مانند آنها زندگی می‌کند. به همین دلیل دردهای آنها را به خوبی می‌شناسد و درمان آن را می‌داند و تمام همّت خود را برای بهبودی حال آنها به کار می‌گیرد و در این راه تنها به رضایت الهی می‌اندیشد. در این صورت چرا امت در کنار او به آرامش و امنیت نرسد و به کدام دلیل دل به غیر او بسپارد؟!

مقبولیت عمومی

یکی از دغدغه‌های حکومت‌ها جلب رضایت عموم بوده است ولی به خاطر ضعف‌های بسیاری که در اداره مجموعه‌ها وجود داشته چنین رضایتی حاصل نشده است. از ویژگی‌های اساسی حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همین است که مورد قبول همه افراد و اجتماعات بشری است و نه تنها همه اهل زمین که ساکنان آسمان نیز نسبت به آن حکومت الهی و فرمانروای عدل گستر رضایت کامل دارند.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«شما را بشارت می‌دهم به مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف).. اهل آسمان و زمین از او (و حکومت او) راضی هستند. و چگونه ممکن است که کسی از حاکمیت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ناراضی باشد و حال آنکه برای همه جهانیان روشن می‌شود که صلاح امر بشر و سعادت او در همه جنبه‌های مادی و معنوی تنها در سایه حکومت الهی آن حضرت است.»^{۵۶}

بجاست در پایان این بخش کلام جاودانه امام علی (علیه السلام) را به عنوان حُسن ختام بیاوریم:

«... خداوند او را (امام مهدی را) به وسیله فرشتگان خود تأیید می‌کند و یاران او را حفظ می‌کند و به وسیله نشانه‌های خود یاریش می‌کند و او را بر اهل زمین پیروز می‌گرداند به گونه‌ای که (همه) با میل و رغبت یا به اکراه به او می‌گروند و زمین را از عدل و داد و از روشنایی و دلیل پر می‌کند. شهرها به او ایمان می‌آورند تا اینکه کافری نمی‌ماند جز آنکه ایمان می‌آورد و زشت کاری نمی‌ماند جز آنکه نیکو می‌گردد و در حکومت او درندگان با هم آشتی می‌کنند و زمین بر کت‌های خود را بیرون می‌ریزد و آسمان خیرات خود را فرو می‌بارد و گنج‌ها (ی زمین) برای او آشکار می‌گردد... پس خوشحال آنکه روزگار او را ببیند و سخن او را بشنود.»^{۵۷}

خلاصه درس

- دستاوردهای حکومت مهدوی مطابق با اهداف اصیل و نیازهای واقعی و فطری بشر، خواهد بود.
- مهم‌ترین دستاوردهای حکومتی حضرت عبارت اند از: عدالت فراگیر، رشد اخلاق و ایمان، اتحاد و همدلی، سلامتی جسمی و روحی جامعه، فزونی برکات، رفع فقر، امنیت عمومی، رشد علم و نابودی کفر و حاکمیت جهانی اسلام.
- از نظر قلمرو، حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جهانی می‌باشد.
- مرکز حکومت جهانی مهدوی، شهر کوفه مقرّ خلافت امیر المومنین (علیه السلام) می‌باشد.
- مدت حکومت حضرت در روایات متفاوت نقل شده است آنچه مسلم است این است که حضرت به قدری طولانی حکومت خواهند کرد تا تحولات عظیم حکومت عدل جهانی پدید آید و عدالت در جهان مستقر گردد.
- سیره حکومتی حضرت از بعد مدیریتی، قضائی، اقتصادی و... اجرای دین و عدالت و شکوفایی بشریت خواهند بود.

معرفی منابع مطالعه و پژوهشی

۱. فصل نامه انتظار- شماره ۸ و ۹، سخنان رهبر معظم انقلاب و شماره ۱۳، سخنان آیت الله جوادی آملی
۲. سیمای آفتاب - حبیب اله طاهری
۳. عصر زندگی - محمد حکیمی
۴. تاریخ مابعدالظهور - سید محمد صدر
۵. چشم اندازی به حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - نجم الدین طبسی
۶. منتخب الاثر - لطف... صافی گلپایگانی.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.
۲. قرآن می فرماید: «ان الله يأمر بالعدل والاحسان یعنی به راستی که خداوند به عدالت و نیکوکاری فرمان می دهد»؛ سوره نحل، آیه ۹۰.
۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ح ۷۱، ص ۳۳۶.
۴. کافی، ج ۱، ح ۳، ص ۵۸.
۵. در دو بخش قبلی به تفصیل درباره عدالت دوران امام مهدی و کمال عقلی مردم در آن روزگار سخن گفته شد.
۶. اشاره به آیه «انما المؤمنون اخوة... همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند»؛ سوره حجرات، آیه ۱۰.
۷. کمال الدین، ج ۲، باب ۵۵، ح ۷، ص ۵۴۸.
۸. بحارالانوار، ج ۵۲، ح ۱۶۴، ص ۳۷۲.
۹. بحارالانوار، ج ۱۲۸، ص ۳۶۴.
۱۰. همان، ح ۶۸، ص ۳۳۵.
۱۱. غیبت طوسی، ح ۱۴۹، ص ۱۸۸.
۱۲. سوره اعراف، آیه ۹۶.
۱۳. رک: منتخب الاثر، فصل ۷، باب ۳، ۴، صص ۵۸۹ - ۵۹۳.
۱۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ح ۲۱۲، ص ۳۹۰.
۱۵. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.
۱۶. همان، ص ۹۲.
۱۷. سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره فتح، آیه ۲۸ و سوره صف، آیه ۹.
۱۸. سوره آل عمران، آیه ۹.
۱۹. این سخن نه یک ادعا بلکه یک واقعیت تاریخی است و مفسرین بزرگ از شیعه و سنی از آن سخن گفته‌اند. مثل فخر رازی در «التفسیر الکبیر»، ج ۱۶، ص ۴۰ و قرطبی در «تفسیر القرطبی» ج ۸، ص ۱۲۱ و طبرسی در «مجمع البیان»، ج ۵، ص ۳۵.
۲۰. «و با آنان (مشرکان) بجنگید تا اینکه (در زمین) فتنه و فسادى نماند و آئین همه، دین خدا گردد.» (سوره انفال، آیه ۳۹)
۲۱. برای تأویل معانی مختلفی گفته‌اند و یکی از آنها معانی موجود در آیات است.
۲۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۵.
۲۳. خصال، ج ۲، ص ۴۱۸.
۲۴. سوره نور، آیه ۵۵.
۲۵. الغیبة نعمانی، ح ۳۵، ص ۲۴۰.
۲۶. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.
۲۷. البته ممکن است که روایات مذکور اشاره به اعجاز هم داشته باشد.
۲۸. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.
۲۹. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.
۳۰. همان، ص ۳۹۰.
۳۱. کمال الدین، باب ۲۵، ح ۴ و باب ۲۴، ح ۱ و ۷.
۳۲. رک: الغیبة نعمانی و احتجاج طبرسی.
۳۳. کمال الدین، ج ۱، باب ۲۳، ح ۴، ص ۴۷۷.
۳۴. همان، ج ۱، ح ۱۶، ص ۶۰۳.
۳۵. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.
۳۶. کمال الدین، ج ۱، باب ۲۳، ح ۴، ص ۴۷۷.
۳۷. الغیبة طوسی، فصل ۸، ح ۴۹۳، ص ۴۷۲.
۳۸. برای آگاهی از روایات به کتاب چشم اندازی به حکومت حضرت مهدی (علیه السلام)، نجم الدین طیبی، ص ۱۷۳-۱۷۵ رجوع شود.
۳۹. رک: «المهدی»، سیدصدرالدین صدر، ص ۲۳۹؛ تاریخ مایع‌الظهور، سیدمحمد صدر.
۴۰. الغیبة طوسی، فصل ۸، ح ۴۹۷، ص ۴۷۴.
۴۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.
۴۲. الغیبة نعمانی، باب ۱۳، ح ۱۳، ص ۲۳۶.
۴۳. کمال الدین، ج ۲، باب ۳۹، ح ۶، ص ۱۲۲.
۴۴. رک: به الفتن، صص ۲۴۹-۲۵۱.
۴۵. رک به اثبات الهداة، ج ۳، صص ۴۳۹ - ۴۹۴.
۴۶. همان، ص ۴۵۰.
۴۷. الفتن، ص ۹۹.
۴۸. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۷.
۴۹. معجم احادیث الامام المهدی (علیه السلام)، ج ۱، ح ۱۵۲، ص ۲۴۶.

٥٠. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٠٩.
٥١. معجم احاديث الامام المهدي (عليه السلام)، ج ١، ص ٢٣٢، ح ١٤٣.
٥٢. منتخب الاثر، فصل ٦، باب ١١، ح ٤، ص ٥٨١.
٥٣. وسائل الشيعه، ج ٣، ص ٣٤٨.
٥٤. اصول كافي، ج ١، ح ١، ص ٢٢٥.
٥٥. منتخب الاثر، فصل ٧، باب ٧، ح ٢، ص ٥٩٨.
٥٦. بحار الانوار، ج ٥١، ص ٨١.
٥٧. اثبات الهداة، ج ٣، ص ٥٢٤.

درس چهاردهم

رجعت

اهداف:

- بررسی جایگاه رجعت در اعتقاد شیعه
- شناخت رجعت کنندگان

فوائد:

- آشنایی با چیستی و چگونگی رجعت
- آشنایی با دلایل و فلسفه رجعت
- شناخت زمان رجعت و رجعت کنندگان

مطالب آموزشی:

- معنا و پیشینه تاریخی رجعت (با توجه به شواهد قرآنی، روایی و تاریخی)
- دلایل اثبات رجعت (دلایل عقلی، قرآنی، حدیثی)
- فلسفه رجعت
- زمان وقوع رجعت
- رجعت کنندگان

رجعت

یکی از حوادث مهم هنگام ظهور، موضوع رجعت و بازگشت نیکان و بدان به دنیاست که از جمله عقاید شیعه است و در آثار اسلامی از گذشته تا حال بحث‌های فراوانی درباره آن بیان گردیده است. در این بخش به اختصار درباره این موضوع می‌پردازیم و بحث‌های تکمیلی را به کتاب‌های مستقل در این موضوع وا می‌گذاریم.

مفهوم رجعت

رجعت در لغت به معنی بازگشت است و در فرهنگ دینی مقصود از آن عبارتست از بازگشت حجّت‌های الهی و امامان معصوم (علیهم السلام) و گروهی از مومنان خالص و کفار و منافقان به عالم دنیا یعنی ایشان به امر خداوند بار دیگر زنده می‌شوند و به دنیا برمی‌گردند و این دورنمایی از رستاخیز است که پیش از قیامت در همین عالم اتفاق می‌افتد.

فلسفه رجعت

امام باقر (علیه السلام) در ضمن روایتی که درباره رجعت آمده است فرموده‌اند: «مومنان برمی‌گردند تا عزیز شوند و چشمان آنان روشن گردد و تبهکاران برمی‌گردند تا خداوند آنها را خوار کند.»^۱

درست است که جایگاه اصلی برای پاداش و کیفر انسانها، عالم آخرت است ولی خداوند اراده فرموده است که بخشی از اجر و کیفر آنها را در همین دنیا عملی کند.

هدف دیگر از رجعت برخورداری مومنان از سعادت یاری حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان گردیده. این مهم در ضمن دعاها و نیز بیانات بعضی از علما مطرح شده است. مرحوم سید مرتضی (متوفی ۴۳۶ ق) گفته است:

«همانا خداوند هنگام ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) گروهی از شیعیان آن حضرت را که قبلاً از دنیا رفته اند برمی‌گرداند تا به ثواب یاری آن حضرت نائل شوند...»^۲

و در زیارت امام عصر در سرداب مقدس سامراء آمده است:

«مولای، فان ادرکنی الموت قبل ظهورک فآنی اتوسل بک و با بائک الطاهرین الی الله تعالی و اسئله ان یصلی علی محمد و آل محمد و ان یجعل لی کرة فی ظهورک و رجعة فی ایامک لابلغ من طاعتک مرادی و اشفی من اعدائک فوادی.»^۳

اگر پیش از ظهور تو مرگ، مرا دریابد، به وسیله تو و پدران پاکت به خدای بزرگ متوسل می‌شوم و از او می‌خواهم که بر محمد و خاندان او درود بفرستد و برای من بازگشتی در ظهور تو و روزگار [دولت] تو قرار دهد تا به مقصود خود در زمینه اطاعت تو نائل شوم و سینه ام را از [خواری] دشمنانت شفا دهم.»

جایگاه رجعت در متون دینی

رجعت از عقاید مسلم شیعه است که پشتوانه آن دهها آیه قرآن و صدها روایت از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه معصومین (علیهم السلام) است.

محدث بزرگ مرحوم شیخ حرّ عاملی در کتاب خود «ایقاظ» ۵۲۰ حدیث درباره رجعت نقل کرده است و مرحوم مجلسی رحمته الله می فرماید:

«اگر احادیث رجعت متواتر^۴ نباشد دیگر در هیچ موردی نمی توان ادعای تواتر کرد.»^۵
گذشته از آیات و روایات فراوان، همه علمای شیعه بر این حقیقت اتفاق نظر دارند چنانکه مرحوم شیخ حرّ عاملی رحمته الله به این مطلب تصریح کرده و بلکه نبوت رجعت را از ضروریات مذهب شیعه دانسته است.^۶

رجعت، در قرآن و روایات

در آیات متعددی از قرآن، آشکارا جریان بازگشت افرادی از مردگان به دنیا مطرح شده است و روایات زیادی از اهل بیت (علیه السلام) در تفسیر این آیات وارد شده است.

از نمونه های بسیار روشن رجعت و بازگشت به دنیا جریان عزیز است. او سپس از این که صد سال مرده بود، به اراده الهی زنده شده و به دنیا بازگشت و سالیان زیادی زندگی کرد.^۷

خداوند در آیه ۵۶ سوره بقره فرموده است:

﴿ثم بعثناکم من بعد موتکم لعلکم تشکرون﴾؛

آنگاه شما را پس از مرگتان برانگیختیم تا شاید سپاسگزار باشید.

این آیه در مورد هفتاد نفر از برگزیدگان قوم موسی (علیه السلام) است که همراه آن حضرت به کوه طور رفتند تا گفت و گوی موسی (علیه السلام) با خداوند را ببینند و گرفتن الواح از جانب خدا را شاهد باشند. وقتی گفت و گوی موسی (علیه السلام) را با خدا دیدند گفتند: «ای موسی ما به تو ایمان نمی آوریم مگر اینکه خداوند را آشکارا ببینیم» موسی (علیه السلام) آنها را از این خواسته بی جا و غیرممکن باز داشت ولی آنها اصرار کردند و سرانجام به صاعقه الهی گرفتار شده و همگی مردند. موسی (علیه السلام) از این واقعه ناراحت شد و نسبت به پیامدهای آن در میان بنی اسرائیل نگران بود بنابراین از خداوند خواست که آنها را به زندگی برگرداند. درخواست او پذیرفته شد و مطابق آیه یاد شده خداوند آنها را به زندگی دنیا برگردانید^۸ به گونه ای که طبق روایتی از امام علی (علیه السلام)^۹، این عدّه به خانه های خود بازگشتند و مدتی زندگی کردند و صاحب فرزند شدند و پس از رسیدن اجلشان از دنیا رفتند.^{۱۰}

آیاتی از قرآن نیز، دلیل بر «رجعت به دنیا در آینده» است.

در آیه ۸۳ سوره نمل می فرماید:

﴿و یوم نحشر من کل امة فوجاً ممن یکذب بایاتنا فهم یوزعون﴾؛

روزی که از هر امتی گروهی را بر می انگیزیم از آنها که آیات ما را تکذیب می کردند، پس آنها بازداشته می شوند.

در این آیه سخن از روزی است که در آن گروهی از مردم برانگیخته می شوند بنابراین اشاره به روزی غیر از روز قیامت دارد زیرا که در قیامت همه انسانها از اولین و آخرین محشور می شوند. مرحوم طبرسی رحمته الله در تفسیر مجمع

البیان نوشته است که براساس روایات بسیار از اهل بیت (علیه السلام) این آیه مربوطه به گروهی از شیعیان حضرت مهدی (علیه السلام) و نیز عده‌ای از دشمنان آن حضرت است که در دوران ظهور او به دنیا باز می‌گردند.^{۱۱} در یکی از آن روایات آمده که از امام صادق (علیه السلام) درباره این آیه سؤال شد؛ آن حضرت فرمود: مردم در مورد آن چه می‌گویند؟ راوی گفت: آنها می‌گویند: این آیه درباره قیامت است. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «آیا خداوند در روز قیامت گروهی را بر می‌انگیزد و گروه دیگر را رها می‌کند؟! [اینگونه نیست] این آیه درباره رجعت است. اما آیه قیامت این آیه است [که خداوند می‌فرماید]: «و حشرنا هم فلم نغادر منهم احداً» [یعنی: آنان را برانگیختیم هیچ کس از آنها را وانگذاشتیم].^{۱۲} در آیه ۹۵ سوره انبیاء آمده است:

﴿و حرام علی قریة اهلکناها انهم لایرجعون﴾

ممتنع است - باز آمدن به دنیا - بر مردم شهری که آن را هلاک کردیم که آنها بر نمی‌گردند. این آیه نیز از مهم‌ترین دلیل‌های رجعت است، زیرا در قیامت همه مردمان و از جمله اقوام هلاک شده به عذاب الهی برمی‌گردند. این حقیقت در روایات متعدد بیان گردیده است.

امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) در تفسیر این آیه فرمودند:

«هر قریه‌ای که خداوند اهل آن را با عذاب هلاک کرده است در رجعت باز نمی‌گردند. این آیه از بزرگترین دلایل رجعت است زیرا هیچ کس از مسلمانان منکر آن نیست که همه مردم در قیامت باز می‌گردند چه کسی که هلاک شده و چه کسی که هلاک نشده است پس سخن خداوند [که فرموده] لایرجعون [= باز نمی‌گردند] مربوط به رجعت است اما در قیامت [هلاک شدگان به عذاب الهی هم] باز می‌گردند تا در آتش داخل شوند.»^{۱۳}

رجعت در ادعیه و زیارت

قابل ذکر است موضوع رجعت در دعاها و زیاراتی که از امامان معصوم (علیهم السلام) نقل شده نیز مطرح گردیده است. در زیارت جامعه کبیره که از امام هادی (علیه السلام) روایت شده می‌خوانیم:

«معترف بکم، مومن بایاتکم، مصدق بر جعتکم، منتظر لامرکم»^{۱۴}؛

(ای امامان و حجت‌های خدا) من به شما [و امامت شما] اعتراف می‌کنیم و بازگشت شما را [به این دنیا] باور دارم و رجعت شما را تصدیق می‌کنم و امر شما را انتظار می‌کشم.»

در بعضی از زیارت‌های مخصوص به حضرت مهدی (علیه السلام) از جمله زیارت آل یاسین نیز این موضوع با صراحت بیان گردیده است.

ویژگی‌های رجعت

از میان روایات فراوان می‌توان این مطالب را درباره رجعت بیان کرد.

۱. رجعت از روزهای بزرگ و مهم عالم است که از آن در قرآن به «ایام الله» [= روزهای خدا] یاد شده است. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«ایام الله سه روز است: روز قیام قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) روز رجعت و روز قیامت.»^{۱۵}

۲. اعتقاد به رجعت از نشانه‌های شیعیان اهل بیت (علیه السلام) است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«از ما نیست کسی که به رجعت ما ایمان نداشته باشد.»^{۱۶}

۳. رجعت برای همه مردم نیست بلکه مخصوص مؤمنان خالص و کفار و منافقان خالص است.^{۱۷}

۴. از جمله مؤمنان رجعت کننده، پیامبران و امامان معصوم (علیه السلام) هستند و اولین امامی که در زمان رجعت و پس از امام مهدی (علیه السلام) حکومت عدل جهانی را برعهده می گیرد، حضرت امام حسین (علیه السلام) است که سال‌های بسیار حکومت خواهد کرد.^{۱۸}

۵. برای همه مومنان و منتظران واقعی ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که پیش از ظهور آن عزیز از دنیا رفتند امکان رجعت به دنیا و یاری آن امام وجود دارد.

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که هر کس چهل بامداد خدا را با [دعای] عهد بخواند از یاوران قائم، خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند او را از قبرش بیرون آورد [و قائم (علیه السلام) را یاری دهد]^{۱۹}...

۶. کفار و منافقان هرگز به میل و اراده خود به دنیا باز نمی گردند بلکه از روی اجبار به رجعت تن می دهند ولی رجعت مؤمنین اختیاری به نظر می رسد. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: هنگامی که حضرت مهدی (علیه السلام) قیام کند مأمورین الهی در قبر با اشخاص مؤمن تماس می گیرند و به آنها می گویند: ای بنده خدا! مولایت ظهور کرده است اگر می خواهی به او پیوندی آزاد هستی و اگر می خواهی در نعمت‌های الهی (برزخی) متعمم بمانی باز هم آزاد هستی.^{۲۰}

رجعت کنندگان

براساس روایات، گروه پیامبران (علیهم السلام)، امامان معصوم (علیهم السلام)، مؤمنان خالص و نیز کفار خالص، جزء کسانی اند که در زمان رجعت، به این دنیا باز می گردند.

۱. رجعت پیامبران و امامان (علیهم السلام)

روایات مربوط به انبیاء (علیهم السلام)

الف) روایاتی که بطور عام از بازگشت پیامبران و ائمه (علیهم السلام) سخن به میان آورده اند مثل کلام امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ». حضرت فرمود: به خدا سوگندد این آیه در زمان رجعت عملی خواهند شد آیا نمی دانید که پیامبران (علیهم السلام) در دنیا یاری نشدند و کشته شدند و نیز ائمه (علیهم السلام) کشته شدند اما این یاری و پیروزی در رجعت تحقق خواهند یافت.^{۲۱}

ب) روایاتی که با ذکر عدد، رجعت انبیاء را یاد آور شده است. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: هنگامی که امام حسین (علیه السلام) همراه با یاران شهیدش رجعت می کنند، هفتاد نفر از پیامبران نیز با او رجعت می نمایند چنانکه با موسی بن عمران هفتاد نفر از پیامبران همراه بودند.^{۲۲}

ج) روایاتی که بطور خاص از رجعت بعضی از پیامبران و امامان (علیهم السلام) با ذکر نام آنان، سخن به میان آورده اند.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «همانا دانیال و یونس (علیهما السلام) هر دو در زمان رجعت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به دنیا باز می گردند و اقرار به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می نمایند و همراه آنان هفتاد نفر برانگیخته می شوند.»^{۲۳}

امام زین العابدین (علیه السلام) می فرماید: «یرجع الیکم بینکم و امیرالمؤمنین و الائمة^{۲۴}؛ پیامبر شما و امیرالمؤمنین و

امامان معصوم (علیه السلام) به سوی شما مجدداً باز می‌گردد. در مورد اینکه اولین فرد رجعت کننده کیست؟»
امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «اول من یرجع الی الدنیا الحسین بن علی^{۲۵}؛ اولین کسی که به دنیا باز می‌گردد حسین بن علی (علیه السلام) است.»

د) روایاتی که از بازگشت افراد صالح از امت‌های گذشته و امت اسلام، خبر داده‌اند. براساس این روایات از میان امت‌های پیشین رجعت اصحاب کهف و مؤمن آل فرعون نام برده شده است. همچنین از میان اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه (علیهم السلام) افرادی مثل: سلمان فارسی، مقدار، مالک اشتر، ابو دجانة انصاری، مفضل بن عمر، عبدالله بن شریک عامری، اسماعیل بن جعفر (علیه السلام)، حارث، عقیل، جبیر و... نام برده شده است.^{۲۶}

خلاصه درس

- رجعت به معنای بازگشت است و در فرهنگ دینی عبادت است از بازگشت اولیاء و حجّت‌های الهی و گروهی از مومنان خالص و کفار خالص به دنیا.
- فلسفه رجعت در روایات، روئیت عزت و شوکت مومنان و ذلت و خواری ستمکاران و کافران بیان شده است.
- اصل اعتقاد به رجعت با توجه به دلائل قرآنی و روایی آن، جزء عقاید مسلم مذهب شیعه می‌باشد.
- در روایات از رجعت، به عنوان «ایام الله» یاد شده و اعتقاد به آن از نشانه‌های شیعیان اهل بیت (علیهم السلام) شمرده شده است.
- طبق روایات، اولین کسی که از امامان معصوم (علیهم السلام) در دنیا رجعت می‌کند امام حسین (علیه السلام) است که سالها حکومت خواهند نمود.

معرفی منابع جهت مطالعه و پژوهش

۱. شیعه و رجعت - محمدرضا طبسی
۲. رجعت - علامه مجلسی (ره) - ترجمه: مرتضی جنتیان
۳. فصل نامه انتظار - شماره ۱۹
۴. رجعت از نظر شیعه - نجم‌الدین طبسی
۵. رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی - خادمی شیرازی

۱. بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۶۴
۲. رسائل، ج ۱، ص ۱۲۵
۳. مفاتیح الجنان: آداب سرداب مقدس، زیارت دوم صاحب الأمر (علیه السلام)
۴. متواتر به روایاتی می گویند که تعداد روایت کنندگان آنها به قدری زیاد است که احتمال اجتماع آنها بر دروغ را غیر ممکن می سازد.
۵. خادمی شیرازی، رجعت، ص ۱۴۰
۶. همان، ص ۱۴۵.
۷. بقره، ۲۵۹.
۸. ر. ک به تفسیر نمونه، ج ۱، صص ۲۵۷-۲۵۹.
۹. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷۳ و ۱۲۹.
۱۰. آیات دیگری مانند بقره/۲۵۹ و بقره/۷۳ و بقره/۲۴۳ نیز بر زنده شدن و بازگشتن به این دنیا دلالت دارد.
۱۱. مجمع البیان، ذیل آیه ۸۳ سوره نمل.
۱۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۱.
۱۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۲، ح ۲۹.
۱۴. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.
۱۵. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۳، ح ۵۳.
۱۶. همان، ص ۹۲، ح ۱۰۱.
۱۷. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹، ح ۱.
۱۸. همان، ص ۴۶، ح ۱۹.
۱۹. ر. ک به مفاتیح الجنان، دعای عهد.
۲۰. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۵.
۲۱. معجم احادیث الامام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ج ۵، ص ۳۸۴.
۲۲. همان، ج ۳، ص ۸۹.
۲۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۲.
۲۴. معجم احادیث الامام المهدي، ج ۵، ص ۳۲۷.
۲۵. بحار الانوار، ج ۵، ص ۹۰.
۲۶. الشيعة والرجعة، ج ۱، ص ۱۵۸، چشم اندازی به حکومت حضرت مهدی (علیه السلام)، ص ۹۵.

درس پانزدهم

آسیب شناسی مباحث مهدویت

اهداف:

- شناخت آسیب های مهدویت
- روش مبارزه و پیش گیری از انحرافات و لغزش ها

فوائد:

- آگاهی بیشتر نسبت به معیارهای تشخیص مباحث از خرافات
- توجه به خطرات برداشت های انحرافی از مفاهیم مهدویت
- تکذیب مدعیان دروغین نیابت و مهدویت

مطالب آموزشی:

۱. مقدمه:

الف) معنای آسیب شناسی

ب) ضرورت آسیب شناسی مباحث مهدوی

۲. برداشت ها و تفسیرهای غلط از مفاهیم مهدویت

۳. استعجال و تعیین وقت ظهور حضرت

۴. تطبیق گرائی علایم ظهور بر افراد خاص

۵. مدعیان دروغین مهدویت و سفارت

آسیب شناسی مهدویت

برای هر فرهنگ و مجموعه معرفتی ممکن است آفت‌هایی روی دهد که مانع رشد و بالندگی آن فرهنگ باشد فرهنگ دینی نیز گاهی به آفت‌هایی گرفتار می‌شود که حرکت رو به کمال آن را کند می‌کند و بحث «آسیب شناسی دینی» عهده دار شناختن آن آفت‌ها و شیوه مقابله با آنهاست.

مناسب است در فصل پایانی درباره آن چه به عنوان آسیب‌های فرهنگ ناب مهدوی مطرح می‌شود بحث کنیم تا ضمن آشنایی با آسیب‌ها به راه‌های خنثی سازی و مقابله با آنها بیندیشیم.

آسیب‌های فرهنگ مهدویت، مواردی است که غفلت از آنها موجب سستی اعتقاد مردم و به ویژه جوانان نسبت به اصل وجود امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یا ابعاد مختلف شناخت آن بزرگوار است و گاهی نیز سبب گرایش به افراد یا مجموعه‌های منحرف می‌گردد. بنابراین آشنایی با این آسیب‌ها، منتظران آن امام بزرگ را از کجروی در اعتقاد و عمل حفظ خواهد کرد.

ما در اینجا مهمترین آسیب‌های فرهنگ مهدویت را در عنوان‌هایی جدا از یکدیگر مورد بحث قرار می‌دهیم:

برداشت‌های غلط

از آسیب‌های مهم در فرهنگ مهدویت، تفسیرها و برداشت‌های نادرست از موضوعات این فرهنگ اسلامی است. تحلیل نادرست و ناقص از روایات به دریافت غیر صحیح می‌انجامد که چند نمونه از آن را بیان می‌کنیم.

۱. برداشت غلط از مفهوم «انتظار» سبب شده است که بعضی گمان کنند که چون اصلاح جهان از فسادها به دست امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود ما در برابر تباهی‌ها و ناهنجاری‌ها هیچ وظیفه‌ای نداریم و بلکه ممکن است گفته شود که برای نزدیک شدن ظهور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باید برای ترویج بدی‌ها و زشتی‌ها در جامعه اقدام کنیم!! این اندیشه نادرست در مقابل دیدگاه قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) است که امر به معروف و نهی از منکر را از وظایف حتمی هر مسلمان می‌داند.

بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی علیه السلام در نقد این دیدگاه فرموده‌اند:

«ما اگر دستمان می‌رسید و قدرت داشتیم باید برویم تمام ظلم‌ها و جورها را از عالم برداریم تکلیف شرعی ماست. منتهی ما نمی‌توانیم. این که هست این است که حضرت [امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)] عالم را پر می‌کند از عدالت؛ نه شما دست بردارید از این تکلیفتان، نه این که شما دیگر تکلیف ندارید.»^۱

ایشان همچنین در ادامه بیانات خود فرموده‌اند:

«[آیا] ما بر خلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم؟ دست از امر به معروف برداریم و توسعه

بدهیم گناهان را برای این که حضرت بیایند؟!»^۲

لازم به ذکر است که ما در ابتدای بحث «انتظار» درباره معنی صحیح انتظار سخن گفتیم.

۲. بعضی افراد از ظاهر برخی از روایات اینگونه برداشت کرده‌اند که هر قیامی قبل از قیام امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) محکوم و مردود است بنابراین در برابر قیام و انقلاب شکوهمند اسلامی ایران که قیامی بر ضد طاغوت و استکبار و در جهت برقراری احکام الهی بوده است موضع نادرستی گرفته‌اند.

در پاسخ باید گفت که اجرای بسیاری از احکام اسلامی مانند اقامه حدود و قصاص و نیز جهاد با دشمنان و مبارزه فراگیر با فساد جز با تشکیل حکومت اسلامی ممکن نیست، بنابراین تلاش برای برقراری نظام اسلامی کاری پسندیده و مورد قبول است و نهی از قیام در بعضی از روایات به معنی شرکت در قیام‌های باطل که انگیزه الهی ندارد و یا قیام‌هایی که بدون توجه به شرایط و زمینه‌های لازم انجام می‌گیرد و یا حرکت‌هایی که به عنوان قیام مهدوی شروع می‌گردد، می‌باشد. نه اینکه هر انقلاب و حرکتی که در مسیر اصلاح جامعه است مردود شمرده شود.^۳

۳. یکی دیگر از برداشت‌های غلط در فرهنگ مهدویت، نشان دادن چهره خشونت آمیز از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

بر خلاف تصور بعضی افراد که می‌اندیشند امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با شمشیر عدالت، دریایی از خون به راه می‌اندازد و بسیاری را از دم تیغ عبور می‌دهد؛ امام عصر (علیه السلام) مظهر رأفت و رحمت پروردگار است و مانند پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) ابتدا همگان را با بیان روشن و دلایل آشکار به اسلام و قرآن می‌خواند و اکثر مردم دعوت آن حضرت را پاسخ می‌دهند و به او می‌پیوندند. بنابراین امام (علیه السلام) تنها با مخالفان سرسخت که آگاهانه از پذیرفتن حق سرباز می‌زنند و جز زبان شمشیر نمی‌فهمند با سلاح برخورد می‌کند.

استعجال ظهور

یکی دیگر از آسیب‌های جدی در فرهنگ مهدویت، استعجال ظهور است. استعجال به معنی عجله کردن و خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت آن و تحقق زمینه‌های لازم برای آنست. انسان‌های عجول به خاطر ضعف نفس و کم ظرفیت بودن، متانت و سکون و آرامش خود را از دست می‌دهند و بدون در نظر گرفتن شرایط، خواهان تحقق پدیده‌ها هستند.

در فرهنگ ناب مهدویت و در برخورد با مسئله انتظار امام غایب، انسان منتظر، پیوسته در طلب ظهور است و با تمام وجود و اشتیاق خواستار ظهور است و برای تعجیل امر فرج دعا می‌کند ولی هرگز عجله نمی‌کند و هر چه غیبت به درازا کشد و انتظار، طولانی شود، باز هم صبر و شکیبایی را از کف نمی‌دهد بلکه علیرغم شوق فراوان به ظهور، در برابر اراده پروردگار و خواست او کمال تسلیم را از خود نشان می‌دهد و برای تحقق همه زمینه‌های لازم برای ظهور می‌کوشد و بردباری می‌کند.

عبدالرحمن بن کثیر گوید:

«خدمت امام صادق نشسته بودم که مهرم داخل شد و عرض کرد: قربانت گردم! به من خبر دهید این امری که در انتظارش هستیم کی واقع می‌شود؟ امام فرمود: ای مهرم! دروغ گفتند وقت گذاران و هلاک شدند شتاب کنندگان و نجات یافتند تسلیم شدگان.»^۴

نهی از عجله و شتاب زدگی در امر ظهور به آن جهت است که به دنبال عجله، روحیه یأس و نومیدی در انسان منتظر، پیدا می‌شود؛ آرامش و صبوری را از دست می‌دهد و حالت تسلیم او به حالت گله مندی و شکایت تبدیل

می‌گردد و از تأخیر ظهور بی‌قرار می‌گردد و این بیماری را به دیگران نیز سرایت می‌دهد و گاهی به خاطر استعجال ظهور به حالت انکار وجود امام، گرفتار می‌شود.

گفتنی است که منشأ استعجال ظهور آن است که نمی‌داند ظهور از سنت‌های الهی است و مانند همه سنت‌ها باید پس از تحقق همه شرایط و زمینه‌ها، انجام گیرد و بنابراین برای وقوع آن عجله می‌کند.

تعیین زمان ظهور

از آسیب‌های فرهنگ مهدویت آن است که بعضی به دنبال تعیین زمان برای ظهور هستند. در حالی که زمان ظهور بر مردم مخفی است و در روایات پیشوایان دینی از تعیین وقت برای ظهور به شدت نهی شده است و وقت گذاران دروغگو شمرده شده‌اند.

از امام باقر (علیه السلام) سؤال شد، آیا برای ظهور وقت (معینی) است؟ حضرت فرمود:

«آنها که برای ظهور تعیین وقت می‌کنند دروغ می‌گویند. و دو بار این جمله را تکرار کرد.»^۹

با این حال بعضی آگاهانه یا ناآگاهانه برای ظهور تعیین وقت می‌کنند که کمترین اثر آن احساس یأس و ناامیدی برای کسانی است که این وعده‌های دروغین را باور کرده‌اند ولی خلاف آن را مشاهده کرده‌اند. بنابراین منتظران واقعی باید خود را از دام شیادان و نیز نادانان حفظ کنند و درباره زمان ظهور، تنها منتظر اراده پروردگار باشند.

تطبیق علائم ظهور بر مصادیق خاص

در روایات فراوان نشانه‌هایی برای ظهور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان شده است اما کیفیت دقیق و خصوصیات آن‌ها روشن نیست و این بستری برای تحلیل‌ها و تفسیرهای شخصی و احتمالی گردیده است و هر از چند گاهی بعضی در پی تطبیق علائم ظهور بر پدیده‌های موجود بر می‌آیند و بدینوسیله خبر از نزدیکی ظهور و احتمال قریب الوقوع بودن آن می‌دهند.

این جریان نیز از آسیب‌های فرهنگ مهدویت است که گاهی به یأس و ناامیدی از ظهور می‌انجامد. برای مثال وقتی شخصیت سفیانی به فردی خاص که در فلان منطقه است تفسیر شود و درباره دجال، تحلیل‌های بی‌دلیل مطرح گردد و به دنبال آن بشارت ظهور در زمانی بسیار نزدیک، به همگان داده شود و پس از طی شدن سالیانی، امام (علیه السلام) ظهور نکند، عده‌ای به انحراف و اشتباه گرفتار می‌شوند و در اعتقادات صحیح خود دچار تزلزل و تردید می‌گردند.

طرح مباحث غیرضروری

در فرهنگ ناب مهدوی معارف فراوانی است که پرداختن به آنها یک ضرورت شمرده می‌شود و نقش اساسی در جهت آگاهی بخشی به شیعیان دارد و برای ترسیم نحوه عملکرد آنها در زمان غیبت بسیار مهم است. گاهی افراد و مجموعه‌ها در قالب گفتار و مقاله‌ها و نشریات و حتی کنفرانس‌ها به بحث‌هایی روی می‌آورند که هیچ ضرورتی برای طرح آنها احساس نمی‌شود و بلکه گاهی سبب ایجاد شبهه‌ها و سؤالات انحرافی در ذهن و اندیشه منتظران می‌گردد.

برای نمونه پرداختن به بحث «ملاقات با امام زمان» و ترغیب و تشویق فراوان و به شکل افراطی نسبت به این

موضوع، پیامدهای ناگواری دارد و سبب ناامیدی و گاهی انکار امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌گردد. در حالی که آنچه در روایات بر آن تأکید شده است، حرکت در جهت رضایت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و پیروی از آن حضرت در گفتار و کردار است و بنابراین آنچه مهم است تبیین وظایف منتظران، در عصر غیبت امام است تا اگر توفیق ملاقات با امام دست داد، در حالت رضایتمندی آن بزرگوار باشد.

پرداختن به مباحثی از قبیل ازدواج حضرت و یا وجود فرزند برای آن بزرگوار و یا محل زندگی حضرت و مانند آن نیز از نمونه‌های بحث‌های غیر ضروری است که بجاست جای خود را به مباحث کاربردی و تأثیرگذار بدهد. به همین دلیل گفتگو درباره شرایط و زمینه‌های ظهور نیز بر بحث علائم ظهور مقدم است زیرا آشنایی با شرایط ظهور، مشتاقان امام را به حرکت در راستای تحقق آن شرایط ترغیب می‌کند.

این نکته نیز مهم است که در طرح مباحث مهدویت، جامع‌نگری لازم است. مقصود این است که در هنگام گفتگو درباره یک موضوع مجموعه معارف مهدویت مورد مطالعه قرار گیرد. گاهی بعضی افراد با مطالعه برخی از روایات و بدون در نظر گرفتن روایات دیگر، تحلیل‌های نادرستی از جریان مهدویت بیان می‌کنند. برای مثال با ملاحظه روایاتی که از جنگ طولانی و خونریزی فراوان خبر داده است، چهره بسیار خشنی از امام غایب ترسیم می‌کنند و از روایات دیگر که جلوه‌های محبت و مهربانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بیان کرده است و سیره و اخلاق او را همانند خلق و خوی جدّ گرامیش پیامبر مکرّم اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) معرفی کرده است، غافل می‌مانند. بدیهی است که دقت در هر دو دسته روایات، این حقیقت را بیان می‌کند که برخورد امام (علیه السلام) با همه انسان‌های حق طلب - چه رسد به شیعیان و دوستان آن بزرگوار - با دریایی از مهربانی و صفا و صمیمیت خواهد بود و شمشیر انتقام آن ذخیره الهی تنها بر گرده ستمگران و پیروان آنها فرود خواهد آمد. بنابراین گفتگو درباره موضوع مهدویت صلاحیت علمی کافی می‌خواهد و آنها که چنین صلاحیتی ندارند نباید به این میدان وارد شوند و ورود آنها به این عرصه می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری به فرهنگ مهدویت وارد کند.

مدّعیان دروغین

یکی دیگر از آسیب‌های معارف مهدویت، ظهور مدّعیان دروغین در این جریان مقدّس است. در طول سالیان غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) افرادی به دروغ ادعا کرده‌اند که با آن حضرت، ارتباط خاص دارند و یا از سوی آن بزرگوار، به مقام نیابت خاص رسیده‌اند.

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخرین نامه خود به نایب چهارم، تصریح فرموده‌اند:

«تو تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت، کارهایت را سامان ده و درباره جانشینی از خود، به هیچ کس وصیت نکن که غیبت کامل فرا رسیده است... و در آینده بعضی از شیعیان من ادعای مشاهده (و ارتباط با من) می‌کنند. آگاه باشید که هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه (آسمانی) ادعای مشاهده کند دروغگو است.»^۶

با این بیان روشن، هر شیعه آگاهی وظیفه دارد، مدّعیان ارتباط و نیابت خاص را تکذیب کند و راه نفوذ و سودجویی این فرصت طلبان و دنیا خواهان را ببندد.

بعضی از این دروغگویان پا را فراتر نهاده و پس از ادعای نیابت، مدّعی مهدویت شده‌اند و در پی این ادعای باطل، مکتب و فرقه‌ای انحرافی را بنیان نهاده‌اند و زمینه انحراف اعتقادی عدّه بسیاری را فراهم کرده‌اند^۷ که با مطالعه تاریخچه این گروه‌ها روشن می‌شود که بسیاری از آنها با پشتیبانی و حمایت استعمار به وجود آمده و به حیات خود ادامه داده‌اند.

روشن است که شکل گیری فرقه‌ها و گروه‌های منحرف و پیوستن و اعتماد کردن افراد به مدعیان مهدویت یا نیابت، در جهل و نادانی آنها ریشه دارد. شوق فراوان به دیدار امام (علیه السلام) بدون معرفت و آگاهی کافی نسبت به آن حضرت و غفلت از وجود شیادان در این عرصه، زمینه ساز ارتباط با مدعیان دروغین می‌گردد. بنابراین شیعیان منتظر باید با آگاهی کافی از معارف ناب مهدویت خود را از دام نیرنگ بازان حفظ کنند و با پیروی از علمای متعهد شیعه در مسیر روشن مکتب گام بردارند.

خلاصه درس

- از مهم ترین آسیب‌های معارف مهدویت، تفسیرها و برداشتهای غلط از آموزه‌های آن است.
- برداشت نادرست از مفهوم انتظار، مردود دانستن قیام در عصر غیبت، نشان دادن چهره خشن از امام (علیه السلام) و... از مصادیق بارز انحراف در فهم و تفسیر معارف مهدویت می‌باشد.
- تعیین وقت ظهور، تطبیق علائم بر مصادیق خاص، ادعاهای دروغین در مورد ارتباط با حضرت و یا نیابت از ایشان، از آسیب‌های جدی در حوزه مباحث مهدویت به حساب می‌آید.

پرسش‌های درس

۱. سه نمونه از برداشت‌های غلط در حوزه مباحث مهدویت را بیان نمائید؟
۲. فرق استعجال با توقیت را توضیح دهید؟
۳. مهم‌ترین پیامد منفی تطبیق‌گرائی را توضیح دهید؟
۴. وظیفه شیعیان در قبال مدعیان دروغین ارتباط و نیابت را با توجه به توقیع بیان نمائید؟

سوالات پژوهشی

۱. پیامدهای افراط و تفریط در ارائه‌ی چهره‌ی مهر و غضب از امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) را ذکر کنید؟
۲. مهم‌ترین آسیب واقع شده در مورد انتظار و منشأ آن را بیان نمایید؟
۳. علل و زمینه‌های پیدایش فرق انحرافی را بررسی کنید؟

معرفی منابع جهت مطالعه و پژوهش

۱. قیام و انقلاب جهانی امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) - شهید مطهری
۲. اندیشه مهدویت و آسیب‌ها - محمدصابر جعفری
۳. فصل‌نامه انتظار - شماره‌های ۱، ۲، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵
۴. معارف مهدوی - مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی

فهرست منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. مفاتیح الجنان
۳. نهج البلاغه
۴. اثبات الهداة، محمدبن الحسن الحرّ العاملي.
۵. الاحتجاج، احمدبن علی ابی طالب الطبرسی، اسوه، تهران، ۱۴۱۶ هـ ق.
۶. ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، کوروش کبیر، تهران، ۱۳۴۲.
۷. بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، دارالکتب الاسلامیه.
۸. تفسیر قرطبی، القرطبی.
۹. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی.
۱۰. تفسیر کبیر، الامام الفخر الرازی.
۱۱. خصال، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲.
۱۲. چشم اندازی به حکومت حضرت مهدی، نجم الدین طبری، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۳. راز طول عمر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) علی اکبر مهدی پور، طاووس بهشت، قم، ۱۳۷۸.
۱۴. رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی (علیه السلام)، محمد خادمی شیرازی.
۱۵. روزگار رهایی، کامل سلیمان، مترجم علی اکبر مهدی پور، آفاق، تهران، ۱۳۷۶.
۱۶. زنده روزگاران، حسین فریدونی، آفاق، تهران، ۱۳۸۱.
۱۷. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، اسوه، تهران، ۱۴۲۲ هـ ق.
۱۸. سنن ابن داود، ابی داود سلیمان بن الاشعث السجستانی الأزدی، دار ابن خرم، بیروت، ۱۴۱۸ هـ ق.
۱۹. صحیفه نور، امام روح الله الموسوی الخمینی.
۲۰. عقد الدرر، یوسف بن یحیی بن علی بن عبدالعزیز الشافعی، اسوه، تهران، ۱۴۱۶ هـ ق.
۲۱. علل الشرایع، ابی جعفر محمدبن علی بن الحسین بن بابویه، مؤمنین، قم، ۱۳۸۰.
۲۲. الغیبة طوسی، شیخ الطایفة ابی جعفر محمدبن الحسن الطوسی، المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۷ هـ ق.
۲۳. الغیبة نعمانی، ابن ابی زینب محمدبن ابراهیم بن جعفر الکاتب النعمانی، مترجم، محمد جواد غفاری، صدوق، ۱۳۷۶.
۲۴. الفتن، حافظ ابو عبدالله نعیم بن حمار مروزی، توحید، قاهره، ۱۴۱۲ هـ ق.
۲۵. کافی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی الرازی، دار صعب، بیروت، ۱۴۰۱ هـ ق.
۲۶. کمال الدین، ابی جعفر محمدبن علی بن الحسین بن بابویه قمی، مترجم پهلوان، دارالحديث، قم، ۱۳۸۰.
۲۷. المستدرک، الحاکم النیشابوری.

٢٨. معانى الاخبار، ابوجعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى.
٢٩. معجم احاديث الامام المهدي، الهيئة العلمية، المعارف الاسلامية، ١٤١١ هـ ق.
٣٠. معجم الكبير، الطبرانى.
٣١. منتخب الاثر، لطف الله صافى گلپايانى، السيدة المعصومة، قم، ١٤١٩ هـ ق.
٣٢. ميزان الحكمة، محمد محمدى رى شهرى، مترجم حميدرضا شيخى، دار الحديث، قم، ١٣٧٧.
٣٣. نجم الثاقب، ميرزا حسن طبرسى نورى، مسجد مقدس جمكران، قم، ١٣٨٠.
٣٤. وسايل الشيعه، الامام الشيخ محمد بن الحسن الحر العاملى، دار احياء التراث العربى، بيروت.
٣٥. يوم الخلاص، كامل سليمان، انصار الحسين الثقافية، طهران، ١٩٩١ م.

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۶.
۲. همان.
۳. برای اطلاع بیشتر درباره این موضوع به کتاب «دادگستر جهان» نوشته «ابراهیم امینی»، ص ۲۵۴ تا ۳۰۰ مراجعه شود.
۴. کافی، ج ۲، ص ۱۹۱.
۵. الغیبه طوسی، ج ۴۱۱، ص ۴۲۶.
۶. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴۵، ص ۲۹۴، توضیح اینکه مقصود از «مشاهده» همان نیابت است نه صرف دیدار، چنانکه علامه مجلسی رحمته الله فرموده است.
۷. یکی از این فرقه های منحرف، فرقه باییت است که رهبر آن «علی محمد شیرازی»، ابتدا ادعای نیابت امام مهدی (علیه السلام) را مطرح کرد و پس از آن مدعی شد که همان مهدی موعود است و در نهایت ادعای پیامبری هم کرد! و این فرقه منحرف زمینه شکل گیری فرقه‌ی ضاله‌ی بهائیت گردید.